



# حجاب و عفاف

در بیانات آیه الله سید احمد علم الهدی

به اهتمام

اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی



عنوان و نام پدیدآور...: حجاب و عفاف در بیانات آیه‌الله سیداحمد علم‌الهدی / به اهتمام اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی؛ پژوهش و تحقیق گروه پژوهشی مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام مشخصات نشر.....: تهران: برهان دانش، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری.....: ۱۸۴ص.

شابک.....: 978-600-90974-4-9: ۳۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت.....: کتابنامه: ص. [۱۷۹] - ۱۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع.....: علم‌الهدی، سیداحمد ۱۳۲۳ - نظریه درباره حجاب اسلامی

موضوع.....: علم‌الهدی، سیداحمد ۱۳۲۳ - خطبه‌ها

موضوع.....: علم‌الهدی، سیداحمد ۱۳۲۳ - پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع.....: نماز جمعه - ایران - مشهد - خطبه‌ها

موضوع.....: حجاب - جنبه‌های مذهبی - اسلام

شناسه افزوده.....: سازمان تبلیغات اسلامی. اداره کل تبلیغات اسلامی استان خراسان رضوی

شناسه افزوده.....: مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام (مشهد). گروه پژوهش

رده‌بندی کنگره.....: ۱۳۹۱ ۳۲۶/ح/۱۷/۲۳۰ BP

رده‌بندی دیویی.....: ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۷۶۴۷۳۱

کد پیگیری.....: 2764149

## حجاب و عفاف در بیانات آیه‌الله سیداحمد علم‌الهدی

به اهتمام: اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

پژوهش و تحقیق: گروه پژوهشی مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام

مشاوره: محمد اسفندیاری

ویراستار: معصومه چمنی

طراح جلد: آیه‌های نیایش - درودی

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

ناظر فنی چاپ: علی اصغریار

حروفچینی و صفحه‌آرایی: عبدالله خطیر آقاجانی

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

ناشر: انتشارات برهان دانش

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۰۹۷۴ - ۴ - ۹

مرکز توزیع

مشهد مقدس: پژوهش اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

حق چاپ محفوظ است

حجاب و عفاف

در بیانات آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی

به اهتمام اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	
مقدمه .....	
فصل یکم: مفهوم شناسی .....	
مقدمه .....	
حجاب .....	
جلباب .....	
خمار .....	
ستر .....	
تبرج .....	
عفت .....	
حیا .....	
غیرت .....	
فصل دوم: مبانی اعتقادی و روانشناختی حجاب .....	
مقدمه .....	
مبانی اعتقادی .....	
۱. باورمندی انسان به خدا .....	
الف) باورمندی احساسی .....	

- ..... (ب) باورمندی عقلانی
- ..... ۲. باورمندی انسان به معاد
- ..... ۳. تقوا
- ..... ۴. جامع‌نگری در ولایت‌پذیری اهل‌بیت(ع)
- ..... مبانی روانشناختی
- ..... ۱. فطرت
- ..... ۲. حیا
- ..... ۳. عفت
- ..... خاستگاه عفت
- ..... ۴. غیرت
- ..... اعتدال در غیرت
- ..... عوامل تضعیف غیرت
- ..... فصل سوم: فلسفه حجاب و کارکردهای آن
- ..... مقدمه
- ..... ضرورت و فلسفه حجاب از منظر عقل
- ..... ضرورت و فلسفه حجاب از منظر قرآن
- ..... ضرورت و فلسفه حجاب از منظر روایات
- ..... کارکردهای حجاب و پیامدهای بی‌حجابی

.....	۱. حجاب، عامل شکست دشمن
.....	۲. حجاب، تبلیغ اسلام
.....	۳. حجاب، حافظ شخصیت زن
.....	۴. حجاب عامل موفقیت زنان در عرصه‌های علمی
.....	۵. حجاب، مانع نگاه جنسیتی به زن
.....	۶. بی‌حجابی، زمینه مقابله با دین و انقلاب
.....	۷. بی‌حجابی، زمینه‌ساز مفسد اجتماعی
.....	۸. بی‌حجابی، ضد حقوق زن
.....	۹. بی‌حجابی، عامل پایمان نمودن خون شهدا
.....	۱. بی‌حجابی، عامل تحریک غرایز
.....	فصل چهارم: حجاب اسلامی، حدود مراتب آن
.....	مقدمه
.....	حدود حجاب در قرآن کریم
.....	انواع حجاب
.....	مراتب حجاب
.....	حدود حجاب و مسایل پزشکی
.....	نوع پوشش
.....	نقش سن در تعیین حدود پوشش

.....	پوشش دختران قبل از تکلیف
.....	پوشش زنان در سالخوردگی
.....	حدود پوشش از منظر سنت
.....	حدود پوشش از نظر عقل
.....	رنگ لباس
.....	مدل لباس
.....	فصل پنجم: حجاب‌گرایی و حجاب‌گریزی
.....	مقدمه
.....	عوامل موثر بر حجاب‌گرایی
.....	۱. مراکز آموزشی
.....	الف) آموزش و پرورش
.....	ب) آموزش عالی
.....	۲. صدا و سیما
.....	۳. خانواده
.....	۴. مبلغان دینی
.....	۵. دولت و نیروی انتظامی
.....	۶. اصناف
.....	راهکارهای موثر بر حجاب‌گرایی

- ..... ۱. امر به معروف و نهی از منکر
  - ..... ۲. راهپیمایی حجاب و عفاف
  - ..... ۳. سالم‌سازی تفریحگاه‌ها
  - ..... ۴. آموزش صحیح دین
  - ..... ۵. توجه به رضای خدا در برنامه‌ریزی‌ها
  - ..... ۶. معرفی الگو
  - ..... ۷. جهت‌بخشی به خواسته‌های جوانان
  - ..... ۸. تقویت ارتباط با خدا و اهل‌بیت (ع)
- ..... عوامل موثر بر حجاب‌گریزی و راهکارهای مقابله با آن
- ..... ۱. اختلاط زن و مرد
  - ..... اختلاط در صدا و سیما
  - ..... اختلاط و فعالیت اجتماعی زنان
  - ..... ۲. هنر بدون تعهد
  - ..... ۳. توطئه دشمنان
  - ..... ۴. آزادی بدون دلیل
  - ..... ۵. جنگ نرم
  - ..... ۶. پیروی از شیطان
  - ..... فهرست منابع



## پیشگفتار

قال امیرالمومنین: «بالعفاف تزكوا الأعمال» (غرر الحکم)؛ به وسیله عفاف، کردارها را تزکیه نماید.

مساله عفاف و حجاب در مقطع حساس امروز جامعه، با سرنوشت انقلاب و نظام گره خورده است. آنچه مسلم است: در ارتباط با آیه شریفه «ان کید الشیطان کان ضعیفا» (نساء/۷۶) یکی از ملاک‌های ضعف مکر و حيله شیطان آن است که در کار شیطان ابتکار و نوآوری وجود ندارد. شگرد شیطانی براندازی اقتدار مسلمین اندلس و اسپانیا، با جداسازی نسل جوان مسلمان آن سرزمین از اسلام، به وسیله توسعه فحشا و بی‌بندوباری جوانان، دقیقاً نقشه نابکارانه‌ای است که امروز، شیطان به وسیله عوامل خود برای درهم شکستن اقتدار جامعه متدین ما طراحی نموده است.

آنچه در نتیجه تجربه سی‌وسه سال عمر این انقلاب، برای شیطان بزرگ حاصل شده، این است که نظام و انقلاب به پشتیبانی خستگی‌ناپذیر مردم است و این انقلاب و نظام از یک آمیختگی انفکاک‌ناپذیری با مبانی اعتقاد دینی و گرایش‌های اسلامی این مردم برخوردار است و تنها راه جداسازی مردم از انقلاب و نظام، جداسازی آنها از دین و باورهای اسلامی است. این مطلب با توسعه فحشا در نسل جوان این نظام قابل تحقق است. شیوع بی‌عفتی و لابلالی‌گری در پوشش و حجاب، موثرترین عامل در توسعه فساد اخلاقی در میان نسل جوان این انقلاب است.

به امید توجه مسوولان و متولیان فرهنگی کشور به این مساله و اقدام اساسی برای توسعه حجاب به منظور یک پدافند فرهنگی قاطع در برابر ناهنجاری‌ها و منکرات سامان‌براننداز این انقلاب.

در این چند سطر، تشکر خود را از اقدامات موثر و مسوولانه عالم روشن‌اندیش، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مرویان حسینی، مدیرکل محترم تبلیغات اسلامی استان خراسان رضوی در ترویج حجاب و عفت اعلام می‌دارم.

این نوشتار به مساعی مدیر پژوهش تبلیغات اسلامی استان، جناب حجت‌الاسلام اسفندیاری و پژوهش‌های عالمانه و دقیق خواهران فاضله در حوزه علمیه حضرت زینب وابسته به حوزه علمیه خراسان صورت گرفته است.

این عزیزان، عرایض و مباحث حقیر را در خطبه‌های نماز جمعه مشهد مقدس و برخی سخنرانی‌ها، تنظیم و تنسيق نموده‌اند که گامی مخلصانه در توسعه عفاف و حجاب می‌باشد. امیدوارم فعالیت‌های ارزشمند ایشان موجب رضایت خاطر نازنین صاحب و مولایمان حضرت بقیه‌الله فی‌الارضین ارواحنا فداه قرار گیرد.

سیداحمد علم‌الهدی

## مقدمه

واژه حجاب در لغت به معنی مانع، پرده و پوشش آمده است. این کلمه در استعمالات قرآنی آن بیشتر به معنی پرده به کار رفته و از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است.

مقصود عالمان اسلامی از حجاب و حکم و جوبی آن، این است که زن در هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین حجاب به معنی پوشش اسلامی، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشاندن بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو جنبه می‌بایست در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی مشاهده می‌شود زنان محجبه در پوشش خویش از رنگ و جنس تحریک‌کننده استفاده می‌کنند که در عین پوشیده بودن بدن، زیبایی آن آشکار است، گویی که اصلاً لباس نپوشیده است و این دور از روح و هدف حجاب است. پوشش اسلامی از ضروریات اسلامی است و هیچ مسلمانی نمی‌تواند در اصل آن تردید کند زیرا هم قرآن مجید به آن تصریح کرده است و هم روایات بسیار بر وجوب آن گواهی می‌دهد. به همین جهت فقیهان شیعه و سنی به آن فتوا داده‌اند.

همان‌طور که نماز و روزه به دورانی خاص اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز چنین است و ادعای عصری بودن آن، بی‌دلیل و ناکارشناسانه است.

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره مبارکه نور نخست به مردان و سپس در آیه بعد به زنان مسلمان فرمان می‌دهد که از چشم‌چرانی پرهیز کنند و در رعایت پوشش از نامحرم کوشا باشند.

سپس در آیه بعد می‌فرماید: ای پیامبر به زنان مومن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خویش را از بیگانگان بپوشانند و زیورهای خود را جز برای شوهر و سایر محارم آشکار نکنند، مگر آنچه پیداست و روسری‌های خویش را به گریبان‌ها اندازند تا سرو گردن و سینه و گوش‌ها پوشیده باشد و پاهایشان را به زمین نکوبند تا که آنچه از زینت پنهان می‌کنند، معلوم گردد.

زنان عرب مسلمان قبل از نزول این آیه، موهای خود را می‌پوشاندند و مشکل تنها آشکار بودن گردن، گوش و زیر گلو بود، در این آیه از روسری بلند سخن به میان آمده است. همچنین زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای اینکه بفهمانند که زینت‌های گرانبها دارند، پاهای خود را محکم به زمین می‌کوفتند. این آیه شریفه از این کار ایشان را نهی می‌کند. شهید مطهری می‌گوید: از این دستور می‌توان فهمید که هر چیزی موجب جلب توجه مردان گردد، مانند استعمال عطرهای تند و نیز آرایش‌های جلب‌نظر کننده در چهره، ممنوع است. (مساله حجاب ص ۱۴۶)

آرایش امری فطری و طبیعی است و حس زیبایی دوستی، سرچشمه پیدایش انواع هنرها در زندگی بشر شمرده می‌شود.

این گرایش طبیعی، به تحقق آثار گرانبهای روانی در شخص آراسته، منجر می‌شود. از سوی دیگر: وضع ژولیده و عدم مراعات تمیزی و نظافت ظاهری، شخصیت افراد را در نگاه دیگران خوار می‌سازد و زبان طعن و توهین را می‌گشاید، بر این اساس پوشیدن جامه زیبا، بهره‌گیری از مسواک و شانه، روغن زدن به مو استفاده از رانج‌های خوش، انگشتر فاخر به دست آوردن و آراستن خویش به هنگام عبادت و یا معاشرت با مردم، از مستحبات و برنامه‌های روزانه مومنان و از سیره‌های مستدام اهل بیت(ع) بوده است.

بنابراین خداوند زینت و خودآرایی را نهی نمی‌کند، آنچه در شرع و عقل نهی شده، خودنمایی، تحریک دیگران، دامن زدن به فرهنگ تباخر و جلوه آفرینی با مال و پوشاک و شهوانی کردن فضاها و جنسی نمودن ارتباطها می‌باشد، گسترش فرهنگ حجاب و عفاف آثار و پیامدهای مهمی دارد: در ساحت فردی ایجاد سلامت و آرامش روانی در آحاد و افراد جامعه با حجاب و عفاف پیوند دارد. در مقابل، فقدان حجاب و آزادبودن معاشرت‌های بی‌بندوبارانه میان زدن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد.

غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود، بیشتر سرکش می‌گردد. بهترین گواه آن دنیای غرب است که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، هجوم به مساله سکس و اطاعت از غریزه جنسی بیشتر شده است.



کسانی که در قالب تحقیقات علمی یا سخنان عوامانه این شبهه را دامن می‌زنند که همه گرفتاری‌های کشورهای اسلامی و شرقی به سر مساله غریزه جنسی ناشی از محدودیت‌ها می‌باشد و راهکار ارائه می‌کنند که بایستی موانع برداشته شود و روابط جنسی آزاد اعلام شود و حتی به کودک و نوجوان آموزش داده شود تا این حرص و ولع برطرف گردد، بایستی پاسخ دهند که این نسخه در غرب چه دستاوردی داشته است؟ آیا به امنیت و آرامش منجر شده، آیا سلامت اخلاق را به دنبال داشته یا اینکه هر روز جلوه جدیدی از تمتعات جنسی و ناهنجاری‌های اخلاقی و روابط ناسالم را آفریده است، کارکرد دیگر گسترش فرهنگ حجاب و عفاف، پایداری نهاد خانواده است. با فاصله گرفتن از بی‌بندوباری اخلاقی و انتقال التذاذهای جنسی به محیط خانه و ارتباط قوی‌تر زوجین، به استحکام کانون خانواده و کارکردهای متنوع آن منجر می‌شود. امروزه یکی از اولویت‌های اساسی فرهنگی اجتماعی غرب جستجوی راه‌های جبران در مسیر حفظ و تقویت نهاد خانواده است. با فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی نمی‌توان امنیت، صمیمیت، همکاری، پویایی و سلامت ذهن و ضمیر و رشد را در درون خانواده انتظار داشت.

کارکرد دیگر فرهنگ عفاف و حجاب حفظ و استیفای نیروی کار در جامعه است. جامعه در اضلاع مختلف خویش، رسالت‌ها و وظایفی به عهده دارد. جامعه علمی، جامعه اداری، جامعه کارگری، جامعه ورزشی و... هر یک دارای اهداف و شرح وظایفی هستند. بدحجابی و گسترش لذت جنسی در فضاهای شغلی، التهابات عاطفی و جنسی را دامن می‌زند و تمرکز نیروی کار در فضاهای گوناگون کاهش می‌یابد. اگر کلاس و اداره و

خیابان و فروشگاه و کارخانه میدان خودنمایی‌های جنسی و کامجویی‌های شهوانی و عرضه جسم و پیکر گردد، جامعه تعطیل می‌شود و رشد و پیشرفت و توسعه و اهداف شغلی و سلامت‌های کاری زیر سوال می‌رود.

سلامت اقتصادی نیز در سایه گسترش فرهنگ حجاب و عفاف فراهم می‌شود. اگر خودنمایی‌ها و جلوه‌آفرینی‌ها باب شود، مدگرایی و زندگی مصرفی دامن زده شود، از سوی دیگر فقر و فاصله طبقاتی اتفاق می‌افتد، هم بخش زیادی از سرمایه‌های اقتصادی نامناسب هزینه می‌شود و هم روح و تفکر و شرافت‌های اخلاقی و فضایل انسانی به حاشیه رانده می‌شود.

البته بیشتر اظهارنظرها درباره حجاب، بحث را بر پوشش زن معطوف می‌نماید و کمتر به پوشش مرد توجه کرده‌اند این مطلب از جهاتی چند قابل توجه است:

- اول اینکه: این قاعده تا حدی عادی و طبیعی است چرا که زن مظهر جمال و زیبایی است و مرد مظهر شیفتگی و اگر زن سالم باشد، مرد فاصد را به جایی نمی‌برد.

- دوم اینکه: قرآن به مردان هم توجه کرده و می‌فرماید که مردان باید چشم خویش را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند (سوره نور آیه ۳۰) و از سویی مردان هم بایستی برهنگی و خودنمایی و تشبه به زن و تلبس به لباس زنان و آرایش‌های غیرمتعارف و شهوت‌آفرین پرهیز نمایند.

- مهم فرهنگ عمومی جامعه و دست‌اندرکاران فرهنگی است که با زمینه‌سازی، تربیت، مراقبت و هشدارهای به جا عرصه بی‌بندوباری را ببندند و با تقویت و کارآمد کردن نهاد

خانواده که در آن مردان و زنان نیازهای عاطفی و جنسی خویش را به طور کافی و شایسته و متنوع تامین می‌نمایند و نیز تقویت روابط سالم اجتماعی و نشاط و شادابی در فضاهای درستی و تلاش و پشتکار در کار تولید و ارزش‌مداری برای دانش و اخلاق و آشنایی با ترفندهای دشمنان دوران کودکی و نوجوانی و جوانی با کمترین آسیب گذرانده شود.

علاوه بر اینها شایسته است در قالب کار گروه‌های تخصصی به سر فصل‌های زیر توجه کارشناسان شود و با حضور متخصصان مختلف از کارشناسان دین و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و هنرمندان و تولیدکنندگان و مدیران سیاسی به این مباحث توجه جدی گردد:

- رفع اشکالات قانونی در نحوه تولید، توزیع و عرضه پوشاک داخلی و خارجی
- حمایت مادی و معنوی از آثار فرهنگی، هنری مطلوب همانند تسریع در صدور مجوز، ارائه یارانه و تشویق تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنرمندانی که راهکارهای تازه و جذاب در راستای توسعه فرهنگی عفاف ارائه می‌نمایند.
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی و خصوصی جهت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب.
- نظارت بر تشکل‌های هنری- مردمی، نمایشگاه‌ها و محافل هنری عمومی مانند کنسرت‌ها و نمایشگاه‌ها در جهت رعایت فرهنگ عفاف و حجاب.

- تهیه فیلم‌های سینمایی در مورد تاریخچه کشف حجاب در ایران و بررسی تاریخی علل و عوامل آن.

- کنترل اماکن تجاری عمومی شامل فروشگاه‌ها، مجتمع‌های تجاری و آرایشگاه‌ها از نظر پوشش و بدحجابی.

- اهتمام برای اجرای مناسب‌تر مقررات در چیدمان آرایش و تزئین ویتترین‌ها و استفاده از مانکن‌های جهت حفظ حریم عفت عمومی.

- به تصویر کشیدن زنان تحصیلکرده، ممتاز و متعهد و با حجاب در فیلم‌ها و مجموعه‌های هنری و پرهیز از نشان دادن آنها در نقش‌ها و شخصیت‌های عامه و کم‌سواد و نیز به تصویر کشیدن چهره بانوان محجبه کشورهای خارجی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی از طریق برنامه‌های تلویزیون و تهیه فیلم از زندگی ایشان.

- نشان دادن اثرات منفی فرهنگ مبتذل غیراخلاقی غرب در زندگی اجتماعی و خانوادگی و احساس ناامنی و بحران‌های روانی و شغلی و اجتماعی و مقایسه آن با وضعیت مثبت زنان در ایران به منظور احساس رضایت خاطر زنان ایرانی از فرهنگ دینی - بومی و ملی خویش.

- گسترش مراکز اختصاصی ورزش و تفریح بانوان به منظور گذراندن اوقات فراغت و فضاسازی مناسب جهت برخورداری زنان از آزادی عمل در رعایت حجاب.

- آسان کردن ازدواج سالم و موفق و مطرح کردن فرهنگ ازدواج موقت در سازوکارها در شرایط خویش.

- یکسان سازی و استاندارد نمودن معیارهای دینی و فرهنگی اجتماعی درباره حجاب.

- تاکید بر مفهوم پیش نیاز حجاب که مفهوم «حیاء» باشد و فراهم کردن سازوکارها و زمینه های علمی و عملی تحقق آن.

- اجتناب از افراط و تفریط چه در عرصه نظر یا عمل در مقوله حجاب.

- کنترل، تذکر، مراقبت و پیگیری کارمندان اداری در سازمان ها و دستگاه ها که مقید به مفهوم حجاب و عفاف نیستند.

- تحلیل سوءاستفاده اقتصادی و سیاسی از زن در غرب و غارت پیکر زن برای فروش کالاهای خوش.

- تولید چادرهای راحت، جالب و در عین حال اسلامی، ارزان کردن عرضه چادر.

در کنار تشویق به حجاب بر تریعنی چادر، تاکید و اصرار بر حجاب قانونی در فضای عمومی و کارمندان ادارات به گونه ای که نظر شرع و کارکردهای حجاب تامین شود.

- عزم همگانی مسوولان و دستگاه های قانونی به منظور اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع حجاب و عفاف.

اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی براساس وظیفه ذاتی خویش که متولی گسترش فرهنگ دینی در سطوح و اقشار گوناگون می باشد به منظور ارائه مبانی و کارکردهای حجاب براساس آموزه های اسلامی، موفق شد تا با کمک گروهی از پژوهشگران ارجمند



مدرسه علمیه حضرت زینب(س) اقدام به گردآوری، تبویب و تحقیق بیانات ارزشمند حضرت آیت الله علم الهدی امام جمعه محترم مشهد مقدس در موضوع فرهنگ و حجاب نماید. این بیانات که در ضمن خطبه‌های نماز جمعه ارائه شده به ابعاد و زوایای مختلف حجاب و عفاف پرداخته است. تلاش شد تا از گفتاری به نوشتاری تبدیل گردد و در پایان با ملاحظه و نظر مثبت ایشان منتشر شود. شایسته است از امام جمعه محترم که با استقبال، زمینه بهره‌مندی عموم جامعه از آموزه‌های اسلامی در عرصه حجاب و عفاف را پذیرفتند، کمال سپاسگذاری به عمل آید و نیز از پژوهشگران دلسوز حجت‌الاسلام محمد اسفندیاری، سرکار خانم بتول عزیزی، گیتا محسنی، سیده اعظم التفاطی فاز، لیلا اکبری و معصومه حیدری فرد که با اهتمام و تحقیق خویش این اثر را به خامه قلم نگاشتند، تقدیر و تشکر نمایم.

انه ولی التوفیق

مرویان حسینی

مدیرکل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

## فصل یکم: مفهوم‌شناسی

### مقدمه

حجاب به عنوان یک ارزش دینی و انسانی با بسیاری از مسائل فکری و عقیدتی پیوندی ناگسستنی دارد و دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. بی‌گمان شناخت حجاب و بحث پیرامون آن منوط به بررسی لغوی و شناخت واژگان مرتبط با آن است.

بر همین اساس در این فصل به واژه‌شناسی حجاب پرداخته شده و واژگان مرتبط با آن در دو قسمت بررسی گردیده است.

در قسمت اول واژه‌هایی تبیین شده‌اند که در قرآن و سیره به طور مستقیم به معنای حجاب و پوشش به کار رفته‌اند. این واژه‌ها عبارتند از: حجاب، جلباب، خمار، ستر. در قسمت دوم واژگانی توضیح داده شده‌اند که با موضوع حجاب شباهت مفهومی ندارند، اما در تبیین و تشریح آن موثرند، یا به عنوان مبانی حجاب می‌توانند اثرگذار باشند. این واژه‌ها عبارتند از: تبرج، عفاف، حیا، غیرت.

### حجاب<sup>۱</sup>

---

۱- الحجب و الحجاب: المنع من الوصول... و قوله تعالى: «و بینهما حجاب» [الاعراف / ۴۶].... یعنی مایمنع من وصول لذه اهل الجنة الى اهل النار...، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۱؛ حجب: الحجاب: الستر. و امراه محجوبه: قد سترت بستر و الحجاب: لحمه رقیقه کانهما جلده قد اعترضت مستبطنه بین الجنین، تحول بین السحر و القصب و کل شیء منع شیئاً. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸.

واژه حجاب معنای دقیق و ظریفی دارد. این واژه، عربی و دارای معانی متعدد مانند پوشش، وسیله پوشش، حایل و... است.

یکی از مولفه‌های معنایی حجاب مانعیت است. حال اگر حجاب زن از حیث مانعیت آن در نظر گرفته شود، باید دید حجاب مانع چه چیزی است؟

آیا این مانعیت از ناحیه زن است؟

آیا حجاب مانع کار، فعالیت، جلوه، بروز قدرت، بروز امتیاز و... می‌شود؟

که اگر این مانعیت از طرف زن محسوب شود، به تحلیل منفی می‌انجامد.

بروز دادن امتیازات، خاصیت بشر و امری فطری است. برای زن، زیبایی امتیازی فطری است که باعث برجستگی و موقعیت ویژه‌ای برای او در جامعه می‌شود. زن می‌خواهد آن را به منصفه ظهور و بروز برساند و اگر مانعی در مقابل این ظهور قرار گیرد خلاف فطرت زن رفتار شده است و سرکوب یک امر فطری، باعث عقده روانی در او می‌شود.

البته این در صورتی است که مانعیت از طرف زن لحاظ شود، در حالی که ویژگی حجاب، پیشگیری از گرایش زن به جلوه‌نمایی و تجلی امتیازات و زیبایی‌اش نیست، بلکه مانعیت موجود در حجاب از طرف مرد است، بدین معنا که حجاب زن، مانع هوس‌رانی مرد و سوءاستفاده او از زن است و نیز مانع استخدام زیبایی زن در بهره‌کشی و شهوت‌رانی مرد است.

درست است که میل انسان به جلوه‌گری و امتیاز خود را در معرض نمایش و جلوه قرار دادن، طبیعی است، اما باید آن را جایی جلوه‌گر سازد که موقعیت مناسب برای بروز آن

وجود داشته باشد. دانشمندی که می‌خواهد علم خود را عرضه کند هیچ‌گاه آن را برای عده‌ای جاهل و کسانی که ارزش واقعی آن علم را درک نمی‌کنند، بازگو نمی‌نماید، بلکه ابتکارات خود را در حضور دانشمندان و اندیشمندان صاحب فکر مطرح می‌کند. بنابراین، زن باید زیبایی خود را جایی بروز دهد که با ارزش وجودی او تناسب و سنخیت داشته باشد، نه اینکه به بهانه نمایش امتیازات و زیبایی‌ها، خود را در رهگذر شهوت‌رانی قرار دهد و این خلاف فطرت اوست.

بدین‌سان حجاب یعنی محجوب‌بودن زن از دید مرد؛ از این منظر، حجاب فقط پوشش نیست، بلکه پوشش ابزاری برای تحقق حجاب است.

واژه حجاب در لغت به معنای پرده و حائل به کار رفته و شاید پوشش زن را به اعتبار پشت پرده واقع شدنش حجاب نامیده‌اند.

## جلباب<sup>۱</sup>

خداوند در سوره مبارکه احزاب، آیه ۵۹ می‌فرماید: «یا ایها النبى قل لأزواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفوراً رحیماً»؛

---

۱- جلباب ملحفه و لباس بالایی و چادر مانند است، نه فقط روسری و خمار. معنای آیه این است: ای پیغمبر به همسران و دختران و زنان مومنان بگو لباس‌های چادر مانند خود را به خود نزدیک کنند و خود را با آن جمع‌وجور کنند و جلباب را طوری از خود دور نگاه ندارند و بدن خود را از آن بیرون نکنند که پوشیدن آن مانند پوشیدن باشد. از ماده جلب فقط دو صیغه فوق در قرآن هست. سیدعلی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۲.

الجلباب: القميص. و الجلباب: ثوب اوسع من الخمار، دون الرداء، تغطي به المرأة راسها و صدرها و قیل: هو ثوب واسع، دون الملحفه، تلبسه المرأة و قیل: هو الملحفه. ابن الأعرابي: الجلباب: الإزار قال: و معنى قوله فليعد للفقر يربد للفقر الآخره و نحو ذلك. قال ابو عبيد قال الأزهری: معنى قول ابن الاعرابی الجلباب الإزار البیل و هو الثوب السابغ الذی یشتمل به النائم، فیغطى جسده كله. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۳.

ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

ترجمه فارسی جلباب، چادر است؛ یعنی پوشش سراسری. آیه قرآن به طور صریح می‌گوید چادر بپوشید: «یدنین علیهن من جلابیهن» جلباب پوشش سراسری است که نزد عرب‌ها عبا و در میان ایرانی‌ها چادر می‌باشد.

در تفسیر المیزان و درالمشور در تبیین آیه، این حدیث آمده است: ام‌سلمه نقل می‌کند: «لما نزلت هذه الایه خرج نساء الانصار کان علی رؤسهن الغربان من اکسیه سود یلبسنها»<sup>۱</sup> وقتی این آیه بر پیغمبر نازل شد زنان انصار از خانه‌ها بیرون آمدند و عباهای سیاه رنگ پوشیده بودند که گویا بر سر اینها کلاغ‌ها نشسته است.

این حدیث در منابع اهل شیعیه و سنت آمده است؛ پس در قرآن چادرمشکی مطرح است. زنان انصار در مقابل چشم پیغمبر، عباهای سیاه پوشیدند و عبا عربی با چادر فارسی یکی است.

با توجه به صراحت آیه که جلباب را پوشش سراسری بدن می‌داند، باز هم برخی در اصل چادر از دیدگاه اسلام تشکیک کرده‌اند. این افراد معتقدند زمان پیغمبر زنان مسلمان حجاب درستی نداشته‌اند و صورتشان باز بوده است.

---

۱- طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسی‌همدانی، ج ۱۶، ص ۵۱۷؛ سیوطی، جلال‌الدین، الدر المشور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۲۲۱.



این افراد به سبب نداشتن درک درست و آگاهی دقیق از تاریخ و ناتوانی در تشخیص مبنای فقهی از قرآن و روایات، حجاب اسلامی را به این شکل زیر سوال می‌برند. از سوی دیگر، برخی می‌گویند چادر حجاب برتر است. به این افراد نیز باید گفت: چادر اصل حجاب است نه حجاب برتر. جلباب که در قرآن آمده است در لغت به معنای چادر است؛ لباسی که تمام بدن زن را بپوشاند و این غیر از چادر نیست.

## خمار<sup>۱</sup>

در قرآن آمده است: «ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن»<sup>۲</sup> زنان خمارها را بر گریبانشان بزنند.

برخی خمار را به معنای مقنعه دانسته‌اند و این معنا در ترجمه‌های فارسی به چشم می‌خورد، در حالی که خمار لباس مخصوص عرب‌های آن زمان است. زنان عرب آن زمان خمار می‌پوشیدند. اکنون نیز خمار هم در میان زنان بدوی عرب و عشایر و قبائل صحرا گرد مرسوم است.

خمار، پارچه‌ای است که مثل عمامه دور تا دور سر می‌بندند و همه سر و بخش عمده صورت را با آن می‌پوشاند و دنباله آن را تا قسمت پایین کمر رها می‌کنند. قرآن تصریح

---

۱- طبرسی گوید: اصل خمر به معنای ستر و پوشاندن است. سیدعلی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹.  
راغب می‌گوید: اصل خمر به معنای پوشانیدن شیء است و به آنچه با آن چیزی را می‌پوشاند خمار گویند، ولی در عرف، خمار مخصوص شده به آنچه با آن چیزی را می‌پوشاند خمار گویند، ولی در عرف، خمار مخصوص شده به آنچه زن سر خود را با آن می‌پوشاند و جمع آن خمر (بر وزن عتق) است «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن». (نور / ۳۱)؛ روسری‌های خود بر گریبان‌های خویش بزنند. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۹۸.  
۲- نور / ۳۱.

می‌کند که زنان باید این‌گونه لباس بپوشند. روسری‌های امروزی و مقنعه‌ها مصداق خمار نیست.

## ستر<sup>۱</sup>

در معنای ستر عنصر حفاظت نهفته است و این ثابت می‌کند که وجود زن یک وجود آسیب‌پذیر است و باید مصون باشد؛ در واقع شخصیت جسمانی زن باید از هرگونه آسیبی محفوظ بماند.

نکته دقیق‌تر اینکه در ستر معنای مفعولی وجود دارد نه فاعلی. ستر در مستور بیشتر مصداق پیدا می‌کند تا در ساتر.

همان‌گونه که در معنای لغوی واژه ستر آمده است: «اذا غطیته فاستتر»؛ هرگاه بپوشانی او را، آن هم قبول می‌کند و این همان معنای مفعولی است.

مستور قرار دادن چیزی می‌تواند به دو سبب باشد؛ نخست به سبب ارزشمندی آن است و دوم به سبب آسیب‌پذیر بودنش؛ که هر دو در مورد زن تحقق دارد؛ چرا که از سویی زن موجودی ارزشمند است و از سوی دیگر به سبب ظرافت وجودی‌اش، آسیب‌پذیر می‌باشد. بر همین اساس زن باید محفوظ و مستور باشد.

---

۱- [ستر]: پرده و پوشش. استتر- استتاراً [ست]: خود را بپوشانید. انستر- استتاراً [ستر]: خود را بپوشانید، پنهان شد. تستر- تستراً [ستر]: پوشیده شد. [ستر]: آنچه که با آن خود را بپوشانند، پوشش. [ستر]: «جاریه مستره»: کنیزک پوشیده و با حجاب المستور- مستورون و مساتیر [ستر]: مفع، پاکدامن، با عفت و در زبان متداول به معنای کسی است که بیش از نیاز خود چیزی ندارد. رضا مهیار، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، متن، ص ۵۱.  
و الستر، بالفتح: مصدر سترت الشيء استره اذا غطیته فاستتر هو. و تستر ای تغطی. و جاریه مستره‌ای مخدیره. و فی الحدیث: ان الله حیی ستره یحب الستر؛ و رجل مستور و سترای عقیف. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۴۳.

## تبرج<sup>۱</sup>

تبرج یعنی خودنمایی، خوش‌نمایی، دلربایی، خودآرایی، عشوه‌گری، طنزازی زن، به قصد اینکه چشم‌های بیشتری را به سوی خود جلب کند یا دل‌های بیشتری را صید نماید یا فتنه ایجاد کند.

این واژه در دو جای قرآن آمده است: سوره نور، آیه ۶۰: «والقواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة»<sup>۲</sup> و همچنین سوره احزاب، آیه ۳۳: «ولا تبرجن تبرج الجاهلیة»<sup>۳</sup>. تفسیر و تبیین این آیات در فصل سوم خواهد آمد.

از دیدگاه اسلام اصل تبرج مذموم نیست، بلکه زمانی ناپسند است که در برابر نامحرم صورت گیرد، ولی در صورتی که برای همسر باشد مستحب و گاهی واجب است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ان من خیر نسائکم الولود الودود الستیره العفیفه العزیزه فی اهلها الذلیله مع بعلها المتبرجه مع زوجها»<sup>۴</sup>؛ بهترین زنان شما زنی است که بسیار با

---

۱- تبرج: آشکار شدن. تبرج آن است که زن زیبایی‌های خود را اظهار کند و اصل آن به معنی ظهور است و به عبارت دیگر از آن جهت تبرج گویند که ظاهر و هویداست؛ یعنی زن زینت خود را آشکار کرد برای نامحرم. سیدعلی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۵.

التبرج: اظهار المرأة زینتها و محاسنها للرجال. و تبرجت المرأة: اظهرت وجهها. و قال ابو اسحاق فی قوله عزوجل: غیر متبرجات بزینة، التبرج: اظهار الزینة و ما یستدعی به شهوة الرجل، و التبرج: اظهار الزینة للناس الاجانب، و هو المذموم، فاما للزوج فلا. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۱۲.

تبرجت المرأة ای: تشبیه به فی اظهار المحاسن و قیل: اظهرت من برجها. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۵.

۲- و زنان سالخورده که (از ولادت و عادت) باز نشسته‌اند و امید ازدواج و نگاه ندارند بر آنان باکی نیست در صورتی که اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود (یعنی لباس‌های رو مانند عبا و چادر و روپوش و امثال آن) را نزد نامحرمان برگیرند.

۳- و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خودآرایی بیرون نیابید.

۴- ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

محبت، عقیف و پاکدامن باشد؛ نزد اقوامش عزیز و محترم و در برابر شوهرش متواضع باشد و برای او خودنمایی کند و تبرج داشته باشد.

## عفت<sup>۱</sup>

عفت مرحله خاصی از کمال است که فضیلت آن به سبب جلوگیری از ورود سم گناه به وجود و روح انسان است و این خاصیت عفاف است که نمی‌گذارد گناه وارد روح انسان شود؛ یعنی همه زندگی او را در برابر گناه مصون می‌شود. اگر گناه هم به او حمله کند به جایی نخواهد رسید.

عفت دارای مراتبی است:

اولین مرتبه آن مقابله با شهوت و غلبه بر آن است؛

مرتبه دوم، عفت عملی است، به این معنا که علاوه بر کنترل شهوت، هر یک از اعضای بدن باید از ارتکاب به شهوت نیز بازداشته شوند.

مرتبه سوم آن است که علاوه بر کنترل اعضای بدن حتی از فکر گناه نیز باید پرهیز شود.

---

۱- عفت احدهما الکف عن القبیح. العفه: الکف عما لا ینبغی. هو حفظ النفس عن تمایلاته و شهواته النفسانیة. كما ان التقوی حفظ النفس عن المحرمات و عما یوجب الخلاف و العصیان. فالعفت یتعلق بما یکون فی النفس. و التقوی بما یکون فی الخارج. و التعفف اختیار العفاف و مطاوعته، ای حفظ النفس عن شهواته. و التعفف للقواعد من النساء: بحفظ النفوس عما تشتتهی نفوسهن من التزین و التبرج و الانکشاف و الابداء للزینة. فالعفه: کف النفس عن تمایلاته غیرالصالحه له، فی کل بحسب حاله: من رجل او امراه، شاب او مسن، فقیر او غنی، عالم او جاهل. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۸۰.

العفه: حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۷۳.

العفه: الکف عما لا یحل و یجمل. عفت عن المحارم و الأطماع الدنیة یعف عفه و عفا و عفافا و عفافه، فهو عقیف و عفت، ای کف و تعفف و استعفف و اعفه الله. و فی التنزیل: «و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا» فسرہ ثعلب فقال: لیضبط نفسه به مثل الصوم فانه وجاء. و فی الحدیث: من یتعفف یعفه الله. الاستعفاف: طلب العفاف و هو الکف عن الحرام و السؤال من الناس، ای من طلب العفه و تکلفها اعطاه الله اياها و قیل: الاستعفاف الصبر و النزاهة عن الشئیء و منه الحدیث: اللهم ان اسالك العفه و الغنی. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۳.

امام علی (ع) می فرماید: «عفته [الرجل] علی قدر غیرته»<sup>۱</sup>؛

پاکدامنی اش به اندازه غیرت اوست. همچنین ایشان می فرمایند: «العفه رأس کل خیر»<sup>۲</sup>؛  
عفت سرآمد هر خوبی است.

### حیا<sup>۳</sup>

واژه «حی» و مشتقات آن در ۱۸۳ آیه قرآن کریم به چشم می خورد که به معانی تحیت و سلام<sup>۴</sup>، زنده نگهداشتن<sup>۵</sup> و شرم<sup>۶</sup> آمده است.

برخی حیا را بدین گونه تعریف کرده اند: «شرم داشتن، خجل شدن و نیز به معنای بازایستادن، واگذاشتن، ترک کردن، مانع شدن و امتناع داشتن»<sup>۷</sup> اما تعریف حیا به شرم تعریف صحیحی نیست و چه بسا به دلیل نیافتن لغت مناسب، این گونه بیان شده است.

حیا ملکه ای نفسانی است که وقتی در انسان حاصل شود او را از هرگونه حرکت غیرانسانی که با کرامت و حرمتش سازگاری ندارد، باز می دارد.

---

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۵۸.

۳- حی: اصلان، احدهما خلاف الموت و الاخر الاستحیاء الذی هو ضد الوقاحه. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۶۶.

الاستحیاء: فمرجهه الی حفظ النفس عن الضعف و النقص و المبعد عن العیب و الشین و ما یسوه و طلب السلامه. حن مصطفوی، الحیاء: انقباض النفس عن القبائح و ترکه. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۰.

۴- به عنوان نمونه چند آیه ذکر می شود:

«دعواهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین». (یونس / ۱۰).

«تحیتهم یوم یلقونه سلام و اعد لهم اجرا کریمًا» (احزاب / ۴۴).

۵- «... یدبج ابناءهم و یتستحیی نساءهم...» (قصص / ۴).

«... قال سنقتل ابناءهم و نستحیی نساءهم...» (اعراف / ۱۲۷).

۶- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ص ۲۱۵.

۷- قریب، محمد، تبیین اللغات لتبیین الایات یا فرهنگ لغات قرآن، ج ۱، ص ۳۶۷.

بنابراین میان حیا و شرم تفاوت ماهوی وجود دارد. شرم یک بازخورد روحی و حساسیت است که گاهی مذموم می‌باشد و مورد توبیخ قرار گرفته است. اما حیا همان‌گونه که بیان شد، ملکه‌ای نفسانی است که در ساختار روح انسان به وجود می‌آید و او را از ارتکاب اعمال خلاف حرمت و کرامتش باز می‌دارد.

در روایات ائمه معصومین(ع) حیایی مطلوب شمرده می‌شود که برگرفته از ایمان و عقل باشد و امور ناپسند شرعی، عقلی و عرفی به سبب شرم از حضور پروردگار و اولیای الهی ترک گردد.

از تعاریفی که برای حیا ذکر شده و احادیثی که در این زمینه رسیده است در می‌یابیم که هر کسی با حیا باشد، در هنگام فراهم شدن زمینه گناه از آن خودداری می‌کند. در واقع نیروی حیا فرد را از آلوده شدن باز می‌دارد و هر چه حیا بیشتر باشد، نیروی بازدارنده قوی‌تر و در نتیجه احتمال کار قبیح و زشت کمتر خواهد بود.

امام علی(ع) حیا را عامل کنترل‌کننده و بازدارنده انسان از ارتکاب زشتی‌ها دانسته، از وجود رابطه‌ای ناگسستنی میان حیا و پاکی از آلودگی خبر می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: «من كساه الحياء ثوبه لم ير الناس عيبه»<sup>۱</sup> کسی که حیا را لباس خود قرار دهد مردم عیب او را نمی‌بینند.<sup>۲</sup>

---

۱- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۷.

۲- اعرافی، علیرضا، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی(ع))، به اهتمام علیرضا صادق‌زاده قمصری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۶۱۱.

امام صادق(ع) نیز در تعریف حیا می‌فرماید: «الحياء نور جوهره صدر الايمان و تفسيره التثبت عند كل شيء يكره التوحيد و المعرفة»؛ حیا و ازرم، نور و فروغی است که جوهرش اساس و شدت ایمان است و تفسیرش پرهیز از هر چه که توحید و معرفت خدا انکارش کند و آن را نپسندد.

اهل توحید و معرفت دارای حیای بیشتری هستند؛ چرا که از حضور ناظری و الامقام چون خداوند متعال غافل نیستند و از هر آنچه نزد او مکروه است، دوری می‌کنند و از انجام دادن آن شرم می‌نمایند. چنین عبادتی درجاتی بالا از ایمان را نصیبشان می‌گرداند و به مقام قرب الهی نایل می‌شوند. به نظر می‌رسد این تعریف دقیق، همه ابعاد حیای مطلوب را در بر می‌گیرد؛ چرا که حیای مطلوب برگرفته از ایمانی قوی است، ایمان به غیب و وجود ناظری نامحسوس خود باعث پرهیز از هر مکروهی می‌گردد. هر چه ایمان محکم‌تر باشد حیا بیشتر می‌گردد و حیاورزی مستمر، خود، باعث تقویت و رشد ایمان و موجب کمال آدمی است.

بر این اساس می‌توان گفت حیا دارای معنایی گسترده است و هر چند ارتباط لغوی با مساله حجاب ندارد؛ لازمه حیا، حجاب است. نمی‌شود حیا در زنی تحقق پیدا کند و او بی حجاب باشد. البته مصداق حیا به طور کامل در حجاب کامل و حداکثری تحقق می‌یابد، در حجاب حداقلی، مصداق حیا محقق نمی‌شود.<sup>۲</sup>

---

۱- المنسوب به جعفر بن محمد(ع)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (رهنمودهای امام صادق(ع))، ترجمه: عباس عزیزی، ص ۱۸۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۶۳.

۲- بنگرید به: فصل چهارم از همین کتاب.

حیاورزی سبب می‌شود گاهی زن با وجود رعایت حدود شرعی حجاب باز هم از نمایان شدن چهره‌اش در مقابل نامحرم پرهیز کند و درصدد پوشش بیشتر بر آید؛ مانند زمان احرام در ایام حج که زنان باید گردی صورت را باز بگذارند، اما بعضی از زنان که روح و جانسان از حیا سرشار است می‌کوشند به شکلی در معرض دید نامحرم قرار نگیرند یا خود را بیشتر بپوشانند، البته نه به گونه‌ای که حد شرعی احرام تغییر کند؛ برای مثال برخی با دست یا حصیر حالت سایه‌بان برای صورت خود ایجاد می‌کنند که کمتر در معرض دید نامحرم قرار گیرند.

## غیرت<sup>۱</sup>

غیرت به معنای رشک و حسد مردانه است و در تداول فارسی زبانان به معنای حمیت و محافظت عصمت و ابرو و ناموس و نگهداری عزت و شرف آمده است.<sup>۲</sup>

غیرت یکی از کمالات انسانی است که خداوند، اسباب آن را در وجود آدمی تعبیه کرده است. غیرت ورزی در حد عالی آن، لازمه انسانیت آدمیان به خصوص پرهیزکاران است.

«ان الله یغار للمومن فلیغر، من لا یغار فانه منکوس القلب»<sup>۳</sup>؛ خداوند برای مومن غیرت می‌ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد، هر کس غیرت نورزد دلش وارونه است.

---

۱- هو فاعول من الغیره و هی الحمیه و الانفه. یقال: رجل غیور و امراه غیور بلاهه لأن فاعولا یتشترک فیہ الذکر و الأنثی و فی روایه: امرأه غیری هی فعلی من الغیره و المغیار: الشدید الغیره، ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۴۲.

و الغیره بالكسر: نفره طبیعه تكون عن بخل مشارکه الغیر فی امر محبوب له و الغیره: الدیه، و جمعها غیر ککسره و کسر و جمع الغیر اغیار کضلع و اضلاع و غیره: اذا اعطاه الدیه و اصلها المغایره اعنی المبادلہ لأنها بدل من القتل. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۲.

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه غیرت.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۱۵.



شاید مراد از وارونگی دل این باشد که شخص بی غیرت از حالت طبیعی خارج شده، به ورطه پوچی سقوط می‌کند.

وجود غیرت در جامعه اسلامی بسیار ضروری و حیاتی است و رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «الا و ان الله حرم الحرام و حد الحدود و ما احد اغیر من الله و من غیرته حرم الفواحش»<sup>۱</sup>؛ آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت زشتی‌ها را حرام کرد.

افزون بر اهمیت، ضرورت و تقویت غیرت، ذکر این نکته ضروری است که انسان با شنیدن واژه غیرت، ناموس و حریم خانواده در ذهنش تداعی می‌شود که از اهمیت بسزایی برخوردار است. هر چند برای غیرت انواع دیگری نیز برشمرده‌اند که غیرت دینی و ملی از آن جمله است، در پژوهش حاضر از شرح آن صرف‌نظر نموده تنها به تبیین غیرت ناموسی پرداخته می‌شود.

مسلمانان وظیفه دارند که در میان خود- روابط اجتماعی و خانوادگی- عفت شخصی و عمومی را رعایت کنند، زنان با حجاب کامل اسلامی و رعایت شئون اجتماعی از هرگونه خودنمایی و تحریک مردان امتناع کنند و مردان هم با متانت و حفظ امانت نسبت به پاکدامنی خود همت گمارند.

اگر زنی بر رعایت این اصول اهتمام نداشت، پدر، برادر یا همسرش می‌توانند ناموسشان را از رفت‌وآمدهای غیر ضرور، پوشیدن لباس‌های جلف و زننده، هرگونه خودآرایی و

---

۱- همان، ج ۶۹، ص ۹۰.

تجمل و تبرج در اجتماع، سخن گفتن و روبه‌رو شدن با نامحرم در مواقع غیرضرور باز دارند، تا زمینه‌های ناامنی ناموسی او محو شده، جای خود را به امنیت و عفت دهد و این مصداق غیرناموسی است.

همان‌طور که بیان شد، غیرت یک فضیلت اخلاقی است که در سرشت انسان نهاده شده و جزء وجود انسان است. اسلام بر لزوم غیرت برای مردان تاکید کرده و مردان غیور را ستوده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «غیره الرجل ایمان»<sup>۱</sup>؛ غیرت مرد و حراست او از ناموسش ایمان است.

غیرت حساس بودن در برابر پاکدامنی خود، ناموس خود و ناموس جامعه است و آن حساسیت به حدی است که اگر شخص در جایی ببیند پاکدامنی خود یا ناموس یا جامعه‌اش به خطر افتاده، براشفته می‌شود و دگرگون می‌گردد. چنین چیزی در نهاد هر مردی هست. لذا اگر مرد همسرش را با مرد دیگری ببیند، بر می‌آشوب و از او بدش می‌آید. این همان احساس ذاتی درونی غیرتمندی است.

غیرت و حساسیت مرد نسبت به خانه‌اش، به خودش و به ناموس کشور و ملتش، باید در حدی باشد که اگر احساس کند خطری او را تهدید می‌کند، در برابر آن مانع شود و حصار و دژ او گردد.

---

۱- آمدی، عبوالواحد بن محمد تمیمی، غرالحکم و درراکلم، ص ۸۹

## فصل دوم: مبانی اعتقادی و روان‌شناختی حجاب

### مقدمه

احکام اسلام مبتنی بر فطرت انسان، جلب مصالح و دفع مفسد است. خالق انسان به حکم ربوبیت و احاطه کامل بر ابعاد وجودی انسان بهتر از هر نهاد یا منبع دیگری می‌داند که نیاز فطری او چیست، به طور مسلم علم بی‌متناهی و عدالت بی‌نهایت الهی اقتضا دارد که خود، منبع اصلی قانون‌گذاری برای رفتار و گفتار فردی و اجتماعی انسان باشد و فقط هموست که می‌تواند الگوی فکری و رفتاری و به طور کلی نظام جامعی در زندگی برایش تبیین کند.

از سوی دیگر، شناخت ریشه‌ها و مبانی امور تشریحی همواره به انسان در پذیرش آنها یاری می‌رساند و چه بسا اگر این مبانی دقیق مورد توجه قرار گیرند بهترین و قوی‌ترین انگیزه برای تحقق آن امور می‌شوند. رفتارهای ما میوه‌ای از درخت عقیده ماست و این امر در مسایل ارزشی و الهی تجلی خاص و پررنگ‌تری دارد. در عصر حاضر، نگاهی به مبانی حجاب و عفاف که از اصول عقلی و حقایق دین ناشی شده و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، مهم‌ترین راه رسیدن به سلامت، امنیت، معنویت و کمال در خانواده و اجتماع می‌باشد.

بر همین اساس، در این فصل به مبانی اعتقادی و روان‌شناختی حجاب با توجه به عقل، قرآن و روایات پرداخته‌ایم.

## مبانی اعتقادی

### ۱. باورمندی انسان به خدا

یکی از امور مهم و تاثیرگذار در ایجاد زمینه پذیرش و تقویت حجاب‌گرایی، میزان باورمندی دینی فرد است. نسبت به دین دو نوع باورمندی وجد دارد: الف) احساسی؛ ب) عقلانی.

#### الف) باورمندی احساسی

گاهی عواطف و گرایش‌های انسان در موضوعی آنقدر تحریک می‌شود که حقیقت آن را جزء باورش قرار می‌دهد، در حالی که استدلالی عقلی برای این باور ندارد و گاهی نیز باورمندی ما عقلانی می‌باشد و از فکر و استدلال نشأت گرفته است.

در باورمندی احساسی برخلاف باورمندی عقلانی، باور کمتر جدی و پایدار است. در هر صورت هر دو در عمل انسان نقش بسزایی دارند و منشأ اثر و مایه تحریک انسان برای انجام کار هستند.

همه اعمال انسان از باورها و اعتقادات او ریشه می‌گیرند، اما نقش باورهای احساسی در عمل انسان نقش موقت، ضعیف و کمرنگی دارند. وقتی عواطف تحریک می‌گردند، احساسات دینی برانگیخته می‌شوند و گاهی از جان خویش می‌گذرند انسان را در راه دین نگه می‌دارند؛ اما همین انسانی که با باورمندی احساسی تا پای جان دادن برای دین پیش می‌رود گاهی نمی‌تواند حتی جلوی یک چشم‌چرانی خود را بگیرد. در چنین حالتی حتی وقتی در مقابل یک زن بدحجاب قرار بگیرد نمی‌تواند نگاهش را کنترل کند. در حالی که

می‌داند حرام است. پس می‌توان نتیجه گرفت که باورمندی احساسی راهگشا نیست و اثری موقت دارد.

### ب) باورمندی عقلانی

باورمندی عقلانی همیشگی است. برای مثال، اگر انسان باور کند مایع داخل لیوان سمی است فکر نوشیدن آن را هم نمی‌کند. هرگاه باور انسان عقلانی شود و علاوه بر جدی و دائمی بودن با تقوا نیز آمیخته شود، در این صورت دین در متن زندگی او قرار می‌گیرد و آنگاه هر چه خدا واجب کرده انجام می‌دهد و هر چه نهی نموده است، ترک می‌کند. انسان با باور عقلانی به خدا، به خوبی درک می‌کند که خدا، بنده مطیع و سرسپرده حقیقی می‌خواهد؛ بنده‌ای که آنچه را خدا می‌پسندد می‌خواهد و آنچه را خدا نمی‌پسندد، نمی‌خواهد.

ایمان به خدا انسان را وادار می‌کند که عملی را که خدا دوست ندارد، انجام ندهد. ایمان مبنای اصلی است و امنیت فکری در عقیده به وجود می‌آورد. عقیده وقتی به مرز باور برسد قطعی و امنیت بخش می‌شود.

وقتی شخصی خدا را باور داشته باشد و دل‌داده خدا باشد، آن‌گونه باشد که خدا دوست دارد. اینجاست که انسان عاقلانه و عاشقانه خود را از گناه حفظ می‌کند و در پی رضایت پروردگارش گام بر می‌دارد. برای خدا به معصیت نزدیک هم نمی‌شود و برای خدا چشمش را روی هم می‌گذارد و گوشش را می‌گیرد و برای خدا از پول، مقام، شهوت و لذت می‌گذرد.

این بعد نرم‌افزاری اطاعت حق است که این‌گونه تجلی می‌کند.

در این حالت انسان به مرتبه‌ای نایل می‌آید که انجام دادن خواسته مولای غنی با لذات، به بالاترین هدف در زندگی‌اش تبدیل می‌شود و آنچه مولایش آن را نهی کرده است برای او به مفنورترین و زشت‌ترین چیز تبدیل می‌گردد.

اما بعد سخت‌افزاری اطاعت، آن است وقتی دستور حق به بنده می‌رسد، در مقام اطاعت از فرمان حق، قاطعانه و بدون هیچ تردیدی آن را به اجرا در می‌آورد. اینجا دیگر، بنده به دنبال مصلحت و مفسده نمی‌گردد، از علت و فلسفه جویا نمی‌شود چرا که برای او همان بس که نظر مولا تحقق یابد، لذا بدون کوچک‌ترین تزلزلی آن امر را انجام داده و نهی را ترک می‌کند.

برای مثال، جوان با ایمانی که در اوج غرور جنسی قرار دارد وقتی در مقابل یک زن آلوده بی‌حجاب قرار می‌گیرد با وجود اوج شهوت و غریزه جنسی‌اش است، از این‌صورت به ظاهر زیبا و از این گیسوان به هم ریخته به ظاهر دلربا، نفرت دارد و از این هیبت پوشالی متنفر است. مفنورترین و زشت‌ترین موجودات از نظر او این زن آرایش کرده بی‌حجاب است. چرا؟ چون مولایش نمی‌خواهد و او را از این کار نهی کرده است. لذا چشم به این اندام و صورت بی‌بندوبار آلوده نمی‌دوزد. نه تنها آنجایی را که نهی شده، ترک می‌کند، چه بسا حتی به آنجایی که احتمال نهی خدا در آن وجود دارد نیز وارد نمی‌شود و این بعد سخت‌افزاری اطاعت است. مثال، صدای مهیج موسیقی در گوش جوان طنین‌انداز می‌شود

و در او لذت و آرامش ایجاد می‌کند، اما چون احتمال می‌دهد مولا نمی‌پسندد از آن صرف‌نظر می‌کند.

خداپرستی و اطاعت از خدا به تعبیر قرآن استقامت می‌خواهد. آنجا که می‌فرماید: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا...»<sup>۱</sup> آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند.

امام صادق(ع) فرمودند: «اجدره الناس برحمة الله اقومهم بطاعته»؛ سزاوارترین افراد به رحمت خدا مقاوم‌ترین آنها در اطاعت خداست. اطاعت خدا، استقامت می‌خواهد. انسان باید از آن درآمد صرف‌نظر کند، از این لذت و شهوت چشم‌پوشد از آن خوش‌گذرانی و تمایلات نفسانی کاملاً دور شود؛ همه این موارد مصداق مقاومت و ایستادگی به شمار می‌رود.

لذا، بانوان دین‌مدار که دین‌داری آنان مبتنی بر باورمندی عقلانی است، برخلاف آنان که دارای باور سست و احساسی هستند. هیچ‌گاه با بی‌حجابی به امر محبوب حقیقی خویش یعنی خداوند، بی‌اعتنایی نمی‌کنند و کار خلاف تایید او انجام نمی‌دهند.

وقتی دستور صریح آیات الهی در قرآن، انسان را امر به حجاب و عفاف می‌نماید عقل با آن مخالفت نمی‌کند، مگر آنکه حقیقت دین و ایمان به پروردگار برای انسان روشن نشده باشد.

---

۱- احقاف / ۱۳.

۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۸۱.

## ۲. باورمندی انسان به معاد

یکی دیگر از مبانی اعتقادی در پذیرش حجاب، اصل معادل باوری است. انسان به تبع این باور از انجام دادن اعمالی که مورد عقوبت و مجازات اخروی قرار می‌گیرد، اجتناب می‌نماید و بر همین اساس گرایش او به ارزش‌های دینی افزایش می‌یابد. خاصیت زندگی آخرت این است که برخوردارهای آن با هیچ محتئی همراه نیست، عوارض منفی ندارد و مشکلی برای انسان ایجاد نمی‌کند. هر چه بر میزان اجر آخرت و داشتن ثروت معنوی افزوده شود بر حلاوت، لذت و عزت انسان می‌افزاید.

امام علی(ع) در مقام توصیف زندگی اخروی می‌فرماید: کل شیء من الدنيا سماعه اعظم من عیانه و کل شیء من الاخره عیانه اعظم من سماعه فلیکفیکم من العیان سماع و من الغیب<sup>۱</sup> تفاوت بین زندگانی دنیا و آخرت این است که در دنیا هر چیزی شنیدنش بهتر از دیدنش است، مثلاً می‌شنوید فلانی فلان مقام و مکنت و ثروت را دارد. دورنمای داشتن خیلی جذاب است، اما وقتی آن قدرت و ثروت به انسان می‌رسد تازه می‌بیند آن قدر هم لذت‌بخش نیست. اما آخرت این‌طور نیست بلکه «عیانه خیر من سماعه» است. آنچه در جهان آخرت دیده می‌شود بهتر از آن چیزی است که درباره آن شنیده شده است.

آیاتی که خدا در قرآن درباره بهشت آورده و احادیث و روایاتی که نعمت‌های الهی را در آخرت بیان کرده است، تصاویری از نعمت‌های بهشتی در ذهن ترسیم می‌کند که حقیقت آنها با این تصاویر ذهنی متفاوت است.

---

۱- همان، ص ۱۴۷.



قرآن کریم می‌فرماید: «فیهن قاصرات الطرف لم یطمئثن انس قبلهن و لا جان»<sup>۱</sup> در آن بهشت‌ها زنان زیبای با حیایی هستند (که به چشم پرناز جز به شوهر خود ننگرند) و دست هیچ‌کس از جن و انس پیش از آنها بدان زنان نرسیده است.

انسان از حوریه‌های بهشتی تصویری در ذهن خود ایجاد می‌کند اما روزی که قدم در بهشت می‌گذارد و از این نعمت‌ها برخوردار می‌شود می‌گوید که اصلاً برای من قابل تصور نبود، چقدر فاصله است بین آنچه من امروز می‌بینم و آنچه در دنیا شنیدم.

این اجر آخرت است که دیدنش از شنیدنش بهتر است. در بخش دوم آیه در پاسخ به این پرسش که این اجر از آن کیست؟ قرآن کریم می‌فرماید: «و لاجر الاخره خیر للذین آمنوا و کانوا یتقون»<sup>۲</sup> این نعمت‌های آخرت برای کسانی است که ایمان همراه با تقوا دارند؛ هم مومن هستند و هم تقوا دارند. ایمان همراه با تقوا در درگاه خدا مورد پذیرش است و سعادت آخرت را برای انسان ایجاد می‌کند چون ایمان باورمندی انسان است.

پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من لم یکن له ورع یصدہ عن معصیہ اللہ اذا خلالم یعبا اللہ بشیء من عملہ»<sup>۳</sup> اگر انسان ورع و تقوا داشته باشد وقتی تنهاست و هیچ‌کس نیست، یعنی هیچ‌کس او را نمی‌بیند، گناه نمی‌کند و این ارزشمند است. گاهی انسان معاصی زیادی را ترک می‌کند، اما قسمت عمده‌اش به خاطر حفظ شخصیت و موقعیتش می‌باشد که این ارزش زیادی ندارد. مهم آن است که برای رضای خدا از معاصی دست بردارد.

---

۱- رحمن / ۵۶.

۲- یوسف / ۵۷.

۳- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۲۵.

درباره رعایت حجاب هب عنوان یک دستور الهی و ضروری دین نیز همین قضیه صدق می‌کند؛ یعنی اگر کسی حجاب را رعایت می‌کند با این بینش که تنها و تنها رضای خداوند مدنظر است نه مشوق‌ها و مقوم‌های خارجی، در این صورت رعایت حجاب و اطاعت الهی ارزشمند و برخاسته از دیدگاهی عمیق است. در غیر این صورت رعایت حجاب صرفاً به دلیل حفظ مصالح و موقعیت‌فردی انسان ارزش الهی ندارد. بنابراین، اعتقاد به معاد خود سبب حفظ حجاب و یکی از دلایل پذیرش و ترویج آن خواهد بود.

### ۳. تقوا

در این جهان راهپیمایی در خارستان سیاه و ظلمانی است. امام صادق(ع) می‌فرمایند:

«... لایراک الله حیث نهاک و لایفقدک حیث امرک»<sup>۱</sup>.

این روایت نورافکنی قوی در زندگی است و می‌فرماید: در این شب تاریک سیاه عمر، در این بیابان خارستان به گونه‌ای قدم بردارید که خارهای زهر آگین به پای نخلد و قدم‌هایتان را مجروح نکند. انسان باید متوجه باشد روش صحیح زندگی این است که هرکجا خدا او را فرمان داده، آن جا او را ببیند و هرکجا خدا او را نهی کرده، آنجا او را نبیند.

انسان چگونه می‌تواند خار و خس را در بیابان تاریک ببیند؟ مسلماً با اوامر و نواهی خدا می‌توان آن خارها را تشخیص داد و از میان آن‌ها به سلامت عبور کرد. به گونه‌ای که

---

۱- سید بن طاووس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۴۶.

هرجا مکان حرمت و گناه است و عرصه نهدی و ناخشنودی ذات مقدس پروردگار است، انسان آن جا دیده نشود. و معنای تقوا همین است.

مسیر زندگانی انسان وقتی در بستر تقوا قرار می‌گیرد که جایگاه و محل همیشگی او، جاها و مکان‌های مورد پسند خدا باشد. می‌گویند فلانی را کار داریم؛ او را کجا ببینیم؟ می‌گویند در مسجد، اول وقت آن جا حاضر است، در پایگاه بسیج، در حرم و... این مکان‌ها جای امر و فرمان خداست. اما در مکان‌های مبتذلی که جلوه گناه است و محلی برای اعمال حرام و نافرمانی و لا ابالی‌گری است، اصلاً او دیده نمی‌شود. برای مثال در پارکی که پاتوق اراذل و اوباش است نشانی از او نیست. در تفریح گاهی که در آن جا امر و نهی خدا رعایت نمی‌شود. بی‌حیایی‌ها، بی‌حجابی‌ها و فحشاء تمام آن مکان را پر کرده است این انسان با تقوا در آن جا دیده نمی‌شود این مسیر تقواست که برای انسان لازم است.

جووانی که در آغاز راه زندگی وارد این مرحله می‌شود بایستی هدف نهایی خویش را بر خدا گونه شدن بگذارد و روش زندگی اش را بر مبنای تقوا قرار دهد. اما فرد سالخورده‌ای که مسیر زندگی را در عین تاریکی و سیاهی در خارستان دنیا طی کرده، دائم دور خود جرخیده و مسیر را گم کرده است، با قدم‌های مجروح و پاهای خلیده، قدرت راه رفتن ندارد، آیا تقوا برای او فایده‌ای ندارد؟! باید تقوار را رها کند؟ نه! به او می‌گوییم اگر راه را در تاریکی رفتی، خار و خس را هم نتوانستی ببینی و چون ندیدی از جلوی خود کنار نزدی پس این خار و خس به پایت خلید اکنون که به کهن سالی رسیده‌ای،

کناری بنشین این خارها را از پایت در آور. قدم‌های مجروح در راه عبودیت و اطاعت حق را ترمیم کن و از این به بعد از وسط این خارستان با همان روشی که امام صادق(ع) می‌فرمایند با مراقبت حرکت کن.

اگر لباس تقوا بر باطن پوشیده شود، این باطن در برابر آفات شیطانی که در رهگذر دینا می‌خواهند عمر انسان و سرمایه وجودی و روح و قلب او را فانی کنند و از بین ببرند، مصونیت پیدا می‌کند.

امیرالمومنین علی(ع) می‌فرماید: «اوصیکم بتقوی الله الا فصولها و تصونوا بها»<sup>۱</sup> شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، به هوش باشید هم با تقوا خودتان را حفظ کنید و هم با تقوا برای خودتان پوشش بسازید.

تقوا قالبی است که وقتی زندگی انسان این قالب را به خود گرفت تمام اعمالش جهت پیدا می‌کند و به جای می‌رسد که اصلاً نهی خداوند، در قاموس زندگی او یافت نمی‌شود؛ تمایل به آنچه خداوند نهی کرده است در کانون وجود و اندیشه او پرورش پیدا نمی‌کند تا از این طریق شیطان بتواند بر او مسلط شود.

یکی از مبانی اعتقادی حجاب که به اعمال انسان جهت می‌دهد رعایت تقواست که در سایه آن، زن با حفظ پوشش دینی، خود را از تسلط شیطان خارج می‌کند و در مسیر طاعت الهی قرار می‌دهد. لذا زن با تقوا از آنجا که خداوند نهی کرده و نمی‌خواهد او را به آن شکل ببیند، اجتناب می‌کند و آن جا که امر خداست، حضورش پر رنگ و مستمر می‌شود.

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۸۴.

تقوا یک نوع مصونیت بخشی است. در حدیث دیگری امام علی(ع) می‌فرمایند: «ان التقوی فی الیوم الحرز و الجنه و فی غد الطریق الی الجنه»<sup>۱</sup> تقوا در این دنیا سپر و زرده است، تقوا امروز لباس مصونیت در برابر تهاجمات شیطانی است و این تقوایی که امروز بر باطن فرد نقش یک زره را ایفا می‌کند در قیامت او را به بهشت راهنمایی می‌کند «و فی غد الطریق ال الجنه». خاصیت دیگر لباس این است که لباس عامل اجرایی و جلوه شرم و حیای انسان است. انسان با لباس زیر حتی در محیط خانه در مقابل اعضای خانواده ظاهر نمی‌شود، با لباس منزل نزد مهمان نمی‌آیند، در کوچه و بازار و محافل حاضر نمی‌شود چرا؟ چون حیا می‌کند و این گویای آن حیای باطنی و معصومانه است که انسان را به رعایت این امور وامی‌دارد. تقوا نیز همین خاصیت را دارد.

انسان باید در برابر خدا با حیا زندگی کند. استحياء در برابر پروردگار شرط عبودیت و بندگی است. خدا بنده بی‌شرم را دوست ندارد و بنده بی‌حیا را نمی‌خواهد. انسان با تقوا با خود می‌اندیشد که هر لحظه در محضر خداست، در منزل خدا زندگی می‌کند و خداوند هر لحظه او را می‌بیند، پس حیا می‌کند. شرط اول عبودیت و بندگی را در درگاه حق انجام می‌دهد که در محضر خدا با خدا نجنجد، در منزل پروردگار ذات مقدس پروردگار را نادیده نگیرد و در حضور خدا فرمان خدا، را زیر پا نگذارد. پس ملازمه حیا و تقوا انسان را به بندگی خداوند و عمل و به فرمان‌های الهی و رعایت پوشش می‌رساند.

#### ۴. جامع‌نگری در ولایت‌پذیری اهل بیت(ع)

۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۷۴.

«من احب شیئا فقد تشبه به»، کسی که چیزی را دوست دارد شبیه آن می‌گردد؛ براساس این اصل، پوشش زن نیز برپایه پوشش الگوهای او تعیین می‌شود. علاقمند شدن به شخصیت‌های خاص در میان زنان به سبب حس انقیاد و تسلیم آن‌ها، از مردان بیشتر است؛ همچنین در میان دختران جوان به سبب هیجان طلبی و عوامل دیگر بیش از پسران به چشم می‌خورد. این مسئله یکی از اصول روان‌شناسی است که به آن اصل محاکات گفته می‌شود. هم‌رنگی امروزه به شکلی روشن و گسترده در قشر نوجوان و جوان جامعه ما ظهور و بروز دارد. اما از آن جا که انسان عاقل و الهی همواره بهترین‌ها را گزینش می‌کند، در این مقوله نیز بهترین‌ها را الگوی رفتاری خویش قرار می‌دهد. اهل‌بیت(ع) در مجموعه هستی به پشتوانه علم و عصمت سرشار، برترین گزینه برای دوستی و محاکات هستند.

انسان برای تضمین سرنوشت گاهی به انجام دادن واجبات و ترک کردن محرمات اکتفا می‌کند در حدی که رفع تکلیف نماید و بازخواست نشود؛ اما گاهی فرد خود را در این حد متوقف نمی‌سازد و به سبب وابستگی و دلبستگی که به اهل‌بیت(ع) دارد خود را مشابه آنان می‌کند و می‌کوشد در تمام امور زندگی هم‌رنگ آنان گردد.

از جمله اموری که مشابه‌سازی در آن صورت می‌گیرد حجاب است. خانومی که حقیقتاً دوستدار اهل‌بیت(ع) است در پی این نیست که حد واجب را کم و زیاد کند و در آن چون فعلی ما حضرت زهرا و حضرت زینب(س) حضور داشته باشند از چه پوششی استفاده می‌کند. بانوی با تقوا در پی مشابه‌سازی خود با موالیان خویش است. دین مانند

برنامه نرم افزار رایانه‌ای است که دستوراتش به صورت یک مجموعه، با هم عمل می‌کنند. اگر بنا شد در مجموعه دستورات، یک مورد انجام نشود، بقیه آن‌ها هم انجام نخواهد شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «افتومنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم الا خزی فی الحیاه الدنیا و یوم القیامه یردون الی اشد العذاب و ما الله بغافل عما تعملون»<sup>۱</sup> چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می‌شوید؟ پس جزای چنین مردم بدکردار جز ذلت و خواری در زندگانی این جهان و بازگشتن به سخت‌ترین عذاب در روز قیامت است؟ و خدا غافل از کردار شما نیست.

براین اساس نمی‌توان دین را گزینشی پذیرفت، یعنی بخشی از آن را انجام داد و بخش دیگری را رها کرد؛ زیرا این کار نه تنها مورد پذیرش پروردگار نیست بلکه نتیجه بخش نیز نخواهد بود.

ذات مقدس پروردگار در آیه شریفه ۱۱۹ سوره توبه دو دستور می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» ای اهل ایمان، خداترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان بپیوندید.

این دو دستور باهم عمل می‌کنند، یعنی تقوا بدون وابستگی و پیروی از ولایت اهل بیت (ع) اثر ندارد. ولایت و وابستگی و عشق به اهل بیت (ع) نیز بدون تقوا بی‌نتیجه و بی‌ثمر است.

در تفاسیر « وكونوا مع الصادقين » به معنی اطاعت و پیروی از صادقین یعنی معصومین (ع) تفسیر شده است. اما برای این مطلب واژه‌ای جامع‌تر از پیروی نیز وجود دارد و آن وابستگی به اهل بیت (ع) است. متابعت و پیروی، تنها در عرصه عمل خودش را نشان می‌دهد، اما وابستگی به اهل بیت (ع) وجود نداشته باشد، تقوا بی نتیجه است. این وابستگی چه نقشی در تقوا دارد؟ تنها، مظهر عملی و ظاهری تقوا، نیست. مهم این است که وابستگی می‌تواند در عرصه عمل، تقوا را در وجود ما نهادینه کند. آن تقوا وجود قلبی و باطنی در درون اعمال ماست.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لا یغرنک بکائهم انما التقوی فی القلب» اشک چشم ایشان تو را فریب ندهد. همانا تقوا در دل جای دارد.

نباید ظاهرسازی بعضی افراد، انسان را فریب دهد چرا که تقوا امری قلبی است. متأسفانه عده‌ای ساده اندیش، همین که انسانی را با ظاهر متواضعانه‌ای می‌بینند که خیلی خود را نمایش می‌دهد، با دیدن این عنصر احساسی، فوری دل‌بسته او شده، مرید و پیرو او می‌گردند و به صرف این که در جایی اشکی و آهی ببینند، دل‌بستگی پیدا می‌کنند.

ظاهراً مخاطب امام (ع) نیز از عناصر ساده لوح و ساده اندیش بوده، که افراد را در این ژست می‌پذیرفته است. امام (ع) می‌فرمایند: «لا یغرنک بکائهم» اشک چشم اینها تو را فریب ندهد، «انما التقوی فی القلب»، تقوا در ظاهر نیست، تقوا در دل است و در درون انسان وجود دارد.

---

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۶ و



تقوا، یک برنامه مشخص نرم افزاری است در درون دل انسان که به آن التزام قلبی پیدا کرده باشد. هنگامی که این حالت در انسان به وجود آمد، به خودی خود، حرام را ترک می‌کند و واجب را انجام می‌دهد، عفت، حیا و پاکی، توحید و وابستگی به خدا سراسر وجودش را فرا می‌گیرد. و اینها همه به سبب آن بسته نرم افزاری تقواست که در قلب او نهادینه شده و التزامات درونی انسان است که اگر با عشق در قلب انسان آمیخته شد و با گرایش ثابت در باطن دل انسان گره خورد، همواره در جانش جاودان و همیشگی خواهد بود.

لذا اینکه خدا در قرآن می‌فرماید: «وكونوا مع الصادقين»، یعنی بعد از اینکه تقوا در خودتان ایجاد کردید، با صادقین باشید؛ وابسته به صادقین و معصومین (ع) باشید؛ یعنی آن گرایش قلبی ثابت شما به مقام عصمت و ولایت پیوند خورده و آن عشق نهادینه شده از معصوم در درون شما، با این برنامه عجین شده باشد.

برهمن اساس است که در زیارت جامعه کبیره به معصوم عرض می‌شود: «بابی انتم و امی و نفسی» و «بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا و بموالاتکم تمت الکلمه و عظمت النعمه»<sup>۱</sup> در موالات ائمه (ع) چند خاصیت وجود دارد. خاصیت اول آنکه دین را به پیروان و محبان یاد می‌دهد؛ زیرا اگر محبت علی (ع) در دل‌ها نبود و عشق به امام حسین (ع) در وجود محبان قرار نداشت و یا اگر شیعیان امام صادق (ع) شناس نبودند، اگر دل‌داده علی بن موسی الرضا (ع) نبودند، این گونه در عرصه دین آموزی به اوج و کمال نمی‌رسیدند و چه بسا دشمن به راحتی دین آنان را می‌ربودند.

---

۱- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

خاصیت دیگر این است که می‌فرماید: «وبمواالاتکم تمت الکلمه» اگر انسان شیفته و پیرو ائمه(ع) نباشد، دین داری او تضمین شده نیست و ولایت اهل بیت(ع) در زندگی اش متجلی نمی‌گردد.

ویژگی دیگر این است که وابستگی به اهل بیت(ع) غیر از این که دین را تضمین می‌کند، می‌تواند آسیب‌ها و کمبودها در دین داری اصلاح نمود، مایه رشد و ارتقا شود، از جمله لوازم ولایت مداری و پیروی از اهل بیت(ع) التزام به پوشش دینی و عمل به دستورات مرتبط با آن است که هر چه این عمل شایسته‌تر و به مبانی نزدیک‌تر باشد نشان از ولایت مداری و وابستگی بیشتر فرد به اهل بیت(ع) دارد.

## مبانی روانشناختی

### ۱. فطرت<sup>۱</sup>

فطرت یعنی نهاد، سرشت، آفریدن، شکافتن، اختراع و انشاء کردن کار، البته شکافتن نیز به دو معناست، شکافتنی که بعد از آن حیات و زندگی است و شکافتنی که بعد از آن نابودی و نیستی است که در این جا منظور معنای اول است.

---

۱- «فطر» را شکافتن طولی گفته است. فطر و انفتار: شکافته شدن، قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۹۲. فطر الفطره: الخلفه. فطر الله الخلق فطرا من باب قتل: خلقهم، والاسم: الفطره، قال تعالى - فطره الله التي فطر الناس عليها. و کل مولود یولد علی الفطره، ای الفطره الاسلامیه و الدین الحق. و الفطره: خلقه. و هذا المعنی ینصدق علی التقدير و الخلق و الاحداث و الابداع فی المرتبه الثانيه. و علی الصدع و الشق و الاختلال بانسبه الی الحاله السابقه. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۱۱. فطر: فطر الشیء یفطره فطراً ففطر و فطره: شقه. و فطر الشیء: تشقق. والفطر: الشق. این منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

بنابراین فطرت به معنای آفرینش بدیع و بی سابقه است، یعنی سرشتی است که انسان‌ها با آن متولد می‌شوند و تا انسان باقی است این سرشت همراه اوست و در همه انسان‌ها و همه عصرها ثابت است و در هیچ شرایطی تغییر نمی‌یابد.

فطرت به طور مکرر در قرآن آمده است: مانند «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم...»<sup>۱</sup>، «فطرهن»<sup>۲</sup>، «فاطر السموات و الارض»<sup>۳</sup>، «اذا السماء انفطرت»<sup>۴</sup> و «منفطر به»<sup>۵</sup> و در همه جا در مفهوم این کلمه ابداع<sup>۶</sup> و خلق نهفته هست.

با توجه به آیه «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله»، «فطرت» بر وزن «فعله» در مورد انسان و دین است.

این دین و این فطرت که خدای متعال همه انسان‌ها را بر آن اساس آفریده است، تغییر ناپذیر و جزء سرشت آنهاست؛ تا عالم باقی است هر انسانی که متولد شود با این سرشت متولد می‌شود و این فطرت همراه اوست و سرشت را نمی‌شود تغییر داد و به چیز دیگر تبدیل کرد «ذلك الدين القيم».

بنابراین حجاب و پوشش به عنوان یکی از تجلیات حیا و عفت، امری فطری است. از ابتدای تاریخ تاکنون هر انسانی که بر پایه فطرت خدای خویش رفتار می‌کرده، اهمیت آن

---

۱- روم/۳۰.

۲- انبیاء/۵۶.

۳- زمر/۴۶.

۴- انفطار/۱.

۵- مزمل/۱۸.

۶- «ابداع» به یک معنا یعنی آفرینش بدون سابقه است.

را احساس کرده و آن را به کار بسته است. به همین سبب حیا و عفت و همچنین مظاهر گوناگون آن از جمله حجاب، همواره مورد ستایش و تحسین نوع بشر بوده است. با مطالعه آیات قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا(ع) به فطری بودن پوشش پی می‌بریم. خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «فاکلا منها فبدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة و عصی آدم ربه فغوی»<sup>۱</sup> پس آدم و حوا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول کردند، بدین جهت (لباس‌های بهشتی از تنشان دور و عیوب و) عورت آنها در نظرشان پدیدار شد و به ساتری از برگ درختان بهشت خود را پوشاندند. و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد.

براین اساس آدم و حوا(ع) قبل از تناول از شجره ممنوعه دارای نوعی پوشش بهشتی بودند اما بر اثر خطا، پوشش آنها فرو ریخت و خود را برهنه یافتند و با شتاب سعی در پوشاندن خود نمودند.

درجایی دیگری نیز به عفت و پاکدامنی حضرت یوسف(ع) اشاره می‌کند آن جا که در پاسخ به ندای فطرت، از میان دعوت زنان و زندان، زندان را انتخاب می‌کند. «و قال نسوه فی المدینه امراه العزیز تراود فتاها عن نفسه قد شعفها حبا انا لنها فی ضلال مبین + فلما سمعت بمکرهن ارسلت الیهن و اعتدت لهن متکا و آتت کل واحده منهن سکینا و قالت اخرج علیهن فلما راینه اکبرنه و قطعن ایدیهن و قلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملک کریم + قالت فذلکن الذی المتننی فیه و لقد راودتته عن نفسه فاستعصم و لئن لم

---

۱-طه/۱۲۱؛ اعراف/۲۲.

یفعل ما آمره لیسجنن و لیکونا من الصاغرین + قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه  
و الات صرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من الجاهلین»<sup>۱</sup> و زنانی در شهر مصر گفتند:  
زن عزیز مصر قصد مراوده با غلام خویش داشته حب او وی را شیفته و فریفته خود  
ساخته است و ما او را (از فرط محبت) کاملاً در ضلالت می‌بینیم. چون (زلیخا) ملامت  
زنان مصری را درباره خود شندی فرستاده از آنها دعوت کرد و (مجلسی بیار است و) به  
احترام هر یک بالش و تکیه گاهی بگسترد و به دست هر یک کاردی ( و ترنجی) داد و  
(آنگاه با زیب و زیور یوسف را بیاراست و) به او گفت که به مجلس این زنان درآ، چون  
زنان مصری یوسف را دیدند بس بزرگش یافتند و دست‌های خود (به جای ترنج) بریدند  
و گفتند حاش لله که این پسر نه آدمی است، بلکه فرشته بزرگ حسن و زیبایی است.  
گفت: این است غلامی که مرا در محبتش ملامت کردید! آری من خود از وی تقاضای  
مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس هم خواهش مرا رد کند، البته زندانی شود  
و از خوارشدگان گردد. یوسف گفت: خدای من، مرا رنج زندان خوش‌تر از این کار زشتی  
است که اینان از من تقاضا دارند و اگر تو حيله این زنان را از من دفع نفرمایی به آنها میل  
کرده از اهل جهل (و شقاوت) گردم.

طبق این آیات و ده‌ها آیه دیگران می‌توان فطری بودن مسئله حجاب را دریافت. اما امروزه  
برخی بر اثر اندیشه‌های نادرست و تاثیرپذیری از نیت‌های ناپاک دشمن نه تنها به این

---

۱- یوسف/۳۳-۳۰.

موضوع توجه نمی‌کنند، بلکه حجاب را مخالف فطرت و آن را عامل محدودکننده و مانع پیشرفت انسان می‌دانند.

پس همان طور که خداوند در فطرت انسان حقیقت جویی، زیبایی دوستی، خیر طلبی و همچنین تمایل به حقیقتی ماوراء طبیعی را قرار داد، میل به پوشش را نیز در فطرت و سرشت انسان‌ها به طور عام و در زن به طور خاص قرار داد تاغرایز شهوانی در مسیر صحیح به کار گرفته شود و برای انسان اسباب فساد و تباهی را فراهم نسازد. بنابراین فطرت هر انسانی او را به کسب خوبی‌ها و دوری گزیدن از بدی‌ها هدایت می‌کند. لذا انسان به حکم فطرت خویش هیچ گاه به بی‌حجابی روی نمی‌آورد.

## ۲. حیا

حیا ملکه‌ای است که انسان را از گناه دور می‌کند و از این جهت در قلب فرد راسخ و استوار است. در برخی روایات «تعفف» (عفت ورزی) پس از با حیا بودن مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد این تقدم رتبی حیا نشانگر تقدم در متخلق و آراسته شدن به آن باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ان الله يحب الحيي المتعفف»<sup>۱</sup> خداوند افراد باحیای عقیف را دوست دارد.

حیاء نشانگر دین است و موجب نظام بخشی ایمان می‌شود. چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الحیا هو الدین کله»<sup>۲</sup> حیا تمام دین است.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۷۰.

۲- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۲۰۲، حدیث ۱۳۲۱.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «الحیا نظام الیمان فاذا انحل نظام الشیی تبدد ما فیه و تفرق»؛<sup>۱</sup> حیا رشته حفظ ایمان است، وقتی رشته سامان چیزی گشوده شود، آنچه در آن است پخش و پراکنده و تلف می‌گردد.

منظور از این روایت روشن شدن جایگاه حیا در ایمان است. حیا مانند نخ‌ی مرواریدها را در کنار یکدیگر تنظیم می‌کند و ایمان را نظم می‌دهد، زیرا فرد با حیا از معاصی دور می‌شود؛ اما وقتی حیا از بین رفت، ایمان مشکل پیدا می‌کند.

ضعف حیا از سستی اعتقاد به مبدا و معاد سرچشمه می‌گیرد و بی‌حجابی از مصادیق بارز بی‌حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می‌شود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: حیا و ایمان قرین یکدیگرند؛ اگر یکی از میان برخاست دیگری هم می‌رود. «الحیا و الایمان فی قرن واحد فاذا سلب احدهما تبعه الآخر».<sup>۲</sup>

پوشش و حیا تفکیک ناپذیرند و تا جلوه‌ای از حیا در زنی وجود نداشته باشد، پوشش او نیز با تزلزل همراه خواهد بود. زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش او نیز با تزلزل همراه خواهد بود. زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش کامل خود از نمایش بدن، مو و زینت‌های خود شرم دارند. پاکی قلب زنان خودنما به سخن ستمکاری شبیه است که لاف ترحم می‌زند. زنانی که زیبایی‌های جسمانی خود را به نمایش می‌گذارند، پرده بین خود و خدا را می‌درند. کامیاب کردن چشم‌های گرسنه نامحرمان کمترین سازشی با پاکی و نجابت ندارد و عقیف بودن زن بدحجاب از القائنات بی‌اعتبار شیطان است. بی‌حجابی از

---

۱- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، ادب الدنیا و الدین، ص ۲۴۳.

۲- حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۸.

آفات پاکدامنی و حیا به شمار می‌رود و بانوان پاکدامن و با حیا از روح سالمی برخوردارند.

مسائل اخلاقی و تربیتی از ظرافتی خاص برخوردارند و از سال‌های نخست کودکی شکل می‌گیرند. این اشتباه بزرگی است که به مسائل تربیتی مربوط به حجاب و حیای دختران تا ۹ سالگی توجه نشود و با رسیدن به سن تکلیف از آنها خواسته شود تا یکباره مسیر چند ساله خود را تغییر دهند امور تربیتی حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب یک فرهنگ است که از سالیان قبل از تکلیف باید مورد توجه و ممارست قرار گیرد.

در هر صورت، از جمله ریشه‌های خودنمایی و بی‌حجابی زنان ضعف حیاست. صفتی که به زن ارزش می‌بخشد و فقدان آن او را پست می‌کند. در روایت آمده است: بهترین زنان شما آن است که چون با مرد بیگانه باشد، لباس محکمی از حیا و عفت در بربند.<sup>۱</sup>

حیا از مصادیق عفت است، یعنی حیا و عفت رابطه‌ای متقابل دارند. همان طور که بیان شد حیا عبارت است از آن حالت نفسانی که انسان در برابر هیبت دیگران دارد؛ یعنی وقتی فرد محترم و با شخصیتی با انسان صحبت می‌کند زبان انسان به لکنت می‌افتد و اضطرابی در او نمایان می‌شود که این حالت، حیاست. حیا یک بازتاب است، یعنی حیا عکس العمل و واکنش عفت در انسان است.

حجاب با حیا تفاوت دارد. حیا معنایی وسیع‌تر از حجاب داشته، نوعی پوشش درونی محسوب می‌گردد که وقتی انسان خود را به آن آراست محجبه می‌شود. به طور کلی

---

۱- رسولی محلاتی، سیدهاشم، زندگانی حضرت زهرا(ع) و دختران آن حضرت، ص ۱۰۸.



می‌توان گفت که هر جا حیا باشد حجاب هم خواهد بود؛ ولی این ارتباط دو سویه نیست یعنی هر حجابی نشانگر حیا نیست، البته برخی از مواقع، انسان حجاب را بیشتر از آن چیزی که لازم است مراعات می‌کند که این نشانگر حیاست.

### ۳. عفت

عفت عبارت است از حاصل شدن حالتی در نفس انسان که از غلبه شهوت بر او جلوگیری می‌کند و برای حصول و تقویت این حالت، ابزاری مورد نیاز است. در ابتدا که این حالت در نفس انسان حاصل می‌شود با هدف جلوگیری از غلبه شهوات و امیال نفسانی، میل به پوشش در انسان ایجاد می‌شود و وقتی این میل که سرچشمه در فطرت انسان دارد مورد اهمیت و توجه قرار گیرد، ارتباط دو سویه آن با حجاب تقویت می‌گردد. البته حجاب نیز باعث تقویت عفت در انسان می‌شود هر چند در اصل، عفت را می‌توان ریشه و منشا حجاب عنوان کرد.

با توجه به این که تاثیر ظاهر بر باطن و تاثیر باطن بر ظاهر یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است و از آن جا که عفت یک حالت درونی است، بنابراین بین حجاب یا پوشش ظاهری و عفت و بازدارندگی باطنی انسان، تاثیر و تاثر متقابل برقرار است. بدین ترتیب، هرچه عفت درونی بیشتر باشد حجاب یا پوشش ظاهری بیشتر و بهتری در مواجهه با نامحرم حفظ می‌شود و متقابلاً هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر شود، این حجاب در تقویت و پرورش عفت تاثیر بیشتری دارد.

حجاب ظاهری نشانه‌ای از مرحله خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است، البته این گونه نیست که حجاب و پوشش ظاهری لزوماً به معنای دارا بودن همه مراتب عفاف باشد، عفاف نیز بدون رعایت پوشش ظاهری قابل حصول نیست، پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است.

امام علی (ع) می‌فرماید: « زکاه الجمال العفاف »<sup>۱</sup> زکات زیبایی، عفت و پاکدامنی است. لازم است انسان جنبه الهی هر نعمتی را که دارد در نظر بگیرد و از آن فقط در راه اطاعت خدا بهره ببرد. زیبایی، یکی از نعمت‌های خداست. و جنبه الهی آن، پاکدامنی و پوشش است.

عفت به معنای دور کردن از حرام و بر دو گونه است:

الف) پاک کردن درون و دل خود از هوس رانی؛

ب) پوشاندن ظاهر خویش در برابر مورد هوس قرار گرفتن.

هر دو مورد از زیر مجموعه‌های عفت است و هر دو خواسته شده است؛ نمی‌توان درون و دل را پاک کرد و ظاهر را رها کرد یا ظاهر را حفظ کرد و دل یا درون را رها نمود.

نتیجه اجتماعی بی‌حجابی از بین بردن امنیت عفت است. امنیت عفت برای یک جامعه اگر مهم‌تر از امنیت جان و امنیت مال نباشد حداقل مقارن با آن‌هاست و یک زن بی‌حجاب در جامعه یک عنصر ضد امنیتی است.

در قرآن واژه عفت برای آن‌هایی به کار رفته که امکان ازدواج ندارند و قرآن آنان را به عفت دعوت نموده است: «ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتی یغنیهم اله من فضله و

---

۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۰۵.

الذین یتبعون الکتاب مما ملکت ایمانکم فکاتبو هم ان علمتم فیهم خیرا و اتوهم من مال الله الذی آتاکم و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغای ان اردن تحصنا لتبتعوا عرض الحیاه الدنیا و من یکرههن فان الله من بعدا کراههن غفور رحیم»<sup>۱</sup> و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند. و از بردگانتان آنان که تقاضای مکاتبه کنند. (یعنی بخواهند خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند) تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید و (برای کمک به آزاد شدن آنها) از مال خدا که به شما اعطا فرموده (به عنوان زکات و صدقات در وجه مال المکاتبه) به آنها بدهید، و کنیزکان خود را که به عفت مایلند، زنهار برای طمع مال دنیا مجبور به زنا نکنید، که هر کس آنها را به اکراه به زنا وادار کند خدا در حق آنها که مجبور بودند بسیار آمرزنده و مهربان است (لیکن شما را که آنها را به زنا مجبور کنید به جای آنان عقاب خواهد کرد).

در این جا «ولیستعفف» به آیه قلبی اش «وانکحوا الایامی» برمی‌گردد. اگر اینها باز هم نتوانستند، طلب عفت کنند یعنی آن حالت را در خودشان به وجود بیاورند. آن حالت نفسانی یک نوع حالت عفت و حیا می‌باشد که در درون انسان و در اعمال ظاهری او نمایان می‌گردد.

یکی از مصادیق کامل حیا همین عفت است. یکی حیای ذاتی در خودش ایجاد می‌کند که وقتی آن حالت نفسانی به وجود آمد از هر مظهر تحریک جنسی فاصله می‌گیرد. وقتی فرد

در مقابل مظاهر تحریک جنسی قرار می‌گیرد با ازدواج نکردن نیز می‌تواند در مقابل فشارهای جنسی مقاومت کند. «ولیتعفف» یعنی آن عفت را طلب کند که منظور آیه نیز همین است.

این «ولیتعفف» نمی‌گوید «فمنن کان غنیا فلیمتنع»<sup>۱</sup> موضوع بحث مال یتیم است. می‌فرماید اگر مال یتیم در دست شما قرار گرفت آن را برایش حفظ کنید تا وقتی که بزرگ شد و به مرحله بلوغ رسید به بدهید. حال این مال یتیم که در دست انسان است با آن چه می‌کند؟ به عنوان مثال مردی که فوت کرده است و اموال بچه صغیرش در دست دیگران است تا این بچه به سن بلوغ برسد ۱۵ سال طول می‌کشد قرآن می‌گوید: «و من کان غنیا فلیستعفف» کسی که غنی است عفت پیشه کند. نمی‌گوید: مال را نگه دارد یا آن را مصرف کند می‌گوید: «ولیتعفف» یعنی خودداری کند. چون طبیعی است وقتی اموالی در دست انسان قرار گیرد و صاحب آن اموال کودک باشد، انسان به آن مال طمع می‌کند و تحریک می‌شود که آن را ت صرف کند.

به همین سبب قرآن کریم می‌فرماید: «ولیتعفف» یعنی با عفت خودداری کند، یعنی آن حالتی که بر نفس عارض می‌شود که از غلبه شهوت مال جلوگیری می‌کند؛ با آن حالت دیگر به طرف آن مال نرود و گرایش مالی اش تهدید نشود که مال یتیم را بردارد و مصرف کند. در ادامه می‌فرماید: «و من کان فقیرا فلیا کل بالمعروف» اما اگر فقیر است اشکال ندارد مال را مصرف کند؛ بعد ما به ازای آن را به همراه سودش به او بدهد. پس

---

۱- نساء/۶.

شهوت فقط شهوت جنسی نیست، بلکه شهوت مال را هم شامل می‌شود. لذا حالتی که در نفس وجود داشته باشد و آن حالت انسان را از تحریک غرایز جنسی و شهوت مال باز دارد. براین اساس می‌توان گفت: عفت به طور کلی انسان را از تمایلات نفسانی باز می‌دارد. بنابراین حجاب که خود یکی از مظاهر عفت است باعث می‌گردد زن در مقابل نامحرم حالت احتراز به خود گیرد.

از سوی دیگر نمایش دادن خود و جلوه کردن برای مرد نامحرم خودش یک حالت تحریکی برای زن دارد. زن وقتی احساس کرد مردی از او خوشش آمده است، خود این خلاف عفت است چرا که جایز نیست زن آرایش کند و در مقابل نامحرم ظاهر شود و باچهره باز و لباس‌های آنان را تحریک نماید تا در مرحله بعد مرد عفت پیشه کند و نگاه نکند. مرد هم همین حالت را دارد؛ وقتی احساس می‌کند مورد توجه فردی قرار گرفته و جنس مخالفی از او لذت می‌برد برای خود او هم لذت آور است؛ یعنی این احساس، خود مرد را هم تحریک می‌کند. که این خود یکی از مظاهر بی‌عفتی است.

ارتباط بی‌حجابی با عفت تنها این نیست که بی‌حجابی زن باعث بی‌عفتی مرد می‌گردد بلکه بی‌حجابی، عفت خود این زن را هم از بین می‌برد. حجاب زن، مظهر حالت نفسانی عفت در اوست که مانع می‌شود زن مورد نظر مردی قرار بگیرد و خود او از اینکه ارتباطش با نامحرم این گونه شود گریزان است.

در مسئله حجاب دو ویژگی وجود دارد. ویژگی نخست حرمت زن یعنی حرمتی است که در سایه حجاب محفوظ می‌ماند. برای مثال شاید نگاه کردن به یک پیرزن هشتاد ساله که

جز قواعد است حرمت نداشته باشد؛ اما چون حجاب حافظ حرمت زن است، همین زن هیچ گاه از حجاب دور نمی‌شود چرا که خوب می‌داند حرمت و شخصیتش در سایه حجاب حفظ می‌شود. لذا و خوب حجاب عمدتاً برای خود زن است نه برای مرد. ویژگی دیگر تحریک جنسی مرد است. بنابراین، حفظ حرمت و ویژگی نخست حجاب است، یعنی به یک انسان محترم نباید تجاوز شود. اما اگر زن از این محافظ دور شود و بی‌حجاب در مقابل نامحرم قرارگیرد چون آسیب‌پذیر است به او تجاوز می‌شود. تجاوز به زن در معنای وسیع این است که ابزار شهوت رانی یک مرد می‌شود و این مسئله حتی با یک نگاه هم می‌تواند صورت گیرد.

اما ویژگی دیگر مربوط به حجاب، عفت است که در فصل گذشته توضیح آن آمده و در آنجا گفتیم عفت، حالت نفسانی خود زن است که از هر نوع حرکتی که موجب تحریک گرایش‌های نفسانی و استیهاج او بشود جلوگیری می‌کند و وقتی بنا شد زن در معرض نامحرم قرار گیرد بین این زن بی‌حجاب و آن مرد نامحرم اجنبی ارتباط جنسی قرار گیرد بین این زن بی‌حجاب و آن مرد نامحرم اجنبی جنسی برقرار می‌شود. ارتباط جنسی در نگاه مرد و در احساس خوشایند زن حاصل می‌شود. این ارتباط با آن حالت نفسانی عفت منافات دارد. ضمن اینکه این ارتباط آن حالت نفسانی مرد را هم از بین می‌برد.

بین زیاده خواهی و بی‌عفتی نیز رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «اللهم ارزق محمداً و آل محمد و من احب محمداً و آل محمد العفاف و ارزق من ابعض

محمددا و آل محمد المال و الولد»<sup>۱</sup> راضی بودن به حد کفایت، باعث می‌شود افراد به عفت کشیده شوند. یعنی بین زیاده خواهی و عفت ارتباط متقابل برقرار است؛ یعنی زیاده خواهی سبب بی‌عفتی و بی‌عفتی سبب زیاده خواهی می‌شود. لذا برای اینکه انسان عفت خودش را حفظ کند از همان اول باید به کم قانع باشد؛ در غیر این صورت خواه ناخواه عفتش به خطر می‌افتد، عفت که از بین رفت غرایز برانگیخته می‌شوند و این برانگیختگی غرایز نیز انسان را به زیاده‌خواهی می‌کشاند.

خیلی از افراد بی‌عفتی را به مسائل اقتصادی ربط می‌دهند و معتقدند بی‌حجابی و فحشا به سبب فقر اقتصادی است. این افراد می‌گویند اگر فحشا توسعه پیدا کرده به سبب این است که مردم فقیرند و این فقر، زنان را به مرحله خود فروشی و فحشا می‌کشاند در اینجا باید گفت: اولاً بی‌عفتی نتیجه زیاده‌خواهی است و از آن گذشته باید بررسی شود آیا فحشا در قشر ثروتمند بیشتر رایج است یا در قشر فقیر؟ آنچه از بررسی‌ها به دست می‌آید این است که فحشا در قشر ثروتمند بیشتر است به سبب این که آنها زیاده خواه هستند. پس نمی‌توان علت بی‌عفتی را اقتصادی دانست. زیاده‌خواهی اقتصادی نمی‌توان علت بی‌عفتی را اقتصادی دانست. زیاده‌خواهی اقتصادی باعث فحشا و بی‌عفتی می‌شود نه اینکه فقر اقتصادی باعث بی‌عفتی شود.

### خاستگاه عفت

به طور معمول تصور بر این است که زنان منشا و خاستگاه عفت اجتماعی هستند اما بر طبق روایت پیامبر(ص) مردان خاستگاه عفت اجتماعی هستند. پیامبر اکرم(ص)

---

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

می‌فرمایند: «قدر الرجل علی قدر همته و صدقه علی قدر مروته و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته»<sup>۱</sup> عفت مرد به اندازه غیرت اوست، یعنی غیرت در مرد اصالت دارد و این غیرت مولد عفت است در حالی که عنصر نهادینه شده‌ای در زن به عنوان غیرت وجود ندارد. غیرت در مردان تعریف دارد اما در زنان تعریف ندارد. این روایت پیغمبر(ص) می‌رساند که عفت خود مولود غیرت است و غیرت هم یک عنصر روانی در مردان است. با این کیفیت که غیرت ممدوح در مردان است پس بنابراین مردان خاستگاه عفت هستند نه زنان بلکه ایشان پذیرای عفت در جامعه هستند؛ یعنی جامعه‌ای با عفت است که مردانش با عفت باشند. در جامعه‌ای اگر زنان عفیف شدند و مردان بی‌عفتی بودند نمی‌توان گفت عفت در آن جامعه نهادینه شده و مستحکم است. اگر مرد غیرت نداشت آن جامعه، جامعه‌ای بی‌عفت است حتی اگر همه زنان هم باحجاب باشند.

اما اگر مردان غیرت داشتند ولی زنان عفت نداشتند، این عفت در جامعه بستر ندارد. چرا که عفت اجتماعی از یکسو بستر می‌خواهد و از سوی دیگر نیازمند عامل است غیرت مردان عامل عفت است و بستر آن، زنان هستند. غیرت مردان در جامعه تولید عفت می‌کند، اما اگر بستری در جامعه برای عفت بود، پایدار می‌ماند در غیر این صورت نه تنها عفت بلکه کم‌کم اصل جامعه از بین می‌رود.

---

۱ - مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۴.



از آن جا که حیا عفت و غیرت، حالتی درونی و نفسانی هستند و مورد پذیرش تمام انسان‌ها بوده و می‌باشد و ادیان آسمانی نیز همواره بدان توصیه کرده اند، می‌توان گفت که یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی عفت بوده است.

عفاف، خویشتن داری با علائم و نشانه‌های رفتاری و گفتاری است و به وجود نشانه‌های آن ممکن نیست. عفت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت‌ها در نشانه‌های خویشتن داری زن و مرد، از تفاوت در خلقت آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و یکی از نشانه‌های عفاف، پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش، قابل تصور نیست. نمی‌توان به زن یا مردی، «عفیف» گفت در حالی که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود. حجاب اسلامی از نشانه‌های برجسته عفاف در اسلام، است.

#### ۴. غیرت

غیرت یک فضیلت اخلاقی است که در سرشت انسان نهاده شده و جز وجود انسان است. در اسلام بر غیرت تاکید زیادی شده است. انسان با غیرت در مواجهه با آسیب‌ها دو ناراحتی دارد. یکی از اصل آسیب دیدن و دیگر تسلط فردی دیگر بر او. انسان با غیرت اجازه نمی‌دهد کسی بر او مسلط شود.

مرد غیرتمند در صیانت از متعلقاتش حساسیت ویژه‌ای دارد. در خانواده، همسر انسان به منزله خود اوست. خداوند می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده ورحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»<sup>۱</sup> و باز یکی از آیات

---

۱- روم/۲۱.

(لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته، با هم انس گیرید و میان شما رافت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم با فکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.

«از خودتان برایتان همسر قرار دادیم.» یعنی همسر انسان، به منزله خود اوست، وقتی بنا شد مرد غیرتمند آبرویش را حفظ کند باید که حافظ جانش هم باشد و اجازه ندهد به زنی که جان اوست مورد تجاوز دیگری قرار بگیرد و در رهگذر غریزه دیگری واقع شود. برای مثال، فردی که زنش را انظار عمومی گذاشته مثل این است که خودش را به صورت آزاد در اختیار دیگران گذاشته است.

غیرت انواع مختلفی دارد. غیرت مرد به خانه اش، به خودش، نسبت به ناموس، کشور و ملتش، این غیر باید در حدی باشد که اگر احساس کند خطری او را تهدید می‌کند، مانع شود و حصار و دژ او گردد.

لذا نباید مسئله غیرت را کم اهمیت شمرد. غیرت مسئله حساسی است که در اینجا به غیرت اجتماعی و فردی اشاره می‌گردد.

مرد باید منزل را به یک قلعه تبدیل کند. قلعه برج و بارو دارد و دارای نگهبان و پاسبان است. مرد باید دقیقاً مراقب باشد و هرگاه دشمن خواست به خودش یا خانواده اش حمله کند، با او برخورد نماید. او نباید اجازه دهد هیچ مهاجمی وارد خانه اش شود و از طرف دیگر، نمی‌تواند نسبت به جامعه هم بی تفاوت باشد؛ باید مراقب تهاجمات اجتماعی هم باشد و غیرت اسلامی مسلمان و امت اسلامی در حیطة اخلاق فردی در خانواده تجلی پیدا می‌کند؛ اما زمانی که در کل جامعه تجلی نماید، اخلاقی اجتماعی نام دارد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «والمراه اذا خرجت من باب دارها متزینة متعطره و الزوج بذلک راض ینی لزوجها لکل قدم بیت فی النار»<sup>۱</sup> زنی که از خانه اش خارج شود در حالی که خود را آراسته و عطرزده و شوهرش به این کار راضی باشد، برای هر گامی که آن زن در بیرون خانه بر می‌دارد، خانه‌ای در دوزخ برای شوهرش ساخته می‌شود. طبق این حدیث مرد نباید نسبت به خانواده اش بی‌تفاوت باشد بلکه باید با اتکا به غیرتش از حضور بی‌مبالات همسرش در جامعه جلوگیری کند، زیرا بی‌توجهی مرد نسبت به پوشش همسرش، او را دچار عقوبتی سخت می‌نماید.

### اعتدال در غیرت

همانگونه که بیان شد غیرت یکی از فضایل اخلاقی است که در اسلام تاکید ویژه‌ای بر آن شده است. امروزه در جوامع غیرتمند اسلامی با این فضیلت دو رویکرد غلط صورت می‌گیرد، دلیل آن نیز این است که به مفهوم غیرت و آثار آن در سعادت انسان و جامعه توجه نشده است.

رویکرد اول: رویکرد افراطی است؛ بعضی‌ها برای اعمال غیرت خانه را برای خانواده یک زندان می‌کنند و مانع رشد افراد خانواده می‌شوند و در آنها عقده‌ای ایجاد می‌کنند که عواقب خطرناکی را به دنبال دارد. مثل فتری که فرد با فشار آن را برای مدتی نگاه می‌دارد اما بر برداشتن دست فتر به سرعت می‌پرد. این رویکرد، رویکردی غلط است.

---

۱-مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

رویکرد دوم: رویکرد تفریطی است؛ یعنی بعضی غیرت را انکار می‌کنند و برای آن در زندگی نقشی قائل نیستند. البته این رویکرد به غیرت از اندیشه‌های باطلی است که از کشورهای غربی وارد کشورهای اسلامی شده است.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «ایاک و التغایر فی غیر موضع غیره فان ذلک یدعو الصحیحه منهن الی السقم و البرئیه الی الریب»<sup>۱</sup> برحذر باش از غیرت در غیر موضع غیرت، که درستکار را به نادرستی و پاکدامن را به بدگمانی می‌کشاند.

در اسلام بر لزوم غیرت برای مردان تاکید شده است و مردان غیور ستایش شده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «غیره الرجل ایمان» غیرت مرد و حراست او از ناموسش ایمان است.<sup>۲</sup> البته با توجه به اهمیت فراوان غیرت باید اعتدال را در اعمال آن رعایت نمود و از افراط و تفریط پرهیز کرد. اما امروزه با این همه هشدارها و نهی‌ها از افراط و تفریط نسبت به غیرت در اسلام، مردانی هستند که تحت تاثیر تبلیغات و فرهنگ بیگانه از هویت اصیل خود خارج شده‌اند و زن را همچون ابزار و متاعی مادی تلقی کرده، شخصیت خود را در داشتن زنی مزین و آراسته جستجو می‌کنند.

غیرت، انسان را با تقوا و خویشتن دار می‌کند و او را بر امور خود مسلط می‌سازد یکی از آثار غیرت معتدل استحکام روابط خانوادگی خصوصاً بین زن و شوهر است. در خانه‌ای که غیرت نیست بین زن و مرد آرامش نیست و مودت کم رنگ است.

---

۱- نهج البلاغه، نامه، ۳۱، ص ۳۰۷.

۲- آمدی، عبدالواحد تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۷۷.

اثر دیگر غیرت، ایجاد نسل پاک است. «وبلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه والذی خبث لایخرجالا نکدا»<sup>۱</sup> از زمین پاک گل‌های لاله زیبا می‌روید، اما از زمین‌های ناپاک جز خار و خس چیز دیگری نمی‌روید؛ غیرت مرد موجب حفظ پاکدامنی زن و رابطه‌ای سالم بین ایشان است و زمانی که والدین پاک و مطهر باشند می‌توانند فرزندان‌ی مطهر تربیت کنند.

### عوامل تضعیف غیرت

در اینجا به برخی عوامل تضعیف یا حذف غیرت از زندگی انسان اشاره می‌کنیم.

اول: چشم چرانی. وقتی مردی چشم چرانی می‌نماید و به چهره نامحرم به قصد لذت نگاه می‌کند، این نگاه آلوده باعث می‌شود دل مسموم گشته، به تدریج دامن انسان آلوده شود. این همه حساسیت اسلام نسبت به نگاه نکردن به نامحرم حکمت‌های فراوانی دارد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «النظر سهم من سهام الشیطان»<sup>۲</sup> اصل این است که انسان به طور کلی نگاهش را کنترل کند چرا که حتی گاهی قصد لذت هم ندارد اما خود نگاه کردن، دل را مسموم می‌کند. در نگاه زن به مرد و نگاه مرد به زن یک سحر وجود دارد این سحر، به ویژه در نگاه زن به مرد، باعث از خود بی‌خود شدن فرد مقابل می‌شود و عقل وی را ناتوان می‌سازد؛ عقل که ناتوان شد، انسان آماده آلوده شدن می‌گردد.

دوم: لباس نامناسب. بعضی از لباس‌ها، از بی‌لباسی بدتر است. اگر بد حجاب بسیاری از قسمت‌های بدنش را عریان می‌نمود، انسان متنفر می‌شد؛ اما بعضی‌ها به گونه‌ای لباس می‌پوشند که خود آن سبک لباس پوشیدن، فتنه‌انگیز است. انسان به گونه‌ای خلق شده است که اینگونه لباس پوشیدن روح او را متاثر می‌کند تا حدی که دین را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۱- اعراف: ۵۸.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

امام علی (ع) در بیانی دقیق می‌فرماید: «علیکم بالصفیق من الثیاب فان من رق ثوبه رق دینه»<sup>۱</sup> بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید زیرا هر کس لباس نازک باشد دینش نازک و ضعیف است. تعبیر لباس نازک تعبیری است که سستی در حجاب را می‌رساند و از نظر این روایت قوام و استحکام دین به حفظ پوشش دینی است که نه تنها در زنان لازم است، بلکه در مردان نیز در حد شرعی آن را ضروری نموده است.

سوم: کتاب‌ها و مجلات محرک: در جامعه کتب یا مجلاتی منتشر می‌شود که مطالب یا تصاویر آنها هر کدام به‌طور مستقیم در حذف تدریجی و یا کمرنگ کردن غیرت و عفت موثر است. چهارم: فیلم‌ها و سی‌دی‌های مستهجن، ماهواره، اینترنت یا تولیدات بصرف مخالف شرع که امروزه دسترسی به آن آسان شده است و جوانان را در معرض هجوم قرار می‌دهد. پنجم: رفیق فاسد و ناباب. با مثالی بهتر می‌توان نقش رفیق فاسد و ناباب را روشن کرد. بعضی مواقع در ابتدای سال ملخ زیاد می‌شود، و ملخ در فصل بهار هجوم می‌آورد، ابتدا که کسی این ملخ‌ها را ببیند ۱۰۰ تا ۱۵۰ عدد بیشتر نیستند و به آنها اعتنایی نمی‌کنند. در بیابان وسیع، ۱۵۰ ملخ چیزی نیست. اما روی د‌های بلند همین ملخ‌ها پراز نطفه ملخ است. وقتی روی زمین می‌نشینند دشمنان را فشار می‌دهند، اگر زمین سست بود، میلیون‌ها تخم ملخ را در آن دفن می‌کنند و به یکباره در فصل خاصی انسان تصور می‌کند، بارانی از ملخ بر زمین باریده است و یا از زمین ملخ روییده است. میلیون‌ها ملخ یک مرتبه هجوم می‌آورند و همه مراتع و سبزه زارها را خاکستر می‌کنند.

---

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۸۳؛ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۹.

آثار سوم دوست ناباب در زندگی انسان مانند ملخ است. در نگاه اول یک ملخ است که ممکن است به چشم نیاید ولی در دراز مدت آثار سوئی به جا می‌گذارد که نباید آن را دست کم گرفت. در یک دبیرستان گاهی یک دوست بد کل مجموعه را فاسد می‌کند. در اینجا یادآوری به پدران و مادران لازم است که نسبت به رفقا و دوستان فرزندانشان حساس باشند، دوستانشان را شناسایی کنند و با عقل و تدبیر، آرامش و منطق بر روابط آنها نظارت داشته باشند.

ششم: صحبت بیش از حد متعارف با نامحرم. یک زن می‌تواند با نامحرم صحبت کند اما ادب و احترام را رعایت نماید و از مرز نگذرد. صحبت مرد با زن نیز باید همین گونه باشد. در غیر این صورت این گفتگوها کم کم به برچیده شدن عفت و غیرت و در نتیجه از بین رفتن حجاب می‌انجامد.

هفتم: تغذیه حرام. در دین مبین اسلام همواره در مباحث تربیتی و اخلاقی بر تغذیه حلال تاکید ویژه‌ای شده است.

هشتم: فضای جامعه اعم از دانشگاه، دبیرستان، بازار و... هر کدام می‌تواند به نوبه خود در سلامت و پاکدامنی افراد جامعه تاثیر داشته باشد. البته ناگفته نماند که این مسئله به طور معکوس نیز وجود دارد. به گونه‌ای که پاکدامنی و سلامت افراد در جامعه تاثیرگذار است.

نهم: رفتار نامناسب پدر و مادر در مقابل فرزندان. اگر پدر و مادر در منظر بچه‌ها، مسائل تحریک‌کننده را در رفتار و گفتار رعایت نکنند، به طور طبیعی زمینه را برای ناپاک شدن دامن فرزندانشان آماده می‌کنند چرا که فرزندان غیرت و عفت را از پدر و مادر می‌آموزند.

## فصل سوم: فلسفه حجاب و کارکردهای آن

### مقدمه

نوع پوشش بشر، جدا از اینکه با شرایط و حالات گوناگون ارتباط دارد، از جهان‌بینی و نظام فکری او نشئت می‌گیرد. وقتی انسان نگرش هست‌شناسانه اش بر مبانی الهی استوار گردد و زیر ساخت‌های عقلانی، ذهن جستجوگر او را اقناع سازد حالت انقیاد و تسلیم در او ایجاد می‌شود توجه به ضرورت‌ها و فلسفه‌های فکری که پشتوانه گرایش‌های انسان است در موضوع حجاب و عفاف نیز یکی از مولفه‌های پذیرش و تمسک به آن می‌باشد.

در این فصل به ضرورت و فلسفه پوشش از منظر عقل، قرآن و سنت پرداخته می‌شود و پیش از آن توجه به اینکه لازم است که حجاب، مفهومی عام دارد. واژه حجاب در گذشته بیشتر به معنای پرده و حاجب استعمال می‌شده و بعدها از این کلمه در معنای پوشش (معنای مصطلح امروزی) بهره گرفته شده است، زیرا پرده نیز وسیله پوشش است.

در اصطلاح فقها کلمه ستر به معنای پوشش به کار رفته و از کلمه حجاب استفاده نمی‌شده است؛ و این جابه‌جایی الفاظ و استفاده از دو لفظ با معانی متفاوت برای یک منظور این شبهه را دامن زده که برخی ادعا کرده اند اسلام به زندانی کردن و حبس کردن زنان در پشت پرده حکم نموده است. در صورتی که چنین نیست و منظور حفاظت زن است.

ضرورت و فلسفه حجاب از منظر عقل



با توجه به مبانی پوشش که در فصل قبل ت بین گردید، روشن می‌شود که هر یک از آن مبانی خود می‌تواند دلالت عقلی بر ضرورت پوشش دینی نماید؛ اما بادقت نظر بیشتر، مواردی نیز در ضرورت‌های عقلی حجاب در اینجا ارائه می‌شود برای پوشش، ادله عقلی متعددی مطرح است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. مسئله حسن و قبح ذاتی نزد عقلا یک بحث پذیرفته شده است؛ یعنی انسان به طور ذاتی و فطری برخی کارها را مفید و در راه کمال می‌داند و برخی کارها را نیز مانع کمال و موجب سقوط و قبیح می‌شمرد؛ مثل میل ذاتی انسان به علم، صداقت، وفاداری و روی گردانی او از جهل و دروغ خیانت. پوشش نیز برای انسان، یک حسن ذاتی است، هم چنان که برهنگی یک قبح ذاتی به شمار می‌رود.

دلیل اینکه پوشش حسن ذاتی می‌باشد آن است که بشر از همان آغاز خلقت تاکنون رعایت پوشش بدن را نه تنها خوب و قابل تمجید و تکریم دانسته، بلکه آن را ضروری تلقی نموده است. حضرت آدم و حوا آن گاه که از بهشت به زمین هبوط کردند، به دنبال پوششی برای بدن خویش بودند.

«فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة و نادهما ربهما الم انهکما عن تلکما الشجرة و اقل لکما ان الشیطان لکما عدو مبین»<sup>۱</sup>، پس آنان را به فریب و دروغی (از آن مقام بلند) فرود آورد، پس چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان (مانند عورات و سایر زشتی‌های پنهان) بر آنان آشکار گردید و بر آن

---

۱-اعراف/۲۲.

شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند، و پروردگارش آنها را ندا کرد: آیا من شما را از این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست؟»

همان طور که انسان‌های بدوی با برگ یا پوست درختان خود را می‌پوشاندند، امروزه نیز در جوامع به ظاهر متمدن غرب که با حجاب اسلامی مخالف اند، عریان بودن در مجامع عمومی را جرم می‌دانند و حتی از ورود زنان بدون پوشش به مکان‌هایی که دارای قداستی خاص است، ممانعت می‌کنند.

این رفتارهای فطری بشری از آغاز خلقت تا عصر اطلاعات و تکنولوژی حاکی از حسن ذاتی، فطری و عقلی پوشش است.

البته باید خار نشان کرد که پوشش در کنار ساتر بودن انسان را از گرما و سرما نیز حفظ می‌کند و مایه آراستگی و وقار وی است.

«فلنقصدن علیهم بعلم و ما كنا غائبین»<sup>۱</sup> پس بر آنان (حکایت حال آنها را تماماً) به علم و بصیرت کامل بیان کنیم، و ما از کردار آنان غایب و غافل نبوده ایم.

پوشش در کنار سایر دستورالعمل‌های ارزشی اسلام درباره روابط زن و مرد، یکی از راه‌های اساسی برای سالم‌سازی روابط انسان‌ها در اجتماع است؛ پوشش باعث از بین بردن نگاه ابزاری به زنان و خشونت‌های جنسی علیه آنان، کنترل غریزه شهوانی و مدیریت آن در سطح اجتماع، ایجاد امنیت شغلی، ارتقای کیفی پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی،

---

۱ - اعراف / ۷.

سیاسی و ترویج امر ازدواج و حفظ نهاد خانواده برای داشتن یک زندگی سالم انسان‌ها می‌شود.

۲. لذت معنوی نیاز روح انسان است و آدمی هر چه بیشتر خود را در راه‌های صحیح راضی نگه دارد، ضرر نخواهد کرد؛ اما لذایذ مادی دارای خاصیتی متفاوت اند، هر لذت مادی که انسان بدون محدودیت به ارضای پردازد. پس از گذشت زمان از شادی آفرینی اش کاسته خواهد شد.

گاهی انسان در آرزوی نوعی خوراک و لباس به سر می‌برد ولی پس از استفاده از آنها، دیگر احساس خوشحالی نمی‌کند و آن را به گونه‌ای دیگر (بیشتر و یا با کیفیتی متفاوت) می‌خواهد، علت این واقعیت این است که آستانه رضایتمندی او به شدت افزایش یافته است. اگر برنامه عملی انسان ارضای بی‌رویه تمایلات لذت جویانه اش باشد و بدون برنامه‌ریزی و رعایت حدود به برآورده کردن نیازهایش پردازد، این ارضای لذت وی را به ذلت خواهد کشاند.

در این میان با رعایت اعتدال و حفظ پوشش، لذت حاصل از آن از ماندگاری و جاودانگی بیشتری برخوردار خواهد بود. البته باید خاطر نشان نمود که بی‌حجابی منجر به آسیب‌های فراوانی می‌شود که نتیجه آن مهار نکردن غرایز و روابط انسان خواهد شد، که در فصول بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

۳. حفظ امنیت و آرامش روانی جامعه: از جمله غرایز خدادادی در ساختمان وجودی انسان، غریزه آدمی است و در صورت کنترل، می‌تواند عامل تداوم و استمرار نسل بشر

بوده، موجبات امنیت روانی انسان‌ها را فراهم کند. در قوانین اسلام برای استفاده صحیح از گزینه حیاتی دستورالعمل‌های خاصی مطرح شده که «حجاب» و وجود حریم بین زن و مرد یکی از این راه کارهاست بدون شک، نبودن حریم زن و مرد و آزادی معاشرت‌ها، سبب می‌شود هیجان‌ات و التهاب‌های جنسی فزونی یابد و تقاضاهای نامشروع به صورت یک عطش روحی درآید.

اسلام به قدرت شگرف این گزینه توجه کامل داشته و تدابیر زیادی را برای تعدیل این گزینه اندیشیده است و در این زمینه برای زنان و مردان نیز تکالیف خاصی را معین کرده است وظیفه مشترک زن و مرد این است که چشم از نامحرم بپوشانند و از نگاه شهوت‌آمیز پرهیزند.

«قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون+ و قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یدین زینتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آبا بعولتهن او ابنائهن او ابنا بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه من الرجال او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون لعلکم تفلحون»<sup>۱</sup>

---

۱-نور/۳۰-۳۱.

(ای رسول ما) مردان مومن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کارزشت) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه می‌کند کاملاً آگاه است.+ و زنان مومن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود (بر بیگانه آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران یا زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواه که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت‌های زنان آگاه نیستند (و غیر از این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. وای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید.

اما زنان به خاطر جاذبه‌های بیشتر، وظیفه سنگین‌تری دارند و آن اینکه بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند، در اجتماع با آرایش‌های تحریک‌آمیز ظاهر نشوند و به جلوه‌گری نپردازند تا زمینه انحراف جنس مخالف برچیده شود. بی‌بندوباری در پوشش، موجب بی‌بندوباری در ارضای غریزه جنسی می‌شود. پس رعایت پوشش به تعادل، امنیت و آرامش جامعه می‌انجامد.

۴. تحکیم و حفظ بنیان خانواده: نهاد مقدس خانواده در مسیر ایجاد جامعه سالم نقشی بی‌بدیل دارد. در این میان نقش حجاب و پوشش اسلامی در سلامت و استمرار پیوندهای خانوادگی انکارناپذیر است. در مقابل، برهنگی و بی‌حجابی، مخل نظم و پیوند در نهاد خانواده است.

در محیطی که حجاب و شرایط دیگر اسلامی رعایت می‌شود احساسات و عواطف زن و مرد، مقدس است و تعلق به یکدیگر دارد اما در بازار آزاد برهنگی، قداست پیمان زناشویی مفهوم ندارد و خانواده‌ها به سادگی متلاشی می‌شوند.

حجاب نقش موثری در تحکیم پایه‌های خانواده دارد، زیرا با رعایت حجاب هیچ عامل تحریک‌کننده‌ای در بیرون از منزل وجود ندارد. نبود این عامل تحریک‌کننده به این منجر می‌شود که:

زمینه بهره‌برداری جنسی در خارج از خانه به حداقل می‌رسد و هر گونه روابط زناشویی منحصر به خانه خواهد بود.

مردان، دیگر زنانی را که در بیرون از منزل می‌بینند با زنان خود مقایسه نمی‌کنند، زیرا این مقایسه باعث ایجاد بی‌رغبتی مرد نسبت به همسرش می‌شود؛ بنابراین عدم رعایت حجاب بیش از هرکس دیگری به خود زنان لطمه می‌زند.

از سوی دیگر، اگر زن کمال خود را در ارائه جنبه‌های بدنی و جنسی خود جست و جو نکرد و برای زیبایی‌های باطنی و روحی ارزش واقعی قائل شد دیگر به سراغ کمالات

خیالی نمی‌رود و به وظایف واقعی و سازنده از جمله تربیت صحیح کودکان و فراهم آوردن زمینه‌های تکامل در خانه خواهد پرداخت.

۵. پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه. گسترش دامنه فحشا و ازدیاد فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی و آزادی‌های جنسی است که در جوامع غربی کاملاً مشهود است. عامل اصلی این ناهنجاری منحصر به برهنگی و بی‌حجابی نیست بلکه عوامل دیگری نیز در گسترش دامنه‌ای پدیده موثر است.

۶. جلوگیری از نگاه ابزاری به زن و ابتذال وی. یکی از مسائل مطرح پیرامون حقوق زن، نگاه ابزاری به زنان است. هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواند، طبیعی است روز به روز تقاضای خود نمایی افزون‌تر از او را دارد؛ هنگامی که زن از طریق جاذبه جنسی اش وسیله تبلیغ کالاها شد شخصیتش در حد یک عروسک و کالای بازاری سقوط می‌کند و ارزش‌های انسانی او به کلی به فراموشی سپرده می‌شود.

حقیقت این است که حجاب اسلامی نه تنها زن را از عرصه اجتماع دور نمی‌کند، بلکه زمینه حضور فعال او را در اجتماع فراهم کرده، حفظ حقوق اجتماعی اش را تضمین می‌کند و شخصیت خدادادی او را از دستبرد نگاه ابزاری مصونیت می‌بخشد.

روشن است که هدف اصلی تشریح احکام در اسلام قرب به خداست که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید. آراسته شدن به تقوا نیازمند لوازمی چون حفظ حجاب است.

ضرورت و فلسفه حجاب از منظر قرآن

در قرآن کریم به مسائل مهم و مورد نیاز بشر به صورت کلی اشاره شده و پیرامون پوشش مسائل مرتبط با آن آیات متعددی آمده است که برخی به فلسفه و تعدادی به حدود و آثار آن می‌پردازد؛ تاکید بر مسئله حجاب در چندین آیه از قرآن، نشانگر اهمیت آن است. در این مجال اندک، به بررسی آیات که به فلسفه و ضرورت پوشش پرداخته اند، اشاره می‌شود.

قرآن، زنان ایده آل را که در بهشت جای دارند به مروارید محجوب پوشیده در صدف تشبیه نموده، می‌فرماید: «کامثال اللولو المکنون»<sup>۱</sup>، مثل لولو میان صدف.

و یا آنان را به گروه‌هایی واقعی چون یاقوت و مرجان تشبیه می‌کند که جواهر فروشان آنها را در پوششی مخصوص قرار می‌دهند تا هم چون گوهرهای بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند و از قدر و ارزش و اهمیت آنها کاسته نشود. «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن انس قبلهم و لا جان»<sup>۲</sup>

مهمترین آیات مربوط به حجاب در دو سوره از قرآن آمده است، سوره «احزاب» و سوره «نور» که به تفسیر آنها اشاره می‌شود.

#### ۱. آیه ۵۹ سوره احزاب

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نسا المومنین یدنین علیهن من جلا بیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفوراً رحیماً»، ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و

۱- واقعه/۲۳.

۲- رحمن/۵۶.



زنان مومنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان استو

شان نزول

در شأن نزول این آیه آمده است: زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر (ص) نماز می‌گزاردند، هنگام نماز مغرب و عشا بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنان را آزار می‌دادند و مزاحشان می‌شدند؛ آیه فوق نازل شد و به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا شناخته نشوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.<sup>۱</sup>

این آیه که به آیه حجاب نیز معروف است، با دلیلی منطقی به فلسفه پوشش اشاره نموده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است:

کلمه «جلایب» جمع جلاب است و آن جامه‌ای سرتاسری است که تمام بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود.

منظور از «پیش بکشند مقداری از جلاب خود را» این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار پیدا نباشد.

---

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۶.

علامه طباطبایی عبارت «ذلک ادنی ان یعرن فلا یوذین» را این گونه تفسیر نموده است:

«یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند دیگر

اذیت نمی شوند یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی شوند.»<sup>۱</sup>

البته برخی از مفسران در معنا و تفسیر این عبارت چنین آورده اند:

«این پوشیدگی، نزدیک تر بودن ایشان به مسلمان بودن و آزاد بودن را می شناساند چون

زنان غیر مسلمان و نیز کنیزان در آن دوره حجاب نداشتند و حجاب پوشش زنان مسلمان

بود و در نتیجه کسی متعرض آنان نمی شد و حتی کسی نمی پنداشت که ایشان کنیزانند یا

غیر مسلمان اند و از ملت یهود و نصاری هستند.»<sup>۲</sup>

پس در این آیه دو فایده و دو فلسفه برای پوشش منظور شده است:

۱. شناخته شدن به خیر، عفت و سداد

۲. محفوظ ماندن از اذیت و آزار

درباره تحفظ آزار نیز باید تاکید کرد زن با نمایش دادن بدن خود سبب می شود تا به عنوان

طعمه ای در چشم دیگران جلوه کند و افراد بیمار دل و مغرض برای به دست آوردن این

طعمه دست به آزار و اذیت او بزنند که البته این آزار هم می تواند جنبه روحی داشته باشد

و هم جسمی؛ و در این آزار و اذیت، تحقیر، اسارت، تجاوز، اغفال و سو استفاده نیز

مستور است. حقیقت این است تا وقتی زن با عفت و پوشش از خانه بیرون رود و

---

۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰.

۲- زمخشری، محمد بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۶۰.

پاکدامنی اش را حفظ کند، فاسدان و مزاحمان جرات هتک حرمت و حیثیت او را نخواهند یافت.

از مجموع بررسی این آیات بر می آید که همه دستوراتی که برای حجاب آمده با نهی آغاز شده است « و لایبدین زیتنه»، «ولا تبرجن»، «ولایضربن بارجلهن» در واقع آنچه مهم است بیان یک حرام یعنی بی حجابی است که برای اجتناب از این حرام، حجاب واجب شده است.

زمانی گفته می شود حجاب یک واجب شرعی است، یا گفته می شود نفی حجاب حرام شرعی است. همه جا نهی می کند، تنها جایی که به صورت امری بیان شده، سوره احزاب است که می فرماید: «یدنین من جلابیهن» که تحقق همه آن نهی هاست. شارع، مکلف را یاری کرده است که تحقق تمام آن نهی ها با این ایجاب است.

۲. آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور

آیات دیگری که به وجوب پوشش و فلسفه آن پرداخته است آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور است: «قل للمومنین یغضوا من ابصارهم یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون+قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یبدین زیتنه الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یبدین زیتنه الا لبعولتهن او آبائهن او آبا بعولتهن او ابنائهن او ابنا بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه من الرجال او الطفل الذین لم یظهروا علی

عورات النساء ولا يضربن بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن و توبوا الى الله جميعا ايها  
المؤمنون لعلكم تفلحون»

(ای رسول ما) مردان مومن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را  
(از کارزشت) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته  
خدا به هر چه می‌کنند کاملاً آگاه است. + و زنان مومن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا)  
بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز  
آنچه قهراً ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به  
مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا  
پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران  
خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع  
خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت‌های زنان آگاه نیستند. (و از  
غیر اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و  
زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. وای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که  
رستگار شوید.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات چنین آورده است: در جمله «قل للمؤمنین يغضوا من  
ابصارهم» از آن جایی که کلمه يغضوا مترتب بر «قل» می‌باشد، نظیر ترتیبی که جواب  
شرط بر شرط دارد، قهراً دلالت می‌کند بر اینکه قول در اینجا به معنای امر است و معنای  
امر است و معنای جمله این است که به مومنان بگو «امرکن» که چشم خود را بپوشند و

تقدیر آن این است «ایشان را امر به غض و چشم پوشی کن که اگر امر بکنی چشم خود را می پوشند»<sup>۱</sup>

سفارش اول به غض بصر و چشم پوشی مردان به زنان است. در آیه ۳۱ خداوند عین همین دستور را به زنان می دهد به علاوه اینکه دو فرمان دیگر را نیز برای زنان صادر می کند.

۱. «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها»

علامه طباطبایی می فرماید: «کلمه "بیدین" به معنای اظهار است و مراد از زینت زنان، مواضع زینت است؛ زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل و موضع آنهاست»<sup>۲</sup>

خداوند از این حکم آنچه را که ظاهر است استثنا کرده است و در روایت آمده که مقصود از ظاهر، صورت و دو کف دست است.<sup>۳</sup>

۲. «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»

کلمه «خمر» به دو ضمه جمع خمار است و وخمار آن جامه ای است که زن سر خود را با آن میپوشد و زاید آن را به سینه اش آویزان می کند و کلمه جیوب جمع جیب است و مراد از آن سینه هاست.

---

۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵.

۲- همان، ص ۱۵۶.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۵۲۱: قلت له ما یجل للرجل ان یری من المرء اذا لم یکن محرما قال: الوجه والكفان و القدمان از امام صادق (ع) سوال شد: زنی که به انسان محرم نیست چه مقدار نگاه به او حلال است؟ فرمود: صورت و کف دو دست و دو قدمها.

معنای آیه این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند.<sup>۱</sup> و در ادامه آیه نیز افرادی را که از شمول این حکم خارج می‌شوند، معرفی می‌کند که شامل محارم سببی و نسبی انسان می‌شوند.

آنان نباید زینت خود را آشکار سازند، مگر در دوازده مورد که در این آیه آمده است. که عبارت‌اند:

شوهرا نشان	لبعولتهن
پدرانشان	آبائهن
پدر شوهراشان	آباءبعولتهن
پسرانشان	ابنائهن
پسران همسرانشان	ابناءبعولتهن
برادرانشان	اخوانهن
پسران برادرانشان	بنی اخوانهن
پسران خواهرانشان	بنی اخواتهن
زنان هم کیششان	نسائهن
کنیزانشان	ماملکت ایمانهن

«التابعین غیر اولی الاربه من الرجال»؛ افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند.

---

۱ - طباطبایی، محمد حسین، همان.

«او الطفل الذین لم یظہروا علی عورات النساء»؛ کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند.

از این دو آیه چنین بر می آید که حفظ پوشش تنها تکلیف زنان نیست و بر مردان نیز لازم است؛ البته امری عادی و طبیعی است که زنان بیشتر مورد خطاب واقع شوند؛ زیرا آنان مظهر جمال و زیبایی هستند، اما این بدان معنا نیست که مردان هیچ وظیفه‌ای ندارند. از این رو، اسلام برای ثبات و پایداری جامعه درباره پوشش زن و مرد هر دو بسیار توجه نموده است.

«یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا...»<sup>۱</sup> ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را بپوشاند و مایه زینت شما باشد.

اطلاق لفظ بنی آدم اشاره به نوع بشر درباره پوشش لباس دارد و نه زنان به تنهایی. پس همچنان که زنان می‌بایست حدود حجاب را رعایت کنند. مردان نیز مکلف به اجرای این دستورند.

نکته دیگری که در این آیه باید به آن توجه کرد، این است که اصل حجاب و پوشاندن بدن مطابق آیه فوق مورد اتفاق همه است و در مورد پوشاندن «چهره و دو دست» باید یا خود انسان مجتهد باشد و نظر خود را از روی اجتهاد از آیه فوق با توجه به آیات دیگر و روایات و گفتار اهل لغت استنباط کند، و یا مقلد باشد و نظر مرجع تقلید خود را ملاک قرار دهد.

همچنین نکته دیگری که لازم است در اینجا به آن توجه شود این است که قرآن «زینت کردن» مردان و زنان را نفی نمی‌کند، بلکه از آنان می‌خواهد که در عین استفاده از زینت‌های به جا از حدودی که تعیین شده پا فراتر ننهادند، تقوا و پاکدامنی را رعایت کنند.

---

۱- اعراف / ۲۶.

ام سلمه روایت کرده است که: وقتی آیه فوق نازل شد، زنان طایفه انصار جامه‌های پشمی ساده به سر می‌کردند که در سیاهی مانند کلاغ‌ها بودند و با همین وضع از کنار رسول خدا (ص) عبور می‌کردند.

رسول اکرم (ص) در این مورد به آنان اعتراض نکردند و همین، دلیل تقریر و امضای آن حضرت است و تقریر پیامبر مانند قول ایشان حجت است.<sup>۱</sup>

از اینجا جواب این سوال که پوشیدن چادر سیاه توسط زنان از چه زمانی آغاز شده است، روشن می‌شود همانطور که ملاحظه می‌شود در مورد جلباب نظرات مختلف است و آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد این است که کلمه «جلباب» در اصل شامل هر جامه بلندی است؛ ولی غالباً در مورد روسری‌ها که از چارقد بزرگ‌تر و از ردا (عبا) کوچک‌تر بوده به کار می‌رفته است.<sup>۲</sup>

در آیه به دنبال جلباب کلمه «ادنی» دیده می‌شود، منظور از نزدیک کردن جلبات چیست؟ مراد از نزدیک ساختن جلباب، پوشیدن آن است؛ یعنی وقتی می‌خواهند از خانه بیرون بروند، روسری بزرگ خود را بردارند و خود را با آن بپوشانند و بی‌اثر و خاصیت آن را رها نکنند. و صرفاً جنبه تشریفاتی نداشته باشد. آن را به بدن خویش نزدیک سازند و آن را آزاد نگذارند به طور که گاه و بی‌گاه کنار رود و بدن آشکار گردد؛ به تعبیر ساده، لباس خود را جمع و جور کنند.<sup>۳</sup>

۱- ابن‌الکثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ص ۴۲۶.

۳- همان، ص ۴۲۸.



نکته دیگر آیه، بحث در علت و فایده این دستور است که: «شناخته نشوند و مورد آزار واقع نگردند». در این مورد اقوال مختلف است و آنچه صحیح تر به نظر می‌رسد، نظر شهید علامه مرتضی مطهری است که می‌فرماید: «وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم جرات نمی‌کنند متعرض او شوند.»<sup>۱</sup>

بنابراین زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، تا بیمار دلان از او مایوس گردند و فکر بهره‌کشی از او در ذهنشان خطور نکند.

### ۳. آیه ۵۳ سوره احزاب

آیه بعدی که به اصل و فلسفه حجاب اشاره دارد، آیه ۵۳ سوره احزاب است.

«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه ولکن اذا دعیتم فادخلو فاذا طعمتم فانتشروا و لا مستانسین لحدیث ان ذلکم کان یودی النبی فیستحیی منکم و الله لا یستحیی من الحق و اذا سالتموهن متاعا فاسالوهن من ورا حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله و لا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابا ان ذلکم کان عندالله عظیماً.» ای کسانی که ایمان آوردید به خانه‌های پیغمبر داخل شوید مگر آنکه اذنتان دهند و بر سفره طعام دعوت کنند، در آنحال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پختن و آماده شدن آن چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که دعوت شده اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود (از پی کار خود) متفرق شوید نه اینکه آنجا برای

---

۱- مطهری، مرتضی، حجاب و آزادی (مجموعه سخنرانی)، ص ۱۵۴.

سرگرمی و انس به گفتگو پردازید؛ این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او به شما از شرم اظهار نمی‌دارد ولی خدا را بر اظهار حق خجلتی نیست و هرگاه از زنان رسول متاعی می‌خواهید از پس پرده بخواهید که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از وفات زناش را به نکاح خود در آورید که این کار نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است.

یک از احکام این آیه در زمینه حجاب این است که می‌فرماید: هنگامی که چیزی از متاع و وسایل زندگی از همسران پیامبر(ص) می‌خواهید از پشت حجاب (پرده) بخواهید.

این امر در میان اعراب و بسیاری از مردم رایج بود که وسایل زندگی را موقتاً از همسایه به رعایت می‌گرفتند، خانه پیامبر(ص) نیز از این قانون مستثنا نبود و گاه و بی‌گاه می‌آمدند و از همسران پیامبر(ص) چیزی به عاریت می‌خواستند؛ روشن است که قرار گرفتن همسران پیامبر(ص) (هرچند با حجاب اسلامی) در معرض دید مردم کار خوبی نبود لذا دستور داده شده از پشت پرده یا پشت در بگیرند.<sup>۱</sup>

آیه دیگری که به موضوع حجاب اشاره نموده و عدم رعایت آن را یکی از دام‌های شیطان معرفی کرده است، در سوره اعراف می‌باشد که می‌فرماید: «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءاتهما انه یراکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون»<sup>۲</sup> این فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، در حالی که جامه از

۱- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ص ۴۰۱.

۲- اعراف/ ۲۷.

تن آنان بر می‌کند تا قبایح آنان را در نظرشان پدیدار کند، همانا آن شیطان و بستگانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید. ما نوع شیطان را دوستدار و سرپرست کسانی قرار داده‌ایم که ایمان نمی‌آورند.

یکی از مهمترین دام‌های شیطان و اولیای شیطانی، کندن لباس و کشف حجاب و پوششی است که خداوند، برای آدمیان فرستاده است؛ زیرا لباس و حجاب، وسیله‌ای برای آرامش انسان است و نشانه عفت و حیا، تقوا و پاکدامنی و وقار و شخصیت او محسوب می‌شود و شیطان می‌کوشد تا با وسوسه کردن و وارونه جلوه دادن حقایق، حجاب و پوشش را زشت و کشف حجاب و برهنه ساختن اندام را زیبا و جذاب جلوه دهد و با گرفتن حیا و تقوای آدمیان، بر آنان مسلط شود.<sup>۱</sup>

### ضرورت و فلسفه حجاب از منظر روایات

پیشوایان و رهبران اسلامی که همواره روشنی‌بخش و هشداردهنده بوده‌اند و انسان‌ها را به راه سعادت راهنمایی کرده، از خطرات سقوط هشدار می‌دادند؛ در مورد پوشش و حجاب زنان نیز به سبب اهمیت آن به طور موکد دستوراتی فرموده‌اند.

در این زمینه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «انما مثل المرأه الصالحه مثل الغراب الاعصم الذی لا یکاد بقدر علیه»<sup>۲</sup> زن با عفت و صالح و محجوب مثل کلاغ اعصم می‌باشد که کسی قدرت دسترسی به آن را ندارد.

---

۱- مطهری، مرتضی، حجاب و آزادی (مجموعه سخنرانی‌ها)، ص ۱۵۴.

۲- حر عاملی، محمدبن‌الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲.

قدر مسلم برترین ویژگی اجتماعی زنان صالح برخوردار از عفت و حجاب است که در پرتو حفظ پوشش دینی نه تنها کسی قدرت تسلط و دسترسی به آنان را نداشته، بلکه جرات این را نیز ندارد.

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «لاینبغی للمراه ان تجمر ثوبها اذا خرجت من بیتها»<sup>۱</sup> سزاوار نیست که زن هنگام بیرون رفتن از خانه اش، لباس خود را جمع و فشرده کند. در این روایت پیامبر اکرم (ص) علاوه بر اصل پوشش، نحوه آن را نیز بیان کرده است. مسلم است وقتی که پوشش زن فشرده و یا چسبان باشد، هدف حجاب تحقق نمی‌یابد؛ چرا که این نوع پوشش نمی‌تواند مانع نگاه ناروا شده، وی را حفظ کند.

از نگاه پیامبر اکرم (ص) بهترین زن کسی است که برای شوهرش خودنمایی کند و خود را از نامحرم محفوظ و مستور بدارد. «ان خیر نسائکم... المتبرجه مع زوجها الحصان علی غیره»<sup>۲</sup> و نیز ایشان در بیانی بدترین زن را این گونه معرفی می‌فرمایند: «الا اخبرکم بشرار نسائکم... المتبرجه اذا غاب عنها بعلمها الحصان معه اذا حضر»<sup>۳</sup> زنی که اوقات غیبت شوهر آشکار از خانه بیرون رود و خودنمایی کند و در هنگام حضور شوهر خود را بپوشاند.

در روایت دیگری حضرت رسول (ص) فرمودند: «صفتان من اهل النار لم ارهما... و نسا کاسیات عاریات ممیلات مائلات رءوسهن کاسنمه البخت المائله لا یدخلن الجنة و لا یجدن ریحها و ان ریحها لیوجد من مسیره کذا و کذا» دو دسته اهل دوزخ هستند که نظیر

---

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصلو کافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

۲- همان، ج ۵، ص ۵۱۹.

۳- طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میر باقری، ص ۲۵۶.

آنها را مشاهده نکرده ام... و دسته دوم زنانی هستند دور از راه حق که ظاهراً لباس پوشیده‌اند، اما حقیقت لخت و عریان‌اند و موهای سرشان را چنان رد یک جا جمع می‌کنند که به کوهان کج شترها می‌ماند. این نوع زنان داخل بهشت نمی‌شوند، حال آنکه بوی بهشت از مسیرهای چین و چنان (کنایه از بعد مسافت) به مشام می‌رسد.<sup>۱</sup>

و نیز می‌فرماید: «و المرأه اذا خرجت من باب دارها متزینه متعطره و الزوج بذلک راضی بینی لزوجها لکل قدم بیت فی النار» زنی که از خانه اش خارج شود در حالی که خود را آراسته و عطر زده و شوهرش به اینکار راضی باشد، برای هر گامی که آن زن در بیرون خانه بر می‌دارد، خانه‌ای در دوزخ برای شوهرش ساخته می‌شود.<sup>۲</sup>

در اینجا پیامبر اکرم (ص) بی‌حجابی زن را آنقدر قبیح می‌داند که مرد او را به دلیل رضایتش مسئول شمرده، در گناه وی شریک می‌داند. از این روایت میتوان به نقش مهم مردان در پاکدامنی همسران و ترویج حجاب اسلامی در جامعه پی برد.

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «المرأه عوره فاذا اخرجت استشرفها الشیطان»<sup>۳</sup> زن موجودی آسیب‌پذیر است؛ وقتی که از خانه خارج شد، شیطان او را احاطه می‌کند و او در معرض نفوذ شیطان قرار می‌گیرد.

این روایت، حجاب را مانع آسیب دیدن زن در اجتماع قلمداد می‌کند و او را از احاطه شیطان محفوظ می‌داند چرا که وقتی زن خود را در پوشش قرار می‌دهد، مانعی در مقابل

---

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۳.

۲- همان، ص ۱۰۴.

۳- طوسی، محمد بن الحسن، امالی، ج ۲، ص ۲۷۶؛ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲.

شیطان قرار داده است که نه تنها خود را حفظ نموده، بلکه دیگران را نیز از نگاه حرام، تحریک شهوت و ترویج ناهنجاری باز داشته است.

از نظر پیامبر(ص) برترین زنان، زنی است که پوشیده و پاکدامن باشد. ایشان می‌فرمایند: «ان خیر نسائکم الولود الودود العفیفه العزیزه فی اهلها الذلیله مع بعلها المتبرجه مع زوجها الحصان علی غیره التی تسمع قوله و تطیع امره و اذا خلا بها بذلت له ما یدید منها و لم تبذل کتبذل الرجل»<sup>۱</sup>، برترین زنان شما زنی است که بچه‌زا، مهرورز، پوشیده و پاکدامن است؛ همو که در خانواده‌اش عزیز و محترم و در مقابل همسرش فروتن است، برای همسرش آراسته و نسبت به نامحرمان پوشیده و خوددار است.

در بیان دیگری رسول اکرم(ص) ضرورت حفظ حجاب را، ماهیت وجودی زن می‌داند چرا که زن اندامی ظریف و شهوت‌انگیز دارد که باید آن را بپوشاند. ایشان می‌فرمایند: «المراه عوره سترها بیتها فاذا خرجت استشرفها الشیطان»<sup>۲</sup> زن اندامی شهوت‌انگیز دارد که خانه‌اش پوشش آن است؛ اگر خود را نپوشاند همین که از خانه خارج شد، شیطان او را دربرمی‌گیرد. البته لازم است یادآوری کنیم در اینجا مراد از خانه پوشش است، یعنی تا زمانی که زن در خانه است ایمن است اما در خارج از آن باید خود را محفوظ بدارد.

---

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافیه ج ۵، ص ۳۲۵؛ طبرسی، رضی‌الدین، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۷۷.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

امام علی(ع) در بیانی دقیق می‌فرمایند: «علیکم بالصفیق من الثیاب فان من رق ثوبه رق دینه»<sup>۱</sup> بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید، زیرا هر کس لباسش نازک باشد دینش نازک و ضعیف است.

تعبیر لباس نازک تعبیری است که سستی در حجاب را می‌رساند و از نظر این روایت قوام و استحکام دین به حفظ پوشش دینی است که نه تنها در زنان لازم است بلکه در مردان نیز در حد شرعی آن ضروری است.

ایشان همچنین می‌فرمایند: «صیانه المرأه انعم لجالها و ادوم لجمالها»<sup>۲</sup> حفظ (حجاب و عفت) زن، به حال خودش سودمندتر و موجب پایداری بیشتری زیبایی‌های اوست.

این روایت به دو اصل مهم اشاره می‌کند: اول آنکه انسان در انجام دادن هر کاری در پی سنجش سودمندی آن برای خودش است. بر همین اساس در روایت بر فوائد حفظ حجاب برای خود زن تاکید می‌نماید. دوم آنکه با توجه به ذات زنان، پایدارخواهی زیبایی امری طبیعی بوده و هر زنی در پی صیانت از زیبایی خویش است. در این روایت امام(ع) بر همین مساله تاکید نموده، ضرورت حفظ حجاب دینی را عامل پایداری بیشتر زیبایی زنان می‌داند. چه بسا دوام زیبایی یکی از فایده‌های حفظ حجاب برای خود زن باشد.

همچنین ایشان می‌فرمایند: «یظهر فی آخر الزمان و اقتراب الساعه و هو شره الازمنه نسوه کاشفات عاریات متبرجات من الدین داخلات فی الفتن مائلات الی الشهوات مسرعات الی

---

۱- همان، ج ۸۳، ص ۱۸۳؛ حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۹.

۲- آمدی، عبدالواحد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۵۲.

اللذات مستحلات للمحرمات فی جهنم خالدات»<sup>۱</sup> در آخر زمان که بدترین زمانهاست  
زنانی بی حجاب و ظاهرکنندگان زینت خود هستند، اینان از دین خارج و داخل در فتنه‌ها و  
مایل به شهوات و شتابان به سوی لذت‌ها هستند، محرمات را حلال می‌شمارند و در نتیجه  
در جهنم جاویدند.

ضرورت حفظ حجاب در این کلام امام را می‌توان در حفظ دین و رعایت مرزهای  
حرمت و حلیت یافت که نتیجه پایبند نبودن به آن سرنگونی ابدی انسان است.

امام علی(ع) در وصایای خود به فرزندشان امام حسن(ع) فرمودند: «و اکفف علیهن من  
ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب خیر لک و لهن من الارتیاب و لیس خروجهن  
باشد من دخول من لا تثق به علیهن فان استطعت ان لا يعرفن غیرک من الرجال فافعل»<sup>۲</sup>،  
پسرم همسرانت را در حجاب داشته باش! زیرا خیر تو و آنها در حجاب کامل است و با  
حجاب کامل از خانه بیرون رفتن آنها بهتر از آن است که نامحرم غیرمعمدی به منزلت  
وارد شود. اگر ممکن باشد که همسرانت را جز تو کسی نشناسد، انجام بده.

حضرت زهرا(س) می‌فرمایند: «خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال»<sup>۳</sup>، بهترین  
وضعیت برای زنان آن است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز آنها را نبینند.

امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حرم النظر الی شعور النساء المحجوبات بالازواج و الی غیرهن من  
النساء لما فیہ من تهییج الرجال و ما یدعو الیه التهییج من الفساد و الدخول فیما لا یحل»<sup>۱</sup>

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

۲- حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحت العقول، ص ۸۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷.



نگاه به موهای زنان حرام شد برای اینکه اگر موهای آنان در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک خواهد شد. این جلب شدن مردان به زنان، فساد و بی‌بندوباری را به دنبال دارد و سبب می‌شود که مردم به کارهای حرام وارد آلوده شود.

یکی از ضرورت‌های پوشش دینی برای زنان از منظر امام رضا(ع) جلوگیری از بی‌بندوباری و فساد است که هر چه این بی‌بند و باری بیشتر شود بنیان خانواده متزلزل شده، زمینه گرایش مردم به دیگر حرام‌ها فراهم می‌گردد و به تعبیری نظام انسانی جوامع از بین می‌رود.

ارزش و اهمیت عفت و پاکدامنی زنان به قدری است که در دعایی از امام زمان(عج) آمده است: «اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصيه... و على النساء بالحياء و العفه»<sup>۲</sup> در اینجا حضرت در کنار درخواست‌هایی که از خداوند دارند، برای زنان حیا و پاکدامنی طلب می‌کنند.

## کارکردهای حجاب و پیامدهای بی‌حجابی

### ۱. حجاب، عامل شکست دشمن

مستکبران جهانی سال‌هاست متوجه شده‌اند که تا وقتی جامعه‌ای معتقد به خدا و معارف دینی باشد، نمی‌توانند در آن جامعه به اهداف شوم خود دست یابند. آنان بزرگترین مانع را برای رسیدن به اهداف خود در ایران، اسلام واقعی می‌دانند. به طور مسلم یکی از مهمترین مصادیق اسلام ناب محمدی، حجاب و پوشش اسلامی است.

---

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- کفعمی، المصباح للکفعمی، ص ۲۸۰.

حضرت امام خمینی (ره) چندین سال قبل فرمودند: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. علت فرمایش امام این است که مردم، دین دارند و این تنها عاملی است که باعث می‌گردد آمریکا خاک‌نشین و زمین‌گیر شود.

علت جنایتگری آمریکا نسبت به ملت ایران، دین، ایمان، تقوا، خدا باوری و وابستگی مردم به اسلام است. بر این اساس دشمن زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که مردم و جوانان بی‌دین شوند.

بنابراین امروز مسوولان باید توجه ویژه‌ای داشته باشند و بدانند آن چیزی که نسل جوان را بی‌دین می‌کند و جامعه اسلامی را به پرتگاه بی‌دینی کشانده، باعث سقوط آن می‌شود، توسعه منکرات و برنامه‌های مبتذل بی‌حجابی، بی‌پروایی و بی‌بندوباری است که متأسفانه در برخی مواقع و مواضع با آرم مقدس هنر به این جامعه تزریق می‌شود.

بی‌حجابی یک گناه عادی و معمولی نیست. علت اینکه در مقایسه با سایر امور مثل بی‌عدالتی، بی‌مروتی و مفاسد اقتصادی بیشتر به بی‌حجابی پرداخته می‌شود- با آنکه همه اینها جزو مفاسد است و باید اصلاح شود- این است که آنچه امروزه در مقابل با آمریکا و در رویارویی با دنیای استکبار، نسل جوان را در سنگر دین حفظ نموده، کشور را در برابر دشمن به پیروزی می‌رساند، توسعه حجاب در جامعه است.

وقتی آتش غریزه جنسی در جوان با دین، با ایمان، با احساس و عشق به خدا شعله‌ور شود، همه دین و ایمانش را می‌سوزاند و بی‌حجابی عاملی است که این آتش را در مزاج جوان شعله‌ور می‌کند.

دشمن می‌کوشد مسلمانان از موضع خود کوتاه آمده، حجاب را به بی‌حجابی مبدل نمایند. لذا نباید در برابر توطئه‌های دشمن کوتاه آمد و آن گونه که آنها می‌خواهند عمل نمود. به عنوان مثال برخی تحت تاثیر هجمه‌های انحرافی دشمن، چادر را دست و پاگیر و محدودیت‌آور تلقی می‌کنند و در پی تثبیت یک حجاب آسان‌تر هستند. در حالی که حقیقت این است که حتی نمایش یک تار موی زن در برابر نامحرم، تقویت‌کننده دشمن و تضعیف‌گرایش‌های دینی است و این حجاب نوعی تقابل با سنت پیامبر(ص) است. به همین دلیل است که توهین به پیامبر(ص) و چادر در کنار هم قرار می‌گیرند؛ لذا باید جایگاه مهم حجاب را ارج نهاده، با حفظ آن مانع رسیدن دشمن به اهدافش شویم.

توجه به این نکته لازم است که مردم و مسوولان نباید در پی جلب رضایت غربی‌ها و روشنفکر مآبان باشند، زیرا هیچ‌گاه رضایت آنان حاصل نمی‌شود مگر به قیمت کنار گذاشتن تمام ارزش‌های دینی. این دقیقاً همان مساله‌ای است که خداوند خطاب به پیامبر(ص) فرموده است: «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصارى»<sup>۱</sup>، یهودان و ترسایان از تو خشنود نمی‌شوند.

بنابراین نباید به تبلیغات سوء و مخرب دشمنان در شبکه‌های ماهواره‌ای و قلم‌فرسایی‌های آنان در روزنامه‌ها و مجلات‌شان وقعی نهاد.

## ۲. حجاب، تبلیغ اسلام

تلاش سیاستمداران غربی در اثبات ادعای دموکراسی با سابقه تمدن و ترقی علمی که دارند در مخالفت با حجاب، علت روشنی دارد. آنها تنها به این دلیل که حجاب را مانع آزادی زن می‌دانند با آن مبارزه نمی‌کنند بلکه چون حجاب، شعار و تبلیغ اسلام است و تبلیغ اسلام در کشورهايشان با اصول نظام لائیک سازگار نیست، با آن مقابله می‌کنند.

به همین دلیل در برخی کشورهایی که خود را مهد آزادی می‌دانند، همچون فرانسه، با وجود هزاران و یا میلیون‌ها مسلمان فقط با حجاب اسلامی زنان مسلمان به مبارزه برمی‌خیزند و در ادارات و مدارس با استفاده از چادر، روسری و هر آنچه پوشش دینی محسوب شود، مخالفت نموده، حتی آن را در قوانین خود ممنوع اعلام می‌کنند.

مساجد متعددی در پاریس در شبانه‌روز پنج نوبت اذان می‌گویند و حکومت با این امر به عنوان تظاهر یکی از شعائر دین مخالفت نمی‌کند. آیا تظاهر به شعائر دینی در اذان بیشتر است یا در حجاب زنان مسلمان؟

وقتی به آقای شیراک اعتراض می‌کنند که چرا کشور شما که مدعی آزادی است حجاب را ممنوع می‌کند؟ می‌گوید: به سبب اینکه حجاب، شعار یک دین است و جامعه لائیک نباید شعار دین داشته باشد. اما اگر بناست دین خاصی در یک جامعه لائیک شعار نداشته باشد چرا به سراغ مساجد و مأذنه‌ها و شعائر اسلامی دیگر نمی‌روند و به سراغ حجاب می‌روند؟ چون حجاب عاملی است که جامعه را در برابر تسلط اجنبی مقاوم می‌کند.

دشمن اسلام، حجاب را تبلیغ اسلام می‌داند و برخی می‌خواهند این تبلیغ را خنثی کرده، آن را به بی‌حجابی و ضدتبلیغ مبدل کنند. اما جامعه اسلامی این منطقه را نمی‌پذیرد و امروزه باید مسوولان و سیاستگذاران فرهنگی با برنامه‌ریزی دقیق به مقابله با این هجمه برخیزند. بی‌حجابی ضداسلام است. بنابراین، جامعه‌ای که ادعای خداپرستی دارد و حکومتش بر مبنای نظام اسلامی است و مردمش در راه دفاع از آرمان‌های اسلام صدها هزار شهید را تقدیم نموده‌اند نباید تبلیغ ضداسلام آزاد باشد، بی‌دینی آزادانه رواج یابد و بی‌حجابی و بی‌عفتی، محلی برای بروز و ظهور داشته باشند.

### ۳. حجاب، حافظ شخصیت زن

آنچه شخصیت و اصالت زن را حفظ می‌کند حجاب است. فلسفه حجاب، صیانت زن در اجتماع از نگاه‌های ناروا است، از راه رفتن در خیابان گرفته تا حضور در بالاترین مناصب دولتی و فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در همایش‌های علمی و حضور در عرصه‌های مدیریتی که در نهایت سلامت روحی او را تضمین می‌کند.

اگر زن در همه مواضع با حجاب باشد شخصیتش به همان عنوان شناخته می‌شود؛ ولی اگر بی‌حجاب باشد قبل از هر چیز شخصیت عروسکی او به چشم می‌آید و این خیانتی است که تمدن غرب نسبت به حقوق زن روا داشته است.

با مطالعه تاریخ اروپا و آمریکا که داعیه دفاع از حقوق زن را دارند، سه وضعیت برای زن روشن می‌شود. در دوران یونان باستان زن برده بود و مانند برده‌ها خرید و فروش می‌شد. در قرون وسطی و دوران حاکمیت کلیسا زن مظهر شیطان بود و در اروپا با زن به عنوان

مظهر شیطان برخورد می‌شد. بعد از رنسانس علمی و انقلاب صنعتی اروپا ف از دفاع حقوق زن و آزادی زن سخن‌سرایی می‌شد در حالی که زن به عنوان نیروی کار ارزان در مقابل مرد در کارخانه‌ها گماشته شد و با عنوان آزادی زن، او را کنار چرخ فولاد کارخانجات آوردند چون نیروی کار ارزان‌تری برای سرمایه‌دار حاکم محسوب می‌شد و این شخصیت سوم زن بود.

حال اروپا با این سوء سابقه، مدافع حقوق زن شده، به اسلام با اتهام مخالفت با حقوق زن می‌تازد در حالی که هزار و چهارصد سال پیش نماد زن در مکتب اسلام زهرای قهرمان(س) بود که در عرصه‌های سیاسی نقش‌آفرین و تاثیرگذار بود داشت و در فعالیت‌های اجتماعی با کمال صیانت از شخصیت اصیل زنانگی خودش ظاهر می‌شد.

#### ۴. حجاب عامل موفقیت زنان در عرصه‌های علمی

قبل از پیروزی انقلاب جامعه ایران در علم و فناوری در جایگاه پایینی قرار داشت، چرا که به دلیل بی‌بندوباری‌ها و بی‌عفتی‌ها به جامعه جاهلی تبدیل شده بود و موقعیتی برای رشد علمی زنان فراهم نبود، زن فقط عنصری تلقی می‌شد برای رفع مطامع نفسانی و شهوانی مردان.

هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید، بسیاری از مظاهر بی‌بندوباری از جامعه برچیده شد. به همین سبب در بستر این جامعه و در سایه عفت و عصمت، برترین و نخبه‌ترین زنان ظهور پیدا کردند.

امروزه زنان در جامعه اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت، مدیریت، برنامه‌ریزی در حوزه فناوری و از همه بالاتر در حوزه تحقیق و پژوهش به جایگاهی رسیده‌اند که در هیچ زمانی به این مرز از نخبگی نرسیده بودند. اکثر قریب به اتفاق این زنان نخبه، خواهران با حجاب و با عفتند. در میان استادان دانشگاه، هیچ زن بی‌عفتی پیدا نمی‌شود، همچنین در میان مدیران برجسته و نخبه. در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجرایی کشور هیچ زن بی‌عفت و بی‌حجابی دیده نمی‌شود. این نخبگی بی‌سابقه زنان در سایه عفت و حجاب به وجود آمده است.

#### ۵. حجاب، مانع نگاه جنسیتی به زن

اسلام هیچ‌گاه با حضور زن در جامعه مخالفت نمی‌کند حتی در مواقعی که ضرورت ایجاد کند. به عنوان مثال زمانی که فشارهای سیاسی مانع حضور امام علی(ع) در جامعه می‌گردد، حضرت زهرا(س) برای دفاع از ولایت در حالی که امام در منزل هستند جلوی در خانه، با مردان گفتگو می‌کنند.

صدیقه اطهر(س) الگویی هستند با دو ویژگی:

ویژگی اول: حضور زن در عرصه اجتماع و در حوزه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است که حضور مرد و تلاش مردان در آن عرصه کاربرد ندارد. لحظه‌ای که صدیقه اطهر(ع) در امر سیاست مداخله کردند. دیگر از هیچ مردی کاری ساخته نبود، آنجا فقط حضور یک زن بی‌باک بیدار مثل حضرت زهرا(س) نقش و کاربرد داشت و این یک مدل رفتاری برای زن مسلمان در عرصه سیاست است.

وقتی حضور زن مسلمان در عرصه فعالیت‌های سیاسی فضیلت و ضرورت محسوب می‌شود که حضور مردان در آن موقعیت اثربخش نیست و خداوند متعال این استعداد نقش‌آفرینی را در مواقعی که امکان تاثیرگذاری برای مرد فراهم نیست در وجود زن نهادینه ساخته است. زمانی که فاطمه زهرا(س) پشت در آمدند و مقاومت کردند، بعد هم در مسجد حاضر شده، خطبه خواندند زمانی بود که شمشیر امام علی(ع) در غلاف بود و نمی‌توانستند به عرصه بیایند چرا که حضور امام(ع) با شمشیر در آن موقعیت به اساس اسلام لطمه می‌زد.

ویژگی دوم: حضور زن در جامعه باید با آرامش خاطر و صیانت حریم او آمیخته باشد و این به آن معناست که زن در حضور اجتماعی خود مورد تجاوز تمایلات غریزی و مطامع مردان اجنبی قرار نگیرد. زن باید در اجتماع حضور داشته باشد اما حضور او باید به گونه‌ای باشد که فضیلت، انسانیت، استعداد و تخصصش در عرصه جامعه ظهور پیدا کند و به همان عنوان شناخته شود و جریان‌های غریزی و مطامع نفسانی مردان، شخصیت با فضیلت و اصیل انسانی زن را به حاشیه نرانده، تحت الشعاع قرار ندهد و این جز با حجابی که صدیقه اطهر(س) سفارش کردند امکان‌پذیر نیست.

برای مثال، وقتی خانمی به عنوان یک چهره مطرح علمی با ظاهری بی‌حجاب در همایشی حاضر می‌شود، در آن لحظه که برای ارائه سخنرانی پشت تریبون قرار بگیرد پیش از آنکه گوش‌ها و هوش‌ها به کشف علمی و سخنان و ابتکار عظیم علمی و دانشی او توجه کند، چشم‌ها به قیافه او دوخته می‌شود. این نگاه‌های هرزه مردان اجنبی وقتی به قیافه و اندام



این خانم بی‌حجاب می‌افتد، خود، مانع و پرده‌ای می‌شود باری گوش‌ها و هوش‌ها؛ زیرا آنها دیگر به کشف علمی او توجه نمی‌کنند و فقط اندمش را می‌بینند. اما اگر همین خانم تحصیل کرده با چادر و حجاب اسلامی در این جایگاه حاضر شود و کشف علمی خود را ارائه دهد، دیگر همه گوش‌ها و هوش‌ها متوجه سخنان اوست و هیچ‌گاه شخصیت علمی، عظمت فکری و فضیلت استعدادی او به حاشیه رانده نمی‌شود که مطمع انظار و نگاه‌های زهرآلود شهوی مردان قرار بگیرد.

## ۶. بی‌حجابی، زمینه مقابله با دین و انقلاب

در جامعه باید کوشید افراد از همه ابعاد جریان انحرافی و جنگ نرم، چه در عرصه‌های داخلی و چه در عرصه‌های بین‌المللی، آگاه شوند و با آن مقابله نمایند. امروزه دشمن با جنگ نرم در پی براندازی دین و حکومت اسلامی است و در واقع جنگ نرم عرصه‌ای است که دشمن ناپاک بر جامعه تحمیل کرده است. باید دانست خاکریز اول جنگ نرم دشمن در کشور و جامعه، بی‌حجابی است. دشمن می‌خواهد با بی‌حجابی سفره دین را از میان جوانان جمع کند و با جدا کردن از اسلام و دین بتواند به راحتی اسلام را براندازد.

به طور مسلم دشمن برای گرفتن دین از مردم، منکر خدا و پیغمبر(ص) نمی‌شود و به طور مستقیم آنها را از پیری و محبت اهل‌بیت(ع) باز نمی‌دارد، بلکه برای جدا ساختن مردم از دین از یک عنصر آلوده بی‌حجاب و آرایش کرده استفاده می‌کند تا او در مقابل دید جوانی که در اوج شهوت و غریزه جنسی‌اش به سر می‌برد، قرار گیرد. بدین ترتیب،

زمینه فساد و تباهی فراهم می‌شود و جوان خود به خود از ارزش‌ها فاصله می‌گیرد. وقتی جوان در این مسیر قرار گرفت به تدریج دین و ایمان خود را از دست می‌دهد و این همان چیزی است که مطلوب دشمن می‌باشد. پس این دختر و زن بی‌حجاب، دانسته و یا نادانسته، پیاده نظام دشمن‌اند و اینها خاکریز اول دشمن را اداره می‌کنند.

#### ۷. بی‌حجابی، زمینه‌ساز مفسد اجتماعی

همان‌طور که بیان شد بی‌حجابی یک ناهنجاری است. در حال حاضر میانگین سن بزهکاری و فساد از ۱۸ تا ۲۱ سال است. یکی از عوامل اصلی بزهکاری و افتادن جوانان در دام فساد و فحشا، بی‌حجابی زنان است که جوان را به یک عنصر ناهنجار و ارزش‌گریز مبدل می‌کند.

وقتی غریزه جنسی در مزاج این جوان تازه بالغ شده با دیدن منظره زن بی‌حجاب شعله‌ور شود، او به فساد و فحشا کشیده می‌شود. بنابراین عامل اصلی همه خرابی‌ها و مفسد اخلاقی و اجتماعی در جامعه، بی‌حجابی است. آنهایی که می‌گویند بی‌حجابی مساله مهم در کشور نیست دچار کج‌فهمی شده‌اند. باید از آنان پرسید پس مساله مهم چیست؟ آیا ناامنی‌های فوق‌العاده‌ای که مال، جان، عرض و ناموس مردم را به مخاطره می‌اندازد مهم نیست و نباید با آنها مبارزه کرد؟! خیر! دشمن برای مبارزه با اسلام که یک عقیده است، با مبارزه فیزیکی به میدان نمی‌آید بلکه می‌کوشد عقاید و باورهای مردم را تغییر دهد. دشمن برای پیشبرد اهداف خود به دنبال ترویج مفسد اخلاقی و اجتماعی در بین مسلمانان است

و به خوبی می‌داند عامل مهم ترویج فساد و جدایی افراد از عقیده‌شان، گسترش بی‌حجابی است؛ لذا در این مسیر از تمام توان خود استفاده می‌کند.

## ۸. بی‌حجابی، ضد حقوق زن

یکی از عواملی که حجاب را در مهجوریت قرار می‌دهد و افراد را از آن گریزان می‌کند این تفکر غلط غربی و روشنفکران غربزده می‌باشد مبنی بر اینکه حجاب با حقوق زن مغایر است.

آیا حقوق زن در پرتو قهرمانی‌های حضرت زهرا و حضرت زینب(س) قابل دیدن است یا در پرتو ناپاکی‌ها، بی‌عفت‌ها و بی‌بندوباری‌های زنان در اروپا و آمریکا؟ به راستی حقوق زن را کجا باید جستجو کرد؟ عناصر ضدانقلابی که در وبلاگ‌ها، سایت‌ها و رسانه‌هایشان حجاب را ضدحقوق زن می‌دانند، شخصت زن را کجا جستجو می‌کنند؟ آیا در لابه‌لای قهرمانی‌ها و مردآفرینی‌هایی که نمونه‌اش در سیره زهرا و حضرت زینب(س) است؟ یا آن را در قالب فحشا و نابکاری‌ها و مفاسد بی‌عفتی و بی‌بندوباری یک عده روسپی آمریکایی و اروپایی باید جستجو کرد؟ می‌خواهند چه چیزی را به عنوان حقوق زن در قلم و در منطقه خود ثابت کنند؟ کدام یک حقوق زن است؟ این چه حقی برای زن است که با صورت آرایش کرده، با گردن باز و موی پریشان چشم یک مرد هرزه شهوت‌ران را بنوازد. آیا این حق زن است؟ آیا احترام زن، این است؟ آیا این شخصیت زن را بالا برده است یا او را در حد حیوان و یا پایین‌تر تنزل داده است؟ کدام عقل سلیم و قلب پاک اینها را از

عظمت زن می‌داند؟ خداوند در قرآن می‌فرماید: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم»<sup>۱</sup> بهترین شما نزد خدا کسی است که با تقواتر باشد. آیا این لابلالی‌گری‌ها با تقوا سازگاری دارد؟

حجاب و عفاف فرهنگ حضرت زهرا و زینب(س) است و حقوق زن در این فرهنگ کاملاً روشن و قابل دسترسی است. در این فرهنگ زن هم عزت و شخصیت دارد و هم به دیگر حقوق خود در مسائل اجتماعی دست می‌یابد. آن‌چنان که این دو بزرگوار در کمال عزت و کرامت به فعالیت‌های دقیق و عمیق علمی، اجتماعی، سیاسی و... پرداختند بدون آنکه ذره‌ای از ارزش والای خود بکاهند.

#### ۹. بی‌حجابی، عامل پایمال نمودن خون شهدا

حفظ اسلام و حفظ حجاب توسط مردان و زنان با ایمان جامعه مهمترین خواسته و هدف شهدای اسلام بوده است. برخی از زنانی که در فضای پاک، مطهر و معطر جمهوری اسلامی نفس می‌کشند و به برکت خون شهدا از این امنیت استفاده می‌کنند متأسفانه با رعایت نکردن حجاب خود به شهدا و ارمان‌های آنان بی‌اعتنایی می‌نمایند. این کار بسیار زشت و جاهلانه‌ای است که می‌توان گفت از عدم معرفت انسان نشأت می‌گیرد.

زنانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند اگر واقعا به خدا، پیغمبر، قیامت و حساب و کتاب معتقد هستند باد عملشان مطابق شرع باشد. اگر هم خدای نکرده عقیده ندارند بالاخره در بین این جمعیت زندگی می‌کنند؛ جمعیتی که عزیزترین کسان خود را در راه خدا و برای حفظ این ارزش‌ها از دست داده‌اند. این بی‌وجدانی و بی‌انصافی است که با این نحو

---

۱- حجرات/۱۳.

عملکرد به ایشان بی‌احترامی کنند؛ بنابراین یک انسان متمدنی که در چنین جامعه‌ای زندگی کند باید به خون شهدا احترام بگذارد و حداقل ظاهر را حفظ کند.

#### ۱۰. بی‌حجابی، عامل تحریک‌گرایی

در وجود همه انسان‌ها پدیده‌ای به نام غریزه وجود دارد که اگر در مسیر صحیح قرار گیرد می‌تواند به رشد انسان کمک نموده، او را از انحطاط و فساد حفظ کند. اما گاهی برخی عوامل باعث تحریک افراطی و نابهنگام این غریزه گشته، آثار سوئی را برای خود فرد و جامعه به بار می‌آورد و باعث افول انسان از مرحله انسانیت می‌گردد.

یکی از عوامل تحریک‌کننده غریزه، بی‌حجابی زنان است. در واقع، یک زن بی‌حجاب با چهره‌ای آرایش‌کرده و لباس نامناسب برای نسل جوان از یک گالن بنزینی که می‌تواند جوان را بسوزاند بدتر و از یک سم مهلک آسیب‌زننده‌تر است. بر این اساس می‌توان گفت زن بی‌حجاب کسی است که انسانیت را نابود می‌کند، زیرا اثر بی‌حجابی آن‌قدر به جوانان ضربه می‌زند که گاهی انسانیت آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. جوان‌کانون غریزه و شهوت است؛ فرقی هم نمی‌کند که چگونه تربیت شده باشد، در خانواده‌ای سالم باشد یا خانواده‌ای ناسالم. وقتی عوامل تحریک‌گرایی در برابر او قرار بگیرند غریزه او شعله‌ور می‌شود و این آتش هم به او آسیب می‌زند و هم خانواده و جامعه را به نکتبت گناه می‌کشاند. البته اثر تربیتی خانواده در نحوه برخورد با این‌گرایش و غریزه شعله‌ور نمود پیدا می‌کند. افرادی که به طور صحیح و مطابق با مبانی دینی تربیت شده‌اند در مقابل

با این فوران غریزه ایستادگی می‌کنند و با به کار بستن شیوه‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی، مانند ازدواج به موقع، این نیاز را پاسخ می‌گویند.

افراد دیگری نیز در مقابل آن تسلیم می‌شوند و به ورطه فساد می‌افتند؛ در این افراد گرایش جنسی و شهوت تحریک شده آرام نمی‌گیرد و شدت می‌یابد و خواسته‌های شهوانی و جنسی آنها به مرحله‌ای غیرقابل دسترس می‌رسد و توقعات فراوانی در آنان ایجاد می‌کند.

در گروهی نیز که به بهانه‌های واهی به سرکوب آن می‌پردازند، این غریزه به یک عقده روانی جانکاه در ضمیر ناخودآگاه‌شان تبدیل می‌شود و یک تلاطم در آنان به وجود می‌آید؛ از سوی دیگر، توقعات، نگرانی‌ها، ناملایمات و عدم تعادل آنان امنیت خانواده را به هم می‌زند. عامل این همه جنایت کسی نیست جز آن فرد بی‌حجاب که به راحتی خود را در معرض نگاه آلوده قرار می‌دهد و زمینه به فساد کشیده شدن جوانان را فراهم می‌کند. بنابراین برای تعدیل خواسته‌های نامحدود جوان در دوران جوانی بایستی عوامل تحریک‌کننده را کنترل کرد.

حجاب عامل کنترل اجتماع در برابر فساد است؛ یعنی در جامعه‌ای که شهوات و غرایز انسان‌ها با تربیت‌های گوناگون در وجود افراد فوران می‌کند، پوشش زن و حجاب او، اهرمی است که به جامعه اطمینان می‌دهد با وجود این فوران غرایز و نفسانیات، فسادی صورت نمی‌گیرد.

## فصل چهارم

### حجاب اسلامی، حدود و مراتب آن

#### مقدمه

دین مبین اسلام همواره با ارائه قوانین مبتنی بر براهین عقلی راه را برای سعادت بشر هموار کرده است. در هیچ یک از احکام اسلام، وجه ابهامی وجود ندارد چرا که علاوه بر قرآن، دستورات دین را پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تبیین و تشریح کرده‌اند.

اصل و فلسفه موضوع حجاب در قرآن آمده و آیات و روایاتی نیز به بیان حدود و مرزهای آن پرداخته‌اند. در این فصل به حدود اسلامی حجاب از سه منظر قرآن، روایات و عقل می‌پردازیم. وجه تاخر عقل از مبانی نقلی به این سبب است که چون موضوع حدود حجاب مساله‌ای جزئی است، عقل به صورت کلی نمی‌تواند نظری در آن داشته باشد و نقش تایید نقل را دارد.

قبل از پرداختن به این بحث باید متذکر شدیم که در این بخش می‌کوشیم بحثی علمی را ارائه کنیم و هر فردی که وظیفه‌اش تقلید از مراجع است مکلف است در زمینه محدوده پوشش به نظر مرجع تقلید خود عمل نماید.

#### حدود حجاب در قرآن کریم

حجاب بانوان در مقابل نامحرمان و توجه به رعایت عفاف و حیا از اموری است که در آیات مختلف قرآن کریم مطرح شده و در این زمینه توصیه‌هایی به زنان مومن ارائه

گردیده است؛ از جمله می‌توان به آیات شریفه سوره نور و سوره احزاب اشاره کرد. از مجموع این آیات چنین بر می‌آید که در قرآن کریم دو نوع پوشش برای بانوان مطرح شده است یکی «خمار» و لیضربن بخرهن علی جیوبهن<sup>۱</sup>، و دیگری «جلباب» یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المومنین دنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفورا رحیما<sup>۲</sup>، ای پیغمبر (گرامی) به زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

همان‌طور که در بخش اول گفته شد، «خمار» پوششی است که بانوان خود را با آن می‌پوشانند و «جلباب» پوشش سرتاسری بزرگتر از خمار است که زنان با آن تمام بدن خود را می‌پوشانند و با چادر امروزی منطبق است.

مهم‌ترین اریه‌ای که حدود واجب پوشش بانوان در برابر نامحرم را بیان می‌کند بخشی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخرهن علی جیوبهن»، و زنان مومن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و ارایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند.

---

۱- نور / ۳۱.

۲- احزاب / ۵۹.



مفسران و علمای مختلف با توجه به دو جمله این آیه، یعنی «ولیضربن بخمرهن علی حیوبهن» و «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» معتقدند که حد پوشادن برای زن، تمام بدن است، ولی در تفسیر «زینت» جای اختلاف است که آیا منظور از زینت، زینت آلات جدای از بدن مثل انگشتر، دستبند و... است و یا منظور، زینت خود بدن است؟ در زمان جاهلیت زنان از زیورآلات زیادی استفاده می‌کردند و برای نمایش دادن آنها سینه را باز می‌گذاشتند تا زینت‌شان آشکار شود و ا پای خود را برهنه می‌کردند تا خلخال‌هایشان دیده شود. حال پرسش این است که آیا منظور قرآن از عدم ابداء زینت، پوشاندن بدن به منظور دیده نشدن این زینت‌هاست یا منظور پوشاندن زینت طبیعی بدن است؟ مانند چشم، ابرو، لب و...، یعنی آیا فقط نمایدن زینت جدای از بدن ابداء زینت محسوب می‌شود؟ یا نمایش دادن چشم زیبا، بینی زیبا و یا لب زیبا هم ابداء زینت محسوب می‌شود؟

در اینجا باید گفت که در قسمت نخست بحث نمایاندن زینت به نامحرم از منظر قرآن ابداء زینت است و از آن نهی شده است «ولا یبدین زینتهن». اما در قسمت دوم باید گفت هیچ‌کدام از چشم، ابرو، لب و... به تنهایی زینت نیست، بلکه ترکیب همه آنها با هم زینت است؛ بنابراین صرف پوشاندن همه بدن و استثنا نمودن وجه و کفین، حجاب شرعی محسوب نمی‌شود و زن باید از نمایاندن مجموع صورت نیز به نامحرم خودداری کند.<sup>۱</sup>

ملاک در تشخیص زینت، عرف است. به طور مثال یک عرف، چشم کوچک را زیبا می‌داند اما عرف دیگری چشم درشت را زیبا تلقی می‌کند یا در یک کشوری مثل آفریقا

---

۱- لازم به ذکر است به دلیل تفاوت در نظرات فقهی، هر فردی باید به مرجع تقلید خود مراجعه کند.

سوراخ کردن بینی زینت است ولی در ایران آن را زینت نمی‌دانند. پس اینجا در تشخیص زینت عرف صادق است. البته نکته قابل توجه این است که در مسائل جزئی می‌توان بحث عرف را مطرح کرد ولی در زمینه محدوده پوشش و اینکه فردی با حجاب و یا بی‌حجاب تلقی گردد باید به شرع رجوع کرد؛ زیرا ممکن است یک عرف فردی را که موهایش هم دیده می‌شود با حجاب بدانند در صورتی که از نظر اسلام این فرد محجبه نیست. به طور مثال در کشورهای غربی یک روسری هم نشانه حجاب است در حالی که روسری کفایت از حجاب نمی‌کند.

## انواع حجاب

در قوانین اسلامی دو نوع حجاب داریم: حجاب اسلامی و حجاب اضطراری. حجاب اسلامی همان است که در قسمت بالا تبیین شد، اما حجاب اضطراری آن است که انسان در حین انجام کار و مسوولیت خاص باید داشته باشد که البته تمام حد و مرز اسلامی آن وجود دارد اما وسیله رعایت آن متفاوت می‌شود. روزی شهید مطهری خدمت استاد بزرگوار ما مرحوم آیت‌الله میلانی (اعلی‌الله مقامه الشریف) رسیده بود، مرحوم حضرت آیت‌الله میلانی می‌فرمود: «ما دو تا حجاب داریم: یک حجاب اسلامی که وظیفه همه زنان است و یک حجاب اضطراری (حجاب موقع کار، حجاب موقع حرکت، حجاب در موقع حوادث و بحران‌ها). فرمودند حجاب اضطراری را با حجاب لازم موظف اشتباه نگیرید». هر چه زنان پوشیده‌تر باشند بهتر است و هر چه با پوشش فراگیرتر باشند موثرتر

است. همان‌طور که قرآن می‌گوید: «ذلک ادنی ان یعرفن»<sup>۱</sup> به گونه‌ای حجاب داشته باشید که شما را نشناسند. اثر حجاب، حفظ حیثیت زن و موقعیت اوست.

از نظر نفس حجاب باید همه اعضای بدن پوشیده باشد و اگر اضطرار ایجاب کرد وجه و کفین را می‌توان مستثنا کرد. برای این امر هم می‌توان مبانی فقهی پیدا کرد و هم از قاعده عقلی بهره گرفت. البته باز هم یادآور می‌شویم که حجاب اضطراری، حجاب دینی نیست، یکی از موارد فقهی ماست که اگر حرجی برای خانمی ایجاد کند قاعده عسر و حرج حاکم است و اینجا وجه و کفین مستثنا می‌شود. این براساس حجاب اضطراری است نه براساس اینکه وجه و کفین در محدوده حجابتی نیست، حجاب شامل وجه و کفین نیز می‌شود. البته از نظر فقهی هر فرد باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند.

### مراتب حجاب

امروزه، برخی مسأله حداقل و حداکثر را در حجاب مطرح می‌کنند. با توجه به آیات و روایات اسلامی باید گفت که این طرز تفکر یک توطئه است، ما حجاب حداقلی و حداکثری نداریم. حرام، حرام است چه کم باشد چه زیاد، آیا در جایی از احکام شرع داریم که مثلاً شراب خوردن حداقلی و حداکثری دارد و حداقلی آن حلال و حداکثری آن حرام باشد؟ گفته می‌شود اگر دو قطره شراب خوردی حداقلی است و یک بطری حداکثری است؛ اما از نظر حرمت، آن دو قطره شراب به همان اندازه حرمت دارد که یک

---

۱- احزاب / ۵۹.

بطری آن حرمت دارد. در حجاب نیز مثل سایر احکام الهی ما حداقلی و حداکثری نداریم؛ در اینجا هم موضوع مشخص شده است و هم حکم معلوم است.

در اینجا باید یادآور شد که حجاب سلیقه‌ای نیز در اسلام پذیرفتنی نیست. تمام جزئیات حجاب در قرآن آمده و هیچ حکمی مثل حکم حجاب در قرآن نیامده است. آنجا که می‌فرماید: «ولا یضربن ارجلهن» یعنی حتی پا زدن «ولا تبرجن» یعنی اعضای بدنش علنی نشود، هیچ عضوی از اعضای بدنش نمایان نباشد، یعنی اینکه برهنه و برآمده نباشد، برآمدگی بدن او مشخص نباشد و یا ابداء زینت نکند. بنابراین تمام جزئیات حجاب در قرآن آمده است.

این حجاب، حجاب کامل است و غیر از این هر چه باشد بی‌حجابی است. به هر میزان غیر از این حجاب پایین‌تر بروید وارد عرصه بی‌حجابی شده‌اید. حجاب در حد کاملش مطلوب است و به هر مقدار از حد کاملش تنزل کند از واجب تنزل کرده است.

نکته قابل بیان در اینجا آن است که ما در احکام شرعی قواعد دیگری مانند قاعده اضطرار داریم، قاعده لاضرر و لاضرار داریم. بر اساس این وقاعد می‌توان تغییراتی در حجاب ایجاد کرد که البته این قواعد شامل همه احکام می‌شود، مثلاً اکل میته (خوردن مردار) که برای انسانی که از گرسنگی در حال مردن است، جایز می‌شود. در صورتی که همین کار در حالت عادی حرام است. ممکن است در شرایطی نیز باز کردن صورت و باز کردن بدن برای یک زن جایز باشد، اما این همان عمل به قاعده اضطرار است؛ به این نمی‌گویند

حجاب حداقلی؛ این اصلاً حجاب نیست، ولی در اینجا چون وجه شرعی دارد اشکالش برداشته شده است.

حجاب این است که هر قسمت از بدن که پوشیده نشود یک فعل حرام انجام شده است، مثلاً اگر فقط موی کسی دیده شود مثل این است که کسی چند قطره شراب بخورد، چه کم و چه زیاد هر دو حرام است. اما درباره موضوع مستحب که برخی می‌گویند امام آن را مشخص کرده است، نمی‌توان گفت حجاب در سطح بالا مستحب است. هر حکمی که شارع مقدس می‌فرماید کاملش مطلوب می‌باشد. حجاب یعنی فرد اکمل حجاب، نماز یعنی فرد اکمل نماز، روزه یعنی فرد اکمل روزه، و هر چه بخواهد تنازل پیدا کند، در صورت وجود یک عذر باید تنازل پیدا کند، یعنی باید در کنارش عذری باشد و اگر بی‌عذر باشد باید همان اصل‌ها را رعایت کنید.

بسیاری از حجاب‌های امروزی پذیرفتنی نیست و فقط رفع تکلیف است؛ در حدی که خدا فرد را عقاب نکند درست است، مانند کسی که نماز را می‌خواهد و فقط ظاهر آن را رعایت می‌کند. در اینجا رفع تکلیف شده اما آن نمازی که معراج مومن است محقق نشده است.

در نشریه خاتون، گونه‌ای از حجاب تبلیغ می‌شود که قابل ذکر است. این نشریه دو منطقه در حجاب را مطرح می‌کند و به تعبیری می‌خواهد سطح و حد حجاب را از مرز دینی آن کاهش داده، بدحجابی زنان جامعه را توجیه نماید. در جایی از این نشریه منطق حجاب را منطق غیرمستند دینی می‌داند؛ به طور مثال رنگ چادر را سوغات فرنگ ناصرالدین‌شاه

تلقی می‌کند و این رنگ را ایرانی نمی‌داند و می‌گوید این لباس ایرانی نیست. اما گفتیم که یک توطئه است و می‌خواهند بگویند ما دو جور حجاب داریم و این حجاب غیر مستند است، در صورتی که رنگ مشکی در تفسیر آیه قرآن آمده است.<sup>۱</sup>

### حدود حجاب و مسایل پزشکی

قاعده کلی در مسایل پزشکی این است که باید به بحث ضرورت توجه کرد و در صورت اضطرار و مساله حفظ جان و یا جایی که معالجه و درمان مرض مشروط به آن است که مردی دستش به بدن زن بخورد و یا بدن زن را ببیند، جایز است. ولی در امور زیبایی و جراحی‌های پلاستیک، مثل عمل کردن بینی و... یا یک سری کارهای پزشکی که در حدی نیست که درد و مرضی را دفع کند یا فرد را از مرگ نجات دهد آنجا را نمی‌توان اضطرار پزشکی دانست و جایی که ضرورت و اضطرار ایجاد نمی‌کند جایز نیست که مرد نامحرمی به زن دست بزند و یا قسمتی از بدن او را ببیند.

البته باید توجه کرد در زمان اضطرار هم باید در حد امکان محدوده شرعی پوشش رعایت شود، یعنی تمام بدن به جز همان قسمتی که جراحی می‌شود پوشانده شود. نکته قابل توجه دیگر هم این است که در زمان اضطرار تکلیف از عهده یک خانم ساقط است و تکلیف به عهده دیگران تعلق می‌گیرد، یعنی وقتی خانمی را به اتاق عمل جراحی می‌برند و بیهوش می‌کنند، پس از بیهوشی زن هیچ تکلیف برای پوشش خود ندارد و اگر آنجا پوشش حفظ نشود مربوط به کسی است که دست به این عمل زده است.

---

۱- بنگرید به فصل دوم، تفسیر آیات حجاب.

حاصل آنکه فقط در زمان اضطرار می‌توان برای مساله حجاب مراتبی در نظر گرفت؛ اما در غیر این‌گونه موارد، یعنی موقعیت‌های اجتماعی غیرضروری مجوز تغییر حجاب وجود ندارد و این نشانگر عدم درجه‌بندی حجاب در اسلام است.

### نوع پوشش

اسلام جز چادر (جلباب) برای حجاب هیچ پوشش خاصی مطرح نکرده است. بنابراین، خانم‌ها باید چادر بپوشند یا لباس سراسری که تمام بدن آنها را بپوشاند که این نوع پوشش در ایران چادر و در بعضی کشورهای اسلامی دیگر عبا می‌باشد. اگر جایی هم لباسی مثل چادر و عبا معمول نیست یا جایی می‌باشد که در خارج از قلمرو اسلام است، طبیعتاً باید از حجابی استفاده شود که در محلی که زمانی تابع اسلام بوده استفاده می‌شده است. لذا عنوان یا اسم پوشش مهم نیست که چادر باشد یا عبا یا شی دیگری، بلکه ویژگی آن در پوشاندن تمام بدن موضوعیت دارد.

گاهی گفته می‌شود استفاده از چادر در برخی مناطق موجب تمسخر یا وهن می‌گردد، پس ما نوع دیگری را برمی‌گزینیم. این استدلال وجه عقلانی و شرعی ندارد، مگر زمانی که به عنوان مثال خانمی در یک کشور خارجی که اصلاً با حجاب مانوس نیست بخواهد چادر مشکی بر سر کند و مورد وهن و تمسخر قرار گیرد که در این وضعیت او می‌تواند در عین رعایت حدود شرعی حجاب، از نوع پوشش مناسب آن منطقه استفاده کند. برای مثال، یک اسکیمو در منطقه خودشان می‌تواند با همان لباس اسکیمویی حجابش را حفظ کند.

البته باید به علل و عوامل «وهن» نیز توجه داشت؛ گاهی به سبب عدم شناخت حجاب، پوششی مورد وهن واقع می‌شود، ولی گاهی به سببمقابله با حجاب و نپذیرفتن آن، پوشش خانم مورد وهن قرار می‌گیرد. مورد اول همان است که بیان شد اما مورد دوم، مصداق وهن نیست بلکه یک نوع مبارزه با حجاب است. به طور مثال اگر فردی برای تفریح به کنار دریا برود در حالی که چادر مشکی دارد و به او متلک گفته شود؛ این وهن نیست، زیرا آنها حجاب را می‌شناسند ولی می‌خواهند با آن مقابله کنند. در اینجا چون مقام مبارزه است، فرد باید بر پوشش اسلامی خود پایدار بماند و در مقام ترویج این ارزش دینی ایستادگی نموده، به توهین این افراد مغرض، وقعی ننهد. بنابراین، به سبب ترس این نوع برخورد ناشایست نمی‌توان پوشش شرعی را تغییر داد.

نکته پایانی در بحث استفاده از پوشیه است که برخی از آن استفاده می‌نمایند. پوشیه لباسی است که برای پوشش بیشتر و راحتی در رعایت حجاب به کار می‌رود، ولی جزء حدود شرعی حجاب نیست.

### نقش سن در تعیین حدود پوشش

#### پوشش دختران قبل از تکلیف

برخورداری از آرامش روانی حاصل از آموزه‌های دینی به ویژه حجاب، امری است که نمی‌توان پس از طی شدن دوران کودکی و تثبیت شخصیت آن را در فرد نهادینه کرد. در نظام‌های تربیتی، بهترین زمان برای ارایه مسائل دینی را سن کودکی می‌دانند؛ چرا که کودک آمادگی پذیرش فوق‌العاده‌ای دارد. امام صادق(ع) فرمودند: «علیکم بالاحداث لانهم



اسرع الی کل خیر»<sup>۱</sup> شما را توصیه می‌کنم به کودکان و نوجوانان چرا که آنان برای حرکت به سوی خوبی‌ها پرسرعت‌تر عمل می‌کنند.

بنابراین باید آموزش مبانی حجاب را نیز از کودکی و با شیوه‌های متناسب آغاز کرد و از همان ابتدا تمرینات لازم را به کودک آموزش داد. تربیت دوران کودکی باید با توجه به الگوهای خاص و ویژه این دوران همراه باشد و طبیعی است که الگوهای دوران کودکی، به طور عمده از مولفه‌های عاطفی به جای گزاره‌های عقلانی بهره می‌برند. لذا با جایگزینی گزاره‌های واقع‌گرایانه بزرگسالان، رمز و رازهای موجود در خیال‌پردازی‌های کودکان، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند.

استفاده از اسباب‌بازی‌ها در انتقال مفاهیم عفاف و حجاب و نهادینه‌سازی آنها نقش اساسی ایفا می‌کند. عروسک، بالاترین نقش تربیتی را به ویژه در شکل‌دهی و پایه‌ریزی شخصیت دختران دارد. بنابراین از این منظر، نقش عروسک یک اسباب‌بازی است که نقش آن در تهاجم فرهنگی ظهور و بروز پیدا می‌کند و در اینجا نیز می‌توان رد پای جنگ نرم دشمن را شاهد بود.

متولیان امور فرهنگی در جامعه به ویژه در مهدکودک‌ها و مدارس ابتدایی باید از کودکی ضرورت و فلسفه حجاب، فواید فردی و اجتماعی، آثار بی‌حجابی و... را با روش‌های صحیح به کودکان آموزش دهند تا شخصیت فرد که در سنین بالاتر شکل می‌گیرد بر همین بنیان‌ها استوار شود و آثار آن در اخلاق و رفتار فرد متجلی گردد.

---

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۹۳.

متأسفانه برخی والدین به سبب تساهل و تسامح در امور دینی، از آموزش دقیق مسایل دینی به فرزندان خود در خردسالی غفلت می‌کنند و زمانی که بچه به سن بلوغ می‌رسد و تکلیف شرعی او آغاز می‌شود، آموزش را به صورت فشرده و سخت شروع می‌کنند و انتظار دارند این آموزش‌ها در نوجوان موثر افتد در حالی که این زمان برای آغاز آموزش دیر است. لذا به حکم عقل و شرع، درونی کردن تعالیم دین و قرآن و انتقال آموزه‌های دینی باید از کودکی آغاز گردد.

### پوشش زنان در سالخوردگی

با توجه به اهمیت و جایگاه حجاب در اسلام و فلسفه‌های پوشش دینی، به طور مسلم حکم حجاب پابرجاست و پایبندی به آن ضروری است. اما از آنجایی که اسلام دین منطقی و عقلانی است، در شرایطی همین پوشش و حکم ضروری آن را با استثنائاتی مطرح می‌کند.

برای مثال، در بحث تسهیل تکلیف، حدود پوشش را برای زنان سالخورده تغییر می‌دهد. در سوره نور این مساله بدین صورت آمده است: «والقواعد من النساء اللاتى لا یرجون نکاحا فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة و ان یرتفعفن خیر لهن و الله سمیع علیم»<sup>۱</sup> و بر زنان از کار افتاده‌ای که دیگر امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند به شرطی که زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناست.

---

۱- نور/ ۶۰.

لذا برداشتن پوشش برای زنان سالخورده با شرط امید نداشتن به ازدواج‌شان و عدم بهره‌گیری از زینت جایز است و آنان، می‌توانند تا حدی حدود پوشش اسلامی را کاهش دهند و جایز است روسری خود را بردارند.

اما نکته قابل توجه این است که در ادامه آیه با وجود این استثنا می‌فرماید برای زنان سالخورده با وجود اجازه‌ای که دارند، شایسته‌تر است عفت پیشه کنند و خود را بپوشانند. این آیه نشان‌دهنده آن است که نپوشاندن سر و موها در زنان و دختران جوان خلاف عفت است. بنابراین این اندیشه که در بین برخی زنان و دختران نفوذ کرده است و حجاب و چادر را مخصوص پیرزنان می‌دانند، اندیشه‌ای موهوم و شیطنی است چرا که به طور صریح مخالف نظر قرآن است.

### حدود پوشش از منظر سنت

آنچه از روایات در بیان حدود پوشش فهمیده می‌شود همان چیزی است که در راستای آیات قرآن قرار دارد، یعنی روایات هم پوشش تمام بدن بانوان را واجب شمرده و صورت و دست‌ها را استثنا کرده است. به طور مثال می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد:

البزنطی عن الرضا عليه السلام قال: «سألته عن الرجل يحل له ان ينظر الى شعر اخت امراته؟ فقال: لا الا ان تكون من القواعد. قلت له اخت امراته و الغریبه سواء؟ قال: نعم، قلت: فما لی من النظر اليه منها؟ فقال: شعرها و ذراعها»<sup>۱</sup> احمد بن ابی نصر بزنطی - که از اصحاب عالی‌قدر حضرت رضا(ع) است - می‌گوید از حضرت رضا - سوال کردم آیا برای مرد

---

۱- حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۲۵۴۲۰.

جایز است که به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمود: نه، مگر اینکه سالخورده باشد. گفتم: پس خواهر زن و بیگانه یکی است؟ فرمود بلی. گفتم: در مورد سالخورده چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟ فرمود به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می توانی نگاه کنی. در توضیح باید گفت آنچه در این روایت درباره آن سوال شده «مو» است نه «چهره» و به خوبی روشن است که مستثنا بودن چهره، نزد طرفین مسلم بوده است و هرگز نمی شود احتمال داد که مثلاً در مورد زنان سالخورده نگاه به مو و ذراع جایز باشد و نگاه به صورت نه، در حالی که در جواب سوال از مقداری که نظر به آن جایز است، چهره ذکر نشده است.

در روایت دیگری آمده است «مسعده بن زراره قال: سمعت جعفرأ و سئل عما تظهر المرأه من زینتها- قال(ع) الوجه و الکفین»<sup>۱</sup> مسعده بن زراره از حضرت صادق(ع) نقل می کند که وقتی از حضرت درباره زینت مجاز برای زن سوال شد، فرمود: چهره و دو کف.

### حدود پوشش از نظر عقل

حجاب و پوشش بانوان دارای فلسفه، حکمت و کارکردهایی است که در فصل سوم به آن پرداخته شد. با توجه به آثار و فوایدی که بر حجاب بانوان مترتب است مسلماً هر اندازه بدن زن پوشیده تر باشد، این آثار و کارکردها بهتر تحقق خواهند یافت.

از سوی دیگر، عقلی که ضرورت پیروی از قوانین الهی را برای بشر در زندگی لازم می داند، همان عقل رجوع جاهل به عالم را ضروری دانسته، انسان را در مواردی که

---

۱- الحمیری، ابی العباس عبدالله بن جعفر الحمیری، قرب الاسناد، ص ۲۴۰.

آگاهی کافی ندارد به متخصص ارجاع می‌دهد. در موضوع حدود پوشش چون مساله‌ای جزئی است و عقل مدرک کلیات است، خود عقل انسان را به حکم شارع مقدس ارجاع می‌دهد و تبعیت از آن را لازم می‌داند. پس به حکم عقل حدود حجاب همان است که در شرع مقدس آمده است.

نگاه آلوده، تیر زهرآلود شیطان است. چنان که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «ایاکم و النظر فانه سهم من سهام ابلیس».<sup>۱</sup> پوشش زن همانند قوسی است که تیرها را کمانه می‌کند و از اصابت آنها به هدف باز می‌دارد. هر اندازه حجاب کمتر رعایت شود، تیره‌های شیطانی بیشتر متوجه او می‌گردد و از آن آسیب می‌بیند. با توجه به این امر چادر حجاب برتر است، زیرا با وجود شرایط دیگر، بیشترین پوشش و مطمئن‌ترین مصونیت را به همراه دارد.

## رنگ لباس

رنگ لباس را نمی‌توان محدود کرد زیرا ما هیچ دلیل شرعی برای محدودیت رنگ لباس نداریم. مگر آنکه رنگ مهیج و مفسده‌انگیزه باشد. اما در مورد چادر و عبا رنگ مشکی مدنظر است که هم در قرآن آمده است و هم طبق روایت ام‌سلمه، چادر رنگ مشکی مورد تایید پیغمبر (ص) است. بنابراین، رنگ مشکی برای چادر موضوعیت دارد، زیرا در روایت آمده است که پیغمبر (ص) زن‌های انصار را با پوشش‌های مشکی تفقد کردند.

---

۱- شیخ حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۰.

## مدل لباس

مدل لباس را نیز همانند رنگ آن نمی‌توان محدود کرد یا در مورد آن سلیقه‌ای برخورد نمود، بلکه فقط در مدل‌های جدید و نوگرایی‌ها باید توجه شود که لباس چسبان، مهیج و خلاف شأن انسان نباشد.

چادرهای امروزی اگر اندام‌ها و برآمدگی‌های بدن را بپوشانند می‌توانند پوشش خوبی محسوب شوند، اما برخی مدل‌های آن که حجم بدن را نمایان می‌سازند و یا چسبان هستند نمی‌توانند کفایت از حجاب اسلامی کنند. امتیاز چادر این است که حجم بدن را نشان نمی‌دهد.

بنابراین مدلی که می‌خواهند درست کنند باید طوری باشد که حجم بدن را نشان ندهد و حجم بدن معلوم نباشد حالا مدل آن هر چه می‌خواهد باشد. البته باید توجه داشت که منظور از حجم بدن، معمول حجم بدن است.

## فصل پنجم

### حجاب‌گرایی و حجاب‌گریزی

#### مقدمه

یکی از ارزش‌هایی که در جامعه و فرهنگ دینی قابل تغییر و تنازل نیست، ارزش حجاب برای زن است.

حجاب به عنوان یک اصل ارزشی و فریضه الهی در جامعه مطرح است. همواره عواملی وجود دارند که این ارزش را تقویت یا تضعیف نموده، باعث یا مانع ترویج آن می‌گردند.

حجاب‌گرایی و حجاب‌گریزی هر یک علل و عواملی دارد که با شناخت آن می‌توان راهکار مناسبی نیز برای تقویت حجاب یا مقابله با بی‌حجابی ارائه کرد.

در این فصل عوامل موثر بر حجاب‌گرایی و حجاب‌گریزی را بررسی نموده، متناسب با هر یک، راهکارهایی ارائه می‌کنیم.

#### عوامل موثر بر حجاب‌گرایی

##### ۱. مراکز آموزشی

##### الف) آموزش و پرورش

نهاد آموزش و پرورش که متولی امر تعلیم و تربیت است، نقش ویژه‌ای در ایجاد رغبت به حجاب و پوشش دارد. مسوولان آموزش و پرورش وظیفه دارند با فراهم آوردن

پشتوانه‌های فکری و حمایت‌های مالی برای معلمان زمینه فراغت و رسیدگی صحیح به دانش‌آموزان را مهیا سازند.

مدیران مدارس باید با تمام دقت برای پوشش دانش‌آموزان برنامه‌ریزی داشته باشند و ضمن توجه دادن دانش‌آموزان به مبانی دینی با مستندات علمی و اسلامی، موجبات گرایش قلبی دانش‌آموزان را به حجاب فراهم کنند. معلمان نیز به عنوان موثرترین افرادی که ارتباط چهره به چهره با دانش‌آموزان دارند می‌بایست ضمن آگاهی دادن به دانش‌آموزان درباره حجاب و پاسخ به سوالاتشان در این مورد، خود نیز الگوی عملی و نمونه کاملی برای رعایت حجاب باشند. بنابراین، شایسته است مسوولان آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی‌های دقیق به دنبال شکل‌گیری یک نهضت جدی نظیر اجرای طرح‌های خاص عفاف و حجاب باشند.

انجمن اولیا نیز باید در تمام مسایل فرهنگی - تربیتی مدرسه دخالت و حضور پررنگ‌تری داشته باشند. زیرا متولیان آموزش و پرورش مدعی‌اند تمام چالش‌های فرهنگی داخل مدارس، به بی‌توجهی پدران و مادران برمی‌گردد، به طوری که والدین تمام امور تربیت فرزندان را به مدارس واگذار کرده‌اند. والدین باید توجه داشته باشند که می‌توانند نقش سازنده‌ای در بهبود وضعیت آموزش و پرورش فرزندانشان داشته باشند.

## ب) آموزش عالی

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز عاملی اثرگذار در ترویج فرهنگ حجاب می‌باشند، اما این اثرگذاری در صورت ایفای صحیح نقش این مراکز امکان‌پذیر خواهد بود. در این



راستا مجموعه‌ای از اقدامات می‌تواند اثرگذاری فعالیت‌های این نهاد را بیشتر کند، از جمله این اقدامات می‌توان به تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها اشاره کرد که البته نقش مردم در به ثمر رسیدن این اقدام، بسیار پررنگ خواهد بود.

متأسفانه، گاهی دستگاه‌های دولتی بدون توجه به تاثیرات مثبت طرح تفکیک جنسیتی با این طرح مخالف نموده، عقب‌نشینی می‌کنند.

طرح تفکیک جنسیتی طرح حساب شده‌ای است که در روایات هم مطرح شده، از جمله در روایتی از: امام موسی کاظم (ع) آمده است که: «لا ینبغی للمراه ان تمشی فی وسط الطريق ولکن تمشی الی جانب الحائط»<sup>۱</sup> زنان بهتر است که از کنار جاده راه روند و از وسط جاده حرکت نکنند، زیرا این کار کمتر موجب اختلاط زن و مرد است و از این می‌توان نتیجه گرفت که اسلام با دو بخش کردن مجامع عمومی موافق است.

از جمله آفات اختلاط این است که دختر و پسر جوانی که در اوج غریزه جنسی و در مرحله حساس انتخاب همسر و ازدواج قرار دارند و هر لحظه ممکن است نگاهشان به جنس مخالف معطوف شود، سر یک کلاس کنار هم می‌نشینند و در نتیجه ممکن است صدها امر حرام صورت گیرد.

نهادهایی همچون بسیج دانشجویی و اساتید که مرزداران ارزش‌های اسلامی هستند و نهاد مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) که مرکز تحقق مطالبات رهبری در دانشگاه‌ها می‌باشند، می‌توانند در تبیین و تعمیق این مساله نقش اثرگذاری داشته باشند. در کنار این امور

---

۱- حر عاملی، محمدبن‌الحسن، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۲.

دختران و پسران متعهد و متدین دانشجو و اساتید اندیشمند متدین نیز می‌بایست با حرکت مبتنی بر ایمان و اراده به حمایت از این گونه طرح‌ها پردازند.

## ۲. صدا و سیما

رسانه ملی یکی از عوامل موثر در فرهنگ‌سازی است و نهادینه‌سازی آداب و ارزش‌های اسلامی یکی از وظایف مهم این رسانه می‌باشد.

صدا و سیما و به ویژه سیما، تاثیر عمیقی بر زندگی مردم دارد و این تاثیر گاهی به صورت سطحی و گاهی به صورت عمیق در تفکرات آنان رسوخ پیدا می‌کند. متأسفانه رعایت شئون و حدود حجاب، نحوه برخورد زن و مرد و شیوه صحبت کردن و بسیاری دیگر از مواردی که در دین به عنوان یک ارزش محسوب می‌شوند در صدا و سیما دستخوش انحراف شده‌اند و این خود تاثیر نامناسبی بر فرهنگ دینی خواهد داشت و موجبات سردرگمی دینی مردم را فراهم می‌کند.

از آنجایی که یکی از بهترین راه‌های فرهنگ‌سازی، ترویج غیرمستقیم فرهنگ و مبانی دینی از راه نمایش فیلم‌ها و سریال‌هایی با پشتوانه معرفت‌شناسی دینی است، صدا و سیما باید حرکتی صحیح و جدی را در این مسیر آغاز کند و آن را ادامه دهد. البته قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده، اما متأسفانه نظارت کامل و پیگیری دقیق از نظر مسائل دینی در فیلم‌ها و سریال‌ها صورت نگرفته است و گاه دیده می‌شود که این فیلم‌ها و سریال‌ها با مبانی دینی سازگاری ندارند.

صدا و سیما در نقش یک دانشگاه باید برای مردم و به ویژه جوانان الگوی عملی باشد، ولی مشاهده می‌شود که پوشش اسلامی به معنای واقعی آن در برنامه‌های مختلف این رسانه ملی رعایت نمی‌شود.

### ۳. خانواده

خانواده به عنوان اولین و مهمترین رکن در آموزش و نهادینه کردن مسائل دینی و تربیتی در افراد بیشترین و حساس‌ترین نقش را بر عهده دارد. به کارگیری روش صحیح در تربیت فرزند و برخورداری جامعه از افراد فهیم و خودساخته باعث می‌شود پیشرفت جامعه در جهات مختلف آسان‌تر و سریع‌تر صورت گیرد.

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «الولد سید سبع سنین، و عبد سبع سنین، و وزیر سبع سنین»<sup>۱</sup> بچه‌های شما سه فصل دارند: هفت سال اول اینها امیر شما در خانه هستند و تا هفت سالگی قابل تربیت نیستند. در خانه حکومت می‌کنند و باید تابع آنها بود. هفت سال دوم بچه‌ها باید تربیت شوند و هفت سال سوم وزیر هستند.

با توجه به اهمیت تربیت‌پذیری فرزندان در هفت سال دوم، والدین فرزند را از خود جدا کرده، به مدرسه می‌فرستند در حالی که هیچ تسلطی بر آن میحط ندارند و از آن بی‌اطلاع‌اند؛ از سوی دیگر درصدد تعامل سازنده و نظارت پویا نیز بر نمی‌آیند.

بی‌حجابی در جامعه آتش سوزنده‌ای است که ایمان نسل جوان را خاکستر می‌کند و والدین نباید در برابر توسعه بی‌حجابی بی‌تفاوت باشند.

---

۱- فلسفی، محمدتقی، الحدیث، ج ۳، ص ۱۰۳.

عدم رعایت ارتباط زن و مرد با یکدیگر در خانواده، نشست‌های فامیلی یا رفت‌وآمدها، جرعه‌ای است در جهت خدشه‌دار نمودن حریم خصوصی افراد، خانواده را تا جایی پیش می‌برد که به بلا و آفت بنیان کن زندگی و رابطه نامشروع مبتلا خواهد کرد.

اگر خانمی در یک مجلس فامیلی و در مقابل مردهای نامحرم و ابستگان خود، حجاب را رعایت نکند مسلماً بی‌حجابی توسعه پیدا می‌کند و این خود زمینه را برای بی‌حجاب ظاهر شدن در کوچه و بازار فراهم می‌نماید و او را به عنصری بی‌حجاب و بی‌بندوبار تبدیل می‌کند. این رشته ادامه‌اش به جایی می‌رسد که ممکن است با برقراری رابطه نامشروع عفت، عصمت، پاکی، طهارت و امنیت خانواده از بین برود و مرز امنیت خانوادگی به کلی منهدم شود.

اگر گفته شود این فرد بی‌حجاب دل پاکی دارد باید گفت که رعایت نکردن حجاب با قلب پاک نمی‌سازد. اگر قلب او پاک نیز باشد، بی‌حجابی بر پاکی قلب او اثر منفی خواهد گذاشت.

#### ۴. مبلغان دینی

تبلیغ یکی از اموری است که در گرایش به حجاب و عفاف تاثیر بسزایی دارد. مبلغات عرصه امور دینی و فرهنگی برای تبیین و نهادینه کردن حجاب و عفاف می‌بایست خود را به ابزارهای لازم در این زمینه مجهز کنند که نخستین و مهم‌ترین آنها بالا بردن سطح دانش و معلومات نسبت به مقوله حجاب است. در درجه دوم برخورداری از توانایی شایسته، بیان نمودن محتوا و برقرار کردن ارتباط صحیح و صمیمانه با مخاطب است.

مبلغان، سخنرانان، مداحان، مرثیه‌سرایان و همه افرادی که با نفوذ کلامشان مردم را در مسیر تعمیق معارف یاری می‌رسانند، می‌بایست مساله ترویج حجاب و عفت و مقابله با بی‌حجابی را در اولویت برنامه‌های تبلیغی خود قرار دهند؛ آنان باید از مبانی معرفتی، هنری و احساسی استفاده کرده، میان ارزش‌ها و الگوهای دینی با مسائل روز به ویژه حجاب و عفاف ارتباط برقرار نمایند. برای مثال، مرثیه‌سرا یا مبلغی که در ایام دهه فاطمیه در بیان مناقب و روضه‌خوانی صدیقه اطهر(س) قرار دارد می‌توان حجاب حضرت فاطمه(س) و نهی از بی‌حجابی را به مخاطبان یادآوری کند.

## ۵. دولت و نیروی انتظامی

هنجارها را باید با کار فرهنگی نهادینه و تثبیت نمود و ناهنجاری‌ها باید با قدرت، براندازی گردد. منشأ ناهنجاری‌ها بی‌حجابی زنان است. دولت اسلامی و منتظر مصلح کل جهان وظیفه دارد ناهنجاری‌های اجتماعی را از بدنه جامعه بزدايد و پلیس که نماد اقتدار این نظام و دولت است باید با این هنجارشکنی مقابله کند.

نکته قابل توجه این است که مساله‌ای به نام بدحجاب وجود ندارد چرا که فرد یا با حجاب است یا بی‌حجاب. در دستگاه قضایی و نیروی انتظامی برای مقابله با بی‌حجابی قانون وجود دارد.<sup>۱</sup> پس بی‌حجابی جرم و بی‌حجاب مجرم و قابل تعقیب است و هر دستگاهی از دستگاه‌های اجرایی و قضایی کشور نیز که این قانون را اجرا نکند خود،

---

۱- در شورای انقلاب فرهنگی در سال ۸۵ برای مقابله با بی‌حجابی طرح عفاف و حجاب تصویب شد که برای همه دستگاه‌های اجرایی کشور وظیفه معین گردید. مصوبه شورای انقلاب فرهنگی عین مصوبه مجلس، قانونی است. این مصوبه ۲۱ وظیفه برای نیروی انتظامی تعیین کرده است.

متخلف شمرده می‌شود. البته باید توجه داشت که اجرای طرح عفاف و حجاب از مطالبات رهبری و مردم غیرتمند ایران است.

امنیت سه بعد دارد: امنیت جان، امنیت مال و امنیت عرض و عفت عمومی. امروز برای خانواده‌های ارزشی این مملکت، امنیت عفت عمومی از امنیت جان ضروری‌تر است. انسان‌ها حاضرند جان بدهند ولی ناموسشان در مخاطره قرار نگیرد. نیروی انتظامی که عامل برقراری نظم و امنیت در اجتماع و نیروی بازدارنده از بزهکاری و ناهنجاری است باید بکوشد با اقتدار اقدامات موجهی را در مبارزه با بی‌حجابی به انجام برساند. البته رعایت مراتب و به کارگیری اصول صحیح را باید مدنظر داشته باشد.

شاید برخی به این نحوه برخورد اعتراض کنند که در پاسخ باید گفت: آیا امنیت‌شکن، خشن است یا کسی که در مقابله با امنیت شکن امنیت را حفظ می‌کند؟ اگر عنصری مسلحانه به فردی حمله کند و مردم را بکشد آیا او مرتکب خشونت شده است یا ماموری که دست او را بگیرد و تحویل دستگاه قضایی بدهد تا او را به کیفر برساند؟ بنابراین، رفتار نیروی انتظامی در برخورد با بی‌حجاب در صورتی که صحیح و اصولی باشد نه تنها خشونت نیست، بلکه موجب برقراری امنیت و عفت عمومی جامعه می‌گردد و یک ضرورت است.

عملیات و تلاش‌های نیروی انتظامی در خور ستایش است، ولی به نظر می‌رسد این اقدامات کافی نیست و نیاز به تلاش بیشتر و استفاده روش‌های بدیع‌تری برای سوق دادن افراد بی‌حجاب به سمت حجاب می‌باشد.

ماموران نیروی انتظامی باید در قبال مصادیق بی‌بندوباری و بی‌عفتی، مثل پوشیدن لباس‌های خلاف شرع و عرف، دوچرخه‌سواری زنان در معابر و... بی‌تفاوت نباشند. اگر دستگاه‌های ارتقای امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم در مقابل مساله دوچرخه‌سواری دختران و زنان بی‌تفاوتی پیشه کنند، جامعه گرفتار عواقب سوء این اقدام ناهنجار خواهد شد.

بنابراین تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بایستی با یک هدف و آن هم رضایت خداوند متعال صورت گیرد. وظیفه دولت برقراری و ارتقای امنیت اجتماعی در کشور است و بایستی دولت و نیروی انتظامی با یک حرکت قاطعانه و هماهنگ ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله بی‌حجابی را بزدايند.

## ۶. اصناف

مبارزه با بی‌حجابی، تنها به این نیست که فرد بی‌حجاب بازداشت شود بلکه باید اقدامات اساسی و ریشه‌ای صورت گیرد. یکی از این اقدامات ریشه‌ای نوع سیاست‌گذاری وزارت بازرگانی و اتخاذ تدابیر لازم در این وزارتخانه برای ارائه پوشاک مناسب است.

متأسفانه امروزه لباس‌ها و پوشش‌هایی وارد بازار شده است که در شأن بانوان مسلمان نیست، به علاوه آنکه دشمنان مدل آنها را طراحی کرده‌اند. بنابراین، جامعه اصناف پوشاک نباید برای کسب سود بیشتر این نوع لباس‌ها را عرضه کند و خود را دستمایه توطئه‌های دشمن قرار دهد بلکه با بهره‌گیری از طراحان خلاق و خیاطان هنرمند و ماهر، لباس‌هایی طراحی نمایند که به حفظ ارزش‌های اسلامی و دینی در جامعه کمک کند.

مسوولان اصناف باید با نظارت و احاطه کامل بر عملکرد زیر مجموعه خود از ورود کالاهای قاچاق، به ویژه پوشاک غربی مخالف با فرهنگ دینی و ملی، جلوگیری کنند. همچنین با ارائه دستورالعمل واحدی به فروشندگان، مانع از فروش لباس‌های نامناسب شوند و نیز آنان را از پذیرش زنان بی‌حجاب و بی‌تفاوت بودن نسبت به این مشتریان منع کنند.

### راهکارهای موثر بر حجاب‌گرایی

#### ۱. امر به معروف و نهی از منکر

همانطور که گفته شد حجاب یکی از باارزش‌ترین دستوراتی است که حتی کشورهای غیراسلامی هم به اهمیت آن رسیده‌اند و از اجرای آن در کشورهای خود به جهت حفظ منافع مادی بیمناک‌اند. بنابراین، جامعه اسلامی بایستی این سرمایه الهی را پاس دارد و در حفظ آن بکوشد و با مظاهر بی‌حجابی مقابله کند.

یکی از مهمترین راه‌های حفظ این ارزش براساس تعالیم دینی، فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر است. انسان متدین نمی‌تواند به انجام دادن ظواهر واجبات شرعی در حوزه زندگی فردی‌اش اکتفا کند و در عرصه زندگی اجتماعی نسبت به منکرات بی‌تفاوت باشد. امام باقر(ع) در حدیث شریفی اهل تقوا و پرهیزکاران را افرادی متعهد معرفی می‌کند که دغدغه مسایل اجتماعی را دارند؛ حضرت می‌فرماید: اهل تقوا کسانی‌اند که بر سر زبان آنها به صورت مستمر، توصیه به اجرای فرمان الهی است و در عرصه مسوولیت و دغدغه زندگی نیز به برپاداری امر و فرمان خدا قیام می‌کنند.



امام صادق(ع) می‌فرماید: «قوالون بامر الله و قوامون علی امر الله»<sup>۱</sup>

در این بیان امام صادق(ع)، دو عنصر در مقام تحقق امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه افراد متقی و پرهیزکار و مولفه و شاخصه اهل تقوا معرفی شده است. نخست استخدام زبان و سخن در جریان امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر زبانی مردم اصلاح وسیع و گسترده‌ای را در جامعه در پی خواهد داشت.

عنصر دوم «قوامون بامرالله» است، یعنی آدم با تقوا علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر زبانی که موجب توسعه و گسترش امر خدا می‌شود در عمل نیز باید به اقامه امرالله و اقامه احکام او بپردازد. بنابراین حدود الهی به وسیله فرد با تقوا در جامعه اجرا می‌شود.

خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید: «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و ماواهم جهنم و بئس المصیر»<sup>۲</sup> آی پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی دارند.

زن بی‌حجاب و بی‌بندوبار که امنیت ناموس جامعه را به هم می‌زند مظهر نفاق و مخالفت با خدا و پیغمبر خداست، لذا بایستی با او مقابله کرد. در این راه همه مسوول‌اند؛ هم مردم و هم دستگاه‌های اجرایی باید حرکت جدی برای اجرایی امر به معروف و نهی از منکر انجام بدهند.

حال باید دید منظور از معروف و منکر چیست؟ معروف یعنی هدف‌های مثبت دین و منکر یعنی هدف‌های منفی دین.

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۶.

۲- توبه / ۷۳.

در جامعه دو نوع هدف داریم: هدف‌های مثبت (دینی)، هدف‌های منفی (شیطانی).

هدف‌های مثبت (دینی) عبارتند از:

- جامعه را بنده خدا ساختن؛

- مردم را به راه عبودیت و بندگی خدا سوق دادن؛

- روح عبارت را در بین آنان تقویت کردن؛

- و جریان حاکم ارتباطی بین انسان‌ها را براساس عواطف و احساسات انسانی و

دینی قرار دادن.

در جامعه‌ای که هدف‌های مثبت دینی اجرا می‌شود، ارتباطات بین مردم براساس عواطف

و احساسات انسانی و دینی است. بخش مهمی از امر به معروف و نهی از منکر نیز اقامه

هدف‌های مثبت دینی و ترویج آن است.

هدف‌های منفی (شیطانی) عبارتند از:

- تبدیل کردن جامعه به یک جنگل؛

- مردم را به صورت موجوداتی درنده به جان هم انداختن؛

- و انسان‌ها را در مسیر تامین منافع و لذایذ نفسانی و شهوانی‌شان قرار دادن.

زمانی که روابط بین مردم براساس هدف‌های شیطانی و منفی شکل گرفته باشد، جامعه به

انحطاط کشیده می‌شود و هرگز آرامشی نخواهد داشت.

امر به معروف و نهی از منکر روش اجرایی خاص خود را دارد که باید در هر زمان و

مکان و هر موردی با نظام و روش خاص خودش پیاده شود. امر به معروف و نهی از منکر

در زمینه ترویج حجاب این نیست که به زن بدحجاب بگوییم صورتت را بپوشان و او هم معترض شود. نباید مطلب به این سادگی و آسانی انجام شود، بلکه باید به دنبال آموزش، تحقیق و کسب مهارت‌های لازم برای برخورد صحیح با این منکر رفت. باید روش برخورد با بی‌حجابی را شناخت و باید دریافت چگونه جلوی این منکر شرعی را می‌توان گرفت تا بتوان با نهی از آن، منکر را ریشه کن کرد. نکته قابل توجه این است که باید از تمام وسایل مشروع برای اجرای هدف‌های مثبت، مانند: پول، آبرو، قدرت، مقام، اجرای برنامه روانکاو، اجرای تبلیغات خاص روانی و... استفاده کرد.

امام حسین(ع) می‌فرماید: «ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر» در این بیان ابی‌عبدالله(ع) نکته لطیفی نهفته است. حضرت نمی‌فرماید: «انما خرجت لطلب اصلاح فی امه جدی آمر بالمعروف و انهی عن المنکر» من برای طلب اصلاح امت جدم قیام کردم و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم. می‌فرمایند: «ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر»، یعنی امر به معروف و نهی از منکر فریضه الهی و واجب شرعی است.

امام حسین(ع) چگونه امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ ایشان برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر دو اقدام انجام داد: نخست آنکه مسیری انتخاب نمود و برنامه‌ای را اجرا کرد که تمام منکرات در تمام اعصار و مکان‌ها منفور شود و منطق واقعی گنهکاران آشکار گردد.

اقدام دوم بهره‌گیری از عامل عاطفه بود؛ حضرت برنامه خود را به گونه‌ای پیش برد که نه تنها مردم، بد را شناختند بلکه از نظر عاطفی، بد تا ابد و در بستر تاریخ در کانون نفرت

مردم قرار گرفت. آن امام برای اجرای این دو برنامه تا کشته شدن خود و خانواده خود هم پیش رفت.

در آن زمان کسی نفهمید چرا امام حسین (ع) بچه شیرخوار<sup>۱</sup> خود را از آغوش مادر جدا کرد و به میدان جنگ آورد. اما می‌توان نتیجه گرفت که شکم چران‌ها، شهوتران‌ها، خوش‌گذران‌ها و عناصری که فرامین خدا را برای پول و درآمد زیر پا می‌گذارند و مجری و مروج همه محرمات الهی می‌شوند، در باطن حرمله صفت هستند؛ حرمله‌ای که از کشتن یک بچه شیرخواره باکی نداشت.

امام زین‌العابدین (ع) در حدیثی فرمود: موسی بن عمران (ع) به درگاه خدا عرض کرد: خدایا در ظل عرش و صحرای قیامت آن جایی که حرارت خورشید تمام صحنه را فرا گرفته است و انسان‌ها در برابر این گداختگی خورشید به تنگ آمده و هیچ سایه‌ای نیست که آنها در زیر آن سایه از آن گداختگی و حرارت خورشید خودشان را حفظ کنند تو سایه‌ای از عرش خودت را قرار می‌دهی تا یک عده از بندگان در زیر این سایه قرار بگیرند و این گداختگی و حرارت صحرای محشر آنها را رنج ندهد.

طبق این روایت بندگان که در عرصه محشر در سایه قرار می‌گیرند کسانی هستند که وقتی حرام و گناهی را می‌بینند مثل پلنگ مجروح<sup>۲</sup> خشم پیدا می‌کنند و با همه قدرت و

---

۱- امام حسین (ع): ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل الرضيع اما ترونه کیف یتلندی عطشی. سیدبن طاووس، لهوف، ص ۱۵۸.  
۲- پلنگ وقتی با دشمن روبرو می‌شود اول قدرت خودش را ارزیابی می‌کند اگر احساس کند توان مقابله با این دشمن را ندارد پا به فرار می‌گذارد و سعی می‌کند خودش را نجات دهد، اما اگر در حین فرار مجروح شد برمی‌گردد و به آن دشمن حمله می‌کند و دیگر دست بردار نیست یا باید بکشد یا کشته شود.

امکانات با این حرام و منکر مبارزه می‌کند تا منکر را محو کنند یا جانشان را از دست دهند.

یک زن بی‌حجاب هم فردی است که نسبت به کلام خدا بی‌تفاوت بوده و منکری را مرتکب شده است که نمی‌توان در برابر عملکرد او بی‌تفاوت بود.

حضرت علی(ع) در مقام توصیف رسول‌الله(ص) فرمود: پیغمبر اکرم(ص) هیچ‌وقت خشمگین نمی‌شد و کمتر کسی رسول‌الله(ص) را در حال خشم می‌دید؛ حتی اگر بالاترین اذیت و زجر و ناپاک‌ترین اهانت نسبت به پیامبر(ص) انجام می‌گرفت غضب نمی‌کردند، ولی وقتی ایشان می‌دیدند که حقی مورد تجاوز قرار گرفته و حلال و حرام خدا مورد تهاجم و هتاک قرار گرفته است غضبناک می‌شدند و آن حرام و غیرحق را از بین می‌بردند.

لازمه خلوص در عبادت خدا این است که انسان در برابر منکرات و محرماتی که در جامعه صورت می‌گیرد از پیغمبر اکرم(ص) الگو بگیرد و قاطعانه برخورد کند، نه اینکه در برابر آنها بی‌تفاوت باشد و این وظیفه‌ای است که متوجه آحاد مردم، مسوولان و دولت جامعه اسلامی است.

البته باید توجه داشت که این غضب باید برای خدا و برای اطاعت از او باشد. اگر انسان برای خدا در مقابل منکرات خشمگین شود هیچ‌وقت این خشم و غضب او را از اطاعت خدا باز نمی‌دارد. بهترین مصداق برای این امر روزی است که در خانه امیرالمومنین(ع) را

آتش زدند و حبیبه خدا(ع) مورد ضرب و جرح قرار گرفت. در این موقع، دو برخورد به عنوان موضع گیری انجام گرفت: یکی برخورد ابوذر و دیگری برخورد زبیر بود.

ابوذر غفاری وقتی دید حریم ولایت مورد تهاجم قرار گرفته است و عزیزترین عزیزان رسول الله(ص) زیر دست و پا لگدمال شدند؛ تحمل خود را از دست داد، ضجه می زد و فریاد می کشید و خشم او همه را متوجه خودش کرد؛ اما او دست به کاری نزد چون بنده مطیع خداست و امام دارد؛ هر عملی بخواهد انجام دهد باید در راستای دستور مظهر خدا و امام زمانش امیرالمومنین(ع) باشد و چون امام دستوری برای اقدام در این وضعیت نداد، ابوذر قدمی برنداشت. یک غضب هم غضب زبیر بود. زبیر بیرون شهر بود و منظره را از نزدیک ندید؛ او در همان لحظات وارد شهر شد. به زبیر واقعه را خبر دادند او هم غضبانک شد، شمشیر کشید و به مردم مسجد حمله کرد. عده ای از پشت سر او را گرفتند، به زمین خواباندند و به زور شمشیر را از دستش بیرون آوردند که چنانچه این کار را نمی کردند، او عده ای را می کشت. اگر این دو خشم کنار هم قرار بگیرد شاید عده ای خشم زبیر را بر خشم ابوذر ترجیح دهند؛ اما واقعیت غیر از این است زیرا خشم زبیر در راستای اطاعت نبود و شمشیر کشیدنش بدون دستور امام زمانش، امیرالمومنین(ع) بود.

پس همه انسان ها در گسترش این هدفها مسوول هستند، همه آنهایی که امکانات مدیریتی و سیاسی در جامعه دارند باید امکانات شخصیت و موقعیت اجتماعی خودشان را در این جهت به کار گیرند و آنهایی که چنین امکاناتی ندارند، باید حرکات، سکنتات، رفتارها، ارتباطات، معاشرت ها و برخوردهایشان را بر این اساس تنظیم کنند، چنان که امام

صادق(ع) فرموده‌اند: «کونوا دعاه الناس بغير السننکم»<sup>۱</sup> با غیر زبانتان مردم را به سوی خدا دعوت کنید.

ممکن است برخی بگویند گاهی مواقع امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست. چرا این همه نسبت به بی‌حجابی سخت می‌گیرید؟ پاسخ آن است که اگر عمق فاجعه درک شود این اشکال مطرح نمی‌شود، زیرا عقل حکم می‌کند در برابر فردی که خود را به هلاکت می‌اندازد نباید سکوت نمود. اگر فرزند شما یک لیوان سم دستش گرفته و قصد خوردن آن را دارد چه می‌کنید؟ آیا اگر به او تذکر بدهید یا در مواقعی که نمی‌پذیرد سرش فریاد بزنید، کار نادرستی انجام داده‌اید؟ آیا به او توهین کرده‌اید؟ خیر! تمام اینها به سبب خیرخواهی است و نشانه محبت و علاقه به آن فرد است. حال اگر به دختر خانمی که صورتش را ارایش کرده، به خانمی که لباس ناشایست و مخالف شأن پوشیده تذکر داده شود و از عواقب آن آگاه گردد، به او توهین شده است؟ هر انسان دین‌مداری می‌خواهد قوانین اسلام در جامعه اجرا شود و دین فراگیر باشد تا علاوه بر حفظ قداست و حرمت زنان، دشمن نتواند از راه بی‌حجابی مردان و زنان ما را الوده سازد و به هدف‌های شوم خود برسد.

تحقیقات نشان می‌دهد بی‌حجابی در جامعه در پی سه جریان انجام می‌گیرد.

نخست جریان زنان خیابانی است که بی‌حجاب کنار خیابان می‌ایستند تا به این وسیله به مطامع شهوانی خود رسیده، با این کارشان به توسعه فحشا و بی‌بندوباری دامن بزنند.

---

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

جریان دوم مانکن‌ها هستند. یعنی زنان و دخترانی که پول می‌گیرند، لباس‌های مخصوص می‌پوشند و در خیابان‌ها راه می‌روند تا به این وسیله مد جدیدی را در یک لباس ترویج کنند. این گروه برای سرمایه‌دارانی کار می‌کنند که می‌خواهند پوشاک جدید خود را به هر شکلی تبلیغ نموده، به فروش برسانند.

جریان سوم بخشی از توده خانواده‌ها، زنان و دخترانی هستند که تربیت دینی‌شان کامل نیست نه مانکن‌اند و نه جزء فواحش هستند، فقط به سبب تربیت ناصحیح بی‌حجاب شده‌اند و خواسته یا ناخواسته عامل ترویج بی‌حیایی و بی‌عفتی قرار گرفته‌اند. بر این اساس برخورد با هر یک از این گروه‌ها لازم است، البته تذکر و برخورد متناسب با هر جریان فرق می‌کند.

## ۲. راهپیمایی حجاب و عفاف

یکی از راهکارهای موثر برای ترویج حجاب و مبارزه با بی‌حجابی، اعلام انزجار عمومی مردم از بی‌حجابی با راهپیمایی است.

بیست‌ویکم تیرماه سالروز شهادت شهدای مسجد گوهرشاد برای دفاع از حجاب در زمان رضاخان است؛ این روز به عنوان «روز ملی حجاب» نامگذاری شده است و مردم غیور و دلاور مشهد در این روز برای حمایت از عفاف و حجاب راهپیمایی می‌کنند.

رژه بیست‌ویکم تیرماه با چادر، شرکت در صف سربازان حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) است. حضور مردان، به ویژه مردان غیور مشهد ثابت می‌کند که آنان هم از



همان نسل شیر مردان و شیر زنان هستند و عزت خون پدران، مادران و نیاکان خود را حفظ می‌کنند.

نوزدهم دی ماه نیز سرآغاز قیام مردم غیور قم و نقطه اوج به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی بود. این حرکت هم‌زمان با جریان کشف حجاب در دوران رضاخان اتفاق افتاد. در هفدهم دی ماه سال ۱۳۱۴ حجاب زنان را برداشتند و بی‌حجابی را بر این مردم تحمیل کردند. همه ساله دستگاه ستم‌شاهی رضاخانی خاطره شوم و نفرت‌انگیز این روز را جشن می‌گرفت و هفدهم دی ۱۳۵۶ نیز رژیم طاغوت قصد داشت برای بزرگداشت سالروز این واقعه که اقدامی بر ضد خدا، پیغمبر(ص) و دین بود، برنامه خود را اجرا کند. مردم مسلمان و غیور قم، حوزه علمیه، مراجع و روحانیون هوشیار و بیدار آن زمان در حمایت از مقام منبع مرجعیت امام بزرگوار به پا خاستند و نوزدهم دی ۱۳۵۶ سرآغاز انقلابی بود که در نهایت به پیروزی مردم مسلمان انجامید و نظام مزدور اجنبی و استعمارزده از زندگی مردم براندازی شد.

نکته قابل توجه این است که مساله بی‌حجابی به عنوان یک اهرم مقابله با پیغمبر(ص) و مبارزه با دین از سال ۱۳۱۴ اتخاذ شده بود و در سال ۱۳۵۶ به عنوان سالروز بی‌حجابی و کشف حجاب زنان برای اهانت به مقام مرجعیت و امام از آن استفاده شد. بنابراین مساله حجاب تنها یک حکم شرعی نیست، بلکه حجاب یک سپر محافظ در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان خدا به مبانی ارزشی جاری دین است و همواره دشمنان برای اینکه مرز

دین را بشکنند و به هنجارهای آن حمله کنند، ابتدا به سراغ حجاب زنان آمدند و با حجاب آنان مبارزه کردند.

### ۳. سالم سازی تفریحگاهها

یکی از نیازهای انسان نیاز به تفریح و تفرج است. در روایات نیز بر این امر تاکید شده است. امام صادق(ع) می فرماید: «ینبغی للمسلم العاقل ان یکون له ساعه یفضی بها فی عمله فیما بینه و بین الله عزوجل و ساعه یلاقی اخوانه الذین یفاوضهم و یفاوضونه فی امر آخرته و ساعه یخلی بین نفسه و لذاتها فی غیر محرم فانها عون علی تلک الساعتین»<sup>۱</sup>. سزاوار است مسلمان خردمند ساعتی را برای عبادت و وظایف الهی خویش منظور کند و در مرحله بعد ساعتی را برای ملاقات برادران دینی که او را در امر آخرت تشویق می کنند و یاری می دهند و ساعتی را برای خود ولذات حلال تا بتواند تجدید نیرو کند که این ساعت بازوی آن دو ساعت دیگر است.

لذا لازم است مردم از تفریحگاهها و مناطق خوش آب و هوا، به ویژه در فصل بهار و تابستان، استفاده کنند، اما این نباید به قیمت لابیالگریها و بازبودن فضا برای اباحه گریها و بی بندوباریهای دختران و پسران جوان صورت گیرد.

بنابراین باید اقدامات لازم برای سالم سازی فضای تفریحگاهها صورت گیرد. متأسفانه، مشکلی که امروزه در منطق بعضی از کوتاه فکران وجود دارد این است که در پاسخ به این سوال که چرا برنامه خلاف شرع اجرا می شود و از این بی بندوباریها جلوگیری نمی شود؟

---

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، ص ۸۷

به فرمایش مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) برای جذب حداکثری استناد می‌کنند. در اینجا باید پرسید این افراد چه چیزی را می‌خواهند جذب کنند و مسوول جذب چه کسانی هستند؟ آیا مسوول جذب افراد بی‌دین هستند یا مسوول جذب متدینان؟ جامعه ایرانی دینی و ولایی است، اکثریت جامعه متدین هستند و مطالبات دینی دارند. این جذب بایستی منطقی و عقلانیت داشته باشد. اول باید دین و حلال و حرام خدا رعایت گردد و بعد مردم. باید مردم را جدی گرفت مردمی که وفادارند و پای این انقلاب ایستاده‌اند، مردمی که با ایثارگری‌هایشان امام بزرگوار درباره آنان فرمودند: «مردم ما در وفاداری در جامعه جهانی بی‌نظیرند».

یکی از کارهایی که می‌توان در زمینه سالم‌سازی تفریحگاه‌ها انجام داد اختصاص برخی فضاهای پارک‌ها و تفریحگاه‌ها به بانوان است. این کار ضمن اینکه زمینه روابط حرام را از بین می‌برد باعث آسایش و امنیت خاطر بانوان گشته، سلامت روحی و روانی را در جامعه در پی خواهد داشت.

همچنین می‌توان با برگزاری برنامه‌های فرهنگی دینی، به سالم‌سازی و غنی‌سازی تفریحگاه‌ها کمک نمود. از جمله برنامه‌ها می‌توان به برگزاری نشست‌های صمیمانه معرفتی، دینی، آموزش مهارت‌های زندگی و... اشاره کرد.

البته نقش نیروی انتظامی را نباید در حفظ سلامت این مکان‌ها از خاطر دور داشت.

#### ۴. آموزش صحیح دین

زندگی به دین نیازمند است، اما به شرطی که دین درست آموزش داده شود و به آموزه‌های آن عمل شود؛ زیرا انسان موجودی با طبیعت سرکش و نفس متلاطم و زیاده‌خواه است. آن چیزی که می‌تواند طبیعت زیاده‌خواه متلاطم انسان را کنترل کند و او را بر نفسش مسلط کند، دین است.

در طبیعت انسان یک گزینه جنسی فوق‌العاده قوی وجود دارد؛ به تعبیر بعضی از بزرگان، گزینه جنسی دریا صفت است و موج ایجاد می‌کند و در زندگی انسان تلاطم می‌آفریند. اگر دین انسان قوی نباشد، این تمایل او را خرد می‌کند و شکست می‌دهد.

دشمن در کشور ما از ابتدا سراغ این مساله رفت و جلوی تبیین و تبلیغ دین را گرفت. نمونه بارز این مساله در زمان رضاخان اتفاق افتاد. او روحانیت را که افرادی دین‌شناس و علاقه‌مند به دین، آموزش‌دهنده دین و دعوت‌کننده به آن بودند تحت فشار قرار داد و مانع فعالیت آنان گردید؛ زیرا می‌دانست با وجود دین در این جامعه نمی‌تواند به ترویج فساد بپردازد و ظالمانه بر مردم حکومت کند. او می‌خواست مردم را از دین جدا کند و از طرف دیگر برای اینکه بتواند موفق شود سراغ شعله‌ور نمودن غرایز انسان رفت. جریان کشف حجاب را آغاز کرد و بی‌حجابی را رایج ساخت. در اینجا، از یک‌سو انسانی داریم که دینش ضعیف است و به تعبیری تعلیم ندیده است و از سوی دیگر زنان بی‌حجاب، حال این فرد با دین ضعیف در مقابل این بی‌حجابی چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ جز سرکشی و طغیان؟ بر همین اساس به عصر رضاخان و پسرش، عصر جاهلی اطلاق می‌گردد.

لذا شایسته است برای جلوگیری از فساد و بی‌بندوباری ناشی از بی‌حجابی و نیز برای ترویج اصل پوشش، دین به صورت صحیح و شایسته به مردم عرضه شود، چه بسا دل‌های آماده‌ای که با این آموزش‌ها به دامن دین برگشته، خود در راستای ترویج حجاب و دیگر ارزش‌ها گام بردارند.

## ۵. توجه به رضای خدا در برنامه‌ریزی‌ها

تمام سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در حوزه فرهنگی، اقتصادی، امنیتی بایستی با یک هدف صورت بگیرد و آن تامین خواست پروردگار و به دست آوردن رضای حق باشد. آیا واقعاً امروز برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در ابعاد مختلف با همین هدف صورت می‌گیرد؟ فردی به مقام معظم رهبری عرض کرد که در این کشور تصمیم‌هایی گرفته شود؛ اگر خلاف است که نباید تصمیم‌گیری بشود، اگر هم خلاف نیست چرا بعضی‌ها در بعضی منابر به بعضی تصمیمات اعتراض می‌کنند؟ مقام معظم رهبری فرمودند: اولاً تصمیم‌گیری‌ها در این کشور متعلق به قسمت‌های مختلف است و این به آن معنا نیست که در هیچ تصمیم‌گیری، خلاقی وجود ندارد. اگر عالمی و فرد بصیری که وظیفه‌اش هدایت و ارشاد اجتماع است، به این نتیجه رسید که در یک تصمیم‌گیری خلاقی صورت گرفته، باید خلاف را بگوید.

چرا باید در این مملکت همه آزاد باشند و حرف بزنند اما اگر متشرعی خلاف شرعی دید نگوید؟ باید دید واقعاً تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، در حوزه قوه مقننه و برنامه‌ریزی دولت در همه جا درست است؟ و همه جا تامین‌کننده رضای خداست؟ اگر چنین است

پس این سیل فحشا و مفسد از کجاست؟ آیا نباید در نظام و جامعه دینی حجاب و عفت زن را نماد اسلام دانست؟ و آیا نباید برای توسعه اسلام، در گسترش حجاب و عفت زن کوشید؟

حجابی که در معرض خطر قرار گرفته است نماد دین‌داری است و حتی کفار آن را نماد اسلام می‌دانند و برای پیشگیری از نفوذ اسلام مانع حجاب زن مسلمان می‌شوند. پس شایسته است در جامعه اسلامی، رضایت پروردگار به عنوان اصلی‌ترین هدف در همه برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود.

## ۶. معرفی الگو

در روش‌های تعلیم و تربیت، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل، الگوسازی است. یکی از نیازهای هر انسانی نیاز او به الگو می‌باشد و بهترین الگو برای یک زن مسلمان شخصیت هدایتگر حضرت فاطمه(س) و دختر بزرگوارشان حضرت زینب(س) است و باید این شخصیت در زندگی زن مسلمان متجلی باشد، زیرا یک مسلمان باید در مسیر دین‌داری و ولایت‌مداری نگاهش به اولیای دین باشد.

تجلی شخصیت حضرت فاطمه(س) و خاندان عصمت و طهارت(ع) در زندگی تنها با حفظ ظواهر صورت نمی‌گیرد؛ احترام به ایشان با پرچم سیاه و با تعظیم شعائر در عزاداری‌ها محقق نمی‌شود. بلکه بهترین احترام به این بزرگواران، کاربردی کردن ابعاد مختلف سیره ایشان در زندگی است و تا زمانی که شخصیت حضرت زهرا(س) در

زندگی متجلی نشود و به ویژگی‌های شخصیتی این بزرگوار عمل نشود، احترام آنان کامل نشده، رضایت‌شان حاصل نمی‌شود.

#### ۷. جهت‌بخشی به خواسته‌های جوانان

یکی از راهکارهای ترویج حجاب، جهت‌بخشی به خواسته‌های جوانان است. جوانی که شیفته فضیلت، عاشق علم، دل‌داده پرودگار در زندگی است، خواسته‌هایش نیز باید به سوی فضیلت‌های اسلامی و انسانی جهت داده شود. لذا باید خواسته‌های دختران و پسران جوان را بر مبنای قاموس دین جهت‌بخشید. به طور مسلم این خواسته‌های نشأت‌گرفته از دین، دیگر خواسته‌های او را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و در این صورت هیچ خواسته دیگری دل و قلب او را پر نمی‌کند و زندگی‌اش سرشار از اطمینان و آرامش می‌گردد.

#### ۸. تقویت ارتباط با خدا و اهل‌بیت(ع)

یکی از راه‌های تقویت حجاب‌گرایی در جوانان، برقراری و تقویت ارتباط آنان با مبدأ هستی است. اگر جوان دل‌داده خدا، عاشق و وابسته به او شود، در پذیرش آموزه‌های دینی و اوامر الهی مطیع می‌گردد.

مناجات یک جوان در دوران جوانی با خدا در فوران هیجانات روحی بسیار لذت‌بخش است به گونه‌ای که دیگران نیز تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند. جلوه عبادت این جوان گاهی بالاتر و دلنشین‌تر از عبادت و تهجد افراد دیگر است. این نوع ارتباط با خدا می‌تواند از

جوانان در تندباد حوادث فساد محافظت کند. این از هر دستگاه و قدرت و عامل نیرومندی قوی تر است.

البته دعای پدر و مادر برای جوان بسیار لازم است و از جمله دعاهایی است که صددرصد به اجابت می‌رسد. لذا والدین، با سپردن جوانان به خدا و دعا کردن برای آنان می‌توانند فرزندان‌شان را در برابر تهاجمات شیطانی حفظ نمایند.

### عوامل موثر بر حجاب‌گریزی و راهکارهای مقابله با آن

#### ۱. اختلاط زن و مرد

یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر حجاب‌گریزی، اختلاط محرم و نامحرم است. مبارزه با بی‌حجابی تنها، به این نیست که مقابله فیزیکی صورت گیرد و به فرد بی‌حجاب گفته شود: «با حجاب باش» و او با حجاب شود. بلکه باید زمینه‌ها و بسترهای بی‌حجابی و حجاب‌گریزی هم از بین برود.

امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: «لا ینبغی للمراه ان تمشی فی وسط الطریق و لکن تمشی الی جانب الحائط»<sup>۱</sup> زنان بهتر است که از کنار جاده راه روند و از وسط راه حرکت نکنند، زیرا کمتر موجب اختلاط زن و مرد است.

از این بیان امام می‌توان نتیجه گرفت که اسلام با دو بخش کردن مجامع عمومی موافق است و فاصله بودن میان نامحرمان به حفظ ارزش‌های دینی کمک می‌کند.

---

۱- حر عاملی، محمدبن‌الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۲.



اختلاط مردان و زنان در عرصه‌های مختلف چون مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، خانواده و نشست‌های فامیلی، بستر مناسبی است برای رعایت نکردن حریم محرم و نامحرم. این امر حتی در تبلیغ دینی نیز باید لحاظ گردد و شایسته نیست یک خانم در غیر موارد ضروری به تبلیغ دینی در جوامع مردان بپردازد، چرا که رعایت عدم اختلاط، بر تبلیغ دین تقدم دارد.

خانواده‌های متدین در این زمینه باید توجه ویژه‌ای داشته باشند چرا که متاسفانه این اختلاط‌ها به زندگی افراد مذهبی نیز نفوذ کرده است.

### اختلاط در صدا و سیما

همان‌طور که گذشت اختلاط یکی از عوامل موثر بر حجاب‌گریزی است که متاسفانه امروزه این امر در فیلم‌ها و سریال‌ها به چشم می‌خورد. برای یک سریال یا فیلم واقعاً این مقدار اختلاط زن و مرد لازم و جایز است؟ متاسفانه، در فیلم‌ها و سریال‌های تولیدی صدا و سیما به این امر توجهی نمی‌شود و به راحتی یک زن اجنبی نقش «زن» و یک مرد اجنبی نقش «شوهر» را ایفا می‌کند و بعد این دو تمام محاوراتی را که بین دو محرم رد و بدل می‌شود با هم دارند. همان‌طور که به هم نگاه می‌کنند، همان‌گونه با هم حرف می‌زنند و به همان شکل با هم رفت‌وآمد دارند، تا جایی که خصوصی‌ترین حریم‌های زناشویی در برخی مواقع به تصویر می‌آید. فقط تفاوتش در این است که این زن در این موقعیت پوششی دارد که در مقابل شوهر خودش آن را ندارد. البته این پوشش نیز، خارج از

محدوده حجاب اسلامی است. آیا اختلاط زن و مرد با آن پوشش و با آن حرکات و سکنت، جایز است.

به طور مسلم این نوع روابط نتیجه‌ای جز تحریک غریزه جنسی و تمایلات نفسانی افراد (بازیگران و بینندگان) ندارد و خود عامل ارتکاب معاصی، به ویژه بی‌حجابی، می‌گردد. البته ناگفته نماند حیا و عفاف افرادی که در نقش‌ها ظاهر می‌شوند نیز در رعایت حریم‌ها بی‌تاثیر نیست.

برای حل این مساله لازم است هنرمندان ارزشی - از کارشناسان و مسوولان گرفته تا بازیگران و عوامل صحنه - که علاوه بر علاقه‌مندی به هنر، دغدغه دین نیز دارند به ارائه طرح بپردازند تا راهی برای رهایی از این معضلات باز شود. البته تحقق این امر کاری بس دشوار به نظر می‌آید و نیازمند صرف فکر و هزینه زیادی است.

### اختلاط و فعالیت اجتماعی زنان

یکی دیگر از موارد اختلاط‌زا در جامعه، فعالیت اجتماعی زنان است. اسلام با فعالیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زن مخالفت ندارد و تاریخ اسلام گواه آن است. موضع اسلام درباره کار کردن زن و حضور اجتماعی او موضع منطقی و طبیعی دینی است که در پی ساختن جامعه‌ای با امنیت، سعادت‌مند و سالم است.

مسئلاً ساختن چنین جامعه‌ای نیازمند تلاش و حضور فعال و بنیادی زن است و هیچ‌گاه نقش مهم و اساسی زن در ساختن اجتماع کوچک خانواده، مانع ایفای نقش وی در ساختن جامعه بزرگ اسلامی، نیست.

اسلام در این مقوله قوانینی دارد که حدود حضور اجتماعی زن را تبیین می‌نماید. امیرمومنان(ع) به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «فان استطعت ان لا يعرفن غیرک من الرجال فافعل»<sup>۱</sup> تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری او را نشناسد چنین کن.

مهمترین مساله در مورد حضور اجتماعی زن را حضرت زهرا(س) بازگو کرده است. در روایت چنین آمده است:

«علی(ع) قال کنا عند رسول الله(ص) فقال اخبرونی ای شیء خیر للنساء فعینا بذلک کلنا حتی تفرقنا فرجعت الی فاطمه(س) فاخبرتها بالذی قال لنا رسول الله(ص) و لیس احد منا علمه و لا عرفه فقالت و لکنی اعرفه خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال...»<sup>۲</sup> امام علی(ع) فرمود: روزی در محضر رسول خدا(ص) بودیم و ایشان پرسیدند: چه چیز برای زن از هر چیز بهتر است؟ کسی نتوانست پاسخ بگوید. من به خانه رفته، جریان را برای حضرت زهرا(ع) نقل کردم. ایشان فرمود که: از همه چیز بهتر برای زن این است که مرد بیگانه‌ای را نبیند و مرد بیگانه‌ای هم او را نبیند.

متأسفانه، برخی با استناد به این سخن حضرت راه افراط را در پیش گرفته‌اند و مانع حضور زن در اجتماع شده، او را محدود می‌سازند. در مقابل نیز گروهی همچون فمینیست‌ها با طرح ادعای دفاع از حقوق زن اصل کلام حضرت را نمی‌پذیرند و حضور

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ۲۰، ص ۶۷.

زن را در فعالیت‌های اجتماعی بدون هیچ مرزی تجویز می‌نمایند. این دو نگاه هر دو باطل است.

در این حدیث حضرت فاطمه(س)، اصل نفی اختلاط را عنوان نموده‌اند نه اینکه هر نوع حضور و رویتی را نفی کنند، فرمایش حضرت زهرا(س) این است که مساله نفی اختلاط، یک اصل است که باید در روابط زن و مرد به آن توجه کرد. زن منبع استعداد، اندیشه و خلاقیت است و در عالم هستی نمی‌توان از این استعداد و اندیشه غافل شد و آن را کنار گذاشت. این خلاف عقل است و اگر این بود خداوند از اول این بنیه و استعداد و فکر را در زن قرار نمی‌داد. لذا زنی که استعداد مدیریت، تعلیم و... دارد، باید در مسیر شکوفا نمودن این استعدادها گام بردارد و زمینه استفاده از آن را فراهم نماید. پس روایت حضرت زهرا(س) ناظر بر عدم اختلاط است نه ناظر بر عدم فعالیت اجتماعی زن؛ و توصیه‌ای اخلاقی و ارشادی به یک حقیقت روحی و روانی در روابط دو جنس است که تا حد ممکن، اجتماع مدنی از اختلاط زن و مرد به دور باشد.

## ۲. هنر بدون تعهد

هنر یکی از ابزارهای انتقال مفاهیم و رشد و تکامل آنها در میان انسان‌هاست؛ ابزاری که هم می‌تواند در مسیر هدف‌های مثبت ایفای نقش کند و هم مورد سوءاستفاده قرار گیرد و در استخدام فساد و ابتذال در آید. متأسفانه، عناصری شیطان صفت و مولد جریان‌های ابذال در حوزه فیلم و تئاتر و موسیقی فعالیت می‌کنند که با عدم تعهد و بی‌توجهی به

ارزش‌های دینی نه تنها خدمتی به مردم نمی‌کنند که مالیات هنرمندی خود را نیز از مردم می‌گیرند.

اگر هنر در استخدام ابتذال و جریان‌های شیطانی و توسعه شهوت و امیال نفسانی و غرایز جنسی نسل جوان در آید از هر آتشی برای تباه کردن جامعه سوزنده‌تر و نکبت‌بارتر است. هنر آنگاه ارزشمند است که در استخدام توسعه دین و اخلاق باشد. دین اسلام در همه امور معیار ارزش و ضد ارزش دارد. هر حرامی ضد ارزش است هر چند در قالب هنر و علم باشد و هر آنچه در خدمت توسعه اخلاق دینی باشد ارزش است.

امروزه زنان نخبه کشور در سایه عفت، عصمت و حجاب جایگاه والایی پیدا کرده‌اند. دشمنان نیز این موضوع را درک نموده و با یک تیر دو نشانه را هدف قرار داده‌اند؛ از سویی می‌کوشند جوانان را از دامن اسلام بیرون بکشند و از سوی دیگر، زنان نخبه و دختران با استعداد را با بی‌حجابی و بی‌عفتی از اوج نخبگی ساقط کنند.

بنابراین، دشمنان داخلی و خارجی به نام حمایت از هنر، می‌کوشند بی‌قیدی و ولنگاری را در بین زنان و جوانان رواج دهند و با این نقشه‌های سوء، جامعه ما را به جامعه جاهلی قبل از انقلاب برگردانند.

### ۳. توطئه دشمنان

دشمنان اسلام در صدد براندازی دین خدا هستند و از آنجایی که در ایران اسلام اصیل وجود دارد، می‌کوشند دین را از بین ببرند تا در اسلام‌زدایی در سطح دنیا پیروز شوند.

همچنان که مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) می‌فرماید: آمریکا در از بین بردن هویت نسل جوان توطئه‌های سازمان‌یافته دارد.

اصولاً حرکت اسلام‌ستیزی برای دشمنان اسلام از مبارزه با حجاب و از جریان بی‌حجابی آغاز می‌شود.

اسلام‌ستیزی دو مرحله دارد:

مرحله اول، اسلام‌ستیزی در عرصه فکر و عقیده است. عده‌ای مقابله و مبارزه با اسلام را با حرکت‌های انحرافی و شبهه‌سازی‌های فکری آغاز می‌کنند. آنها به توحید، خدا، نبوت و وحی اشکال می‌گیرند، شبهاتی نسبت به امامت ایجاد می‌کنند، به معاد و معتقدات اشکالاتی وارد می‌کنند، احکام دین، مراسم دینی، مقدسات و ارزش‌های دینی را زیر سوال می‌برند و می‌کوشند از تربیون‌های مختلف که عمدتاً مرتبط با اندیشه‌های نسل جوان است - مثل محیط‌های آموزشی، دانشگاهی و آموزش و پرورش و دبیرستان و بعضی از مراکز فرهنگی - در اشاعه افکار ناپاک و شیطنانی خود بهره‌گیرند.

مرحله دوم، اسلام‌ستیزی در مرحله عملیاتی و اجرایی است. تاریخ نشان داده است هر زمان جریان‌های شیطنانی دشمنان اسلام بخواهند اسلام‌ستیزی را در عرصه عمل اجرا کنند با توسعه فحشا و منکرات شروع می‌کنند. راه تحقق این امر ترویج ولنگاری و بی‌حجابی زنان و دختران است. امروزه دشمن در پی اجرانمودن دو نقشه در جامعه است: بی‌دین کردن جوانان و بی‌حجاب نمودن زنانی که این ارتباطی دو سویه با هم دارند.

جوان متدین و مومن که در بحران غریزه جنسی قرار دارد وقتی با عرصه‌های شیطانی و ناپاک بی‌عفتی زنان و دختران روبه‌رو شود، بر اثر فوران غریزه جنسی از مرز دین تجاوز می‌کند و به بی‌دینی گرایش می‌یابد.

از طرف دیگر، دشمنان می‌خواهند حجاب را که هویت دینی جامعه است و تنها یک عمل شخصی نیست و مربوط به کل جامعه است را از بین ببرند.

امیرالمومنین (ع) فرمود: «يقول يظهر في آخر الزمان و اقتراب الساعه و هو شر الازمنه نسوه كاشفات عاريات متبرجات من الدين داخلات في التفن مائلات الى الشهوات مسرعات الى اللذات مستحلات للمحرمات في جهنم خالدات»<sup>۱</sup>.

در آخرالزمان زنانی ظاهر می‌شوند که کاشفات<sup>۲</sup> و عاریات<sup>۳</sup> هستند و در خروج از دین و بی‌دینی خودنمایی می‌کنند. اینها داخل در فتنه‌اند. به شهوت‌ها مایل‌اند و کسانی هستند که به طرف لذات نفسانی سرعت می‌گیرند و حلال‌کننده حرام‌های خدا هستند.

امیرالمومنین (ع) از هزار و چهارصد سال قبل، جامعه امروز را می‌دید. حضرت در این حدیث نمی‌فرماید: «زنان فتنه‌گرند» بلکه می‌فرماید: «اینها داخل در فتنه‌ها هستند.» و مصداق فتنه در عصر کنونی فتنه‌های آمریکا و توطئه‌های دشمنان اسلام است.

یکی از نقشه‌های شوم دشمن در براندازی دین، «کشف حجاب رضاخانی» است. در زمانی که نظام شیطانی رضاخانی و مزدور بریتانیای استعمارگر در صدد جمع‌کردن سفره

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

۲- کاشفات: بی‌حجاب

۳- عاریات: زنانی که آستین‌های بلند و ساق پا بالا است و گردن‌ها برهنه است.

دین از این کشور برآمد، ماموریت پیدا کرد این مبارزه ضد دین را از نقطه کشف حجاب آغاز کند.

این رژیم سال ۱۳۱۴ در مقام تمهید مقدماتی به منظور زمینه‌سازی برای کشف حجاب اجباری، حرکت‌هایی را با تدبیر و برنامه‌ریزی حکومت و وزیر فرهنگ آن روز (که در حقیقت وزیر آموزش و پرورش بود) انجام داد. جشن‌های کشف حجاب گرفتند و در این جشن‌ها دانش‌آموزان دختر دبیرستانی را برای نواختن موسیقی و سرودخوانی وارد می‌کردند و کم‌کم این جشن‌ها را توسعه دادند.

اینکه استعمار و استکبار به سراغ حجاب می‌رود و اینکه حجاب سوژه خشونت فرهنگی شده است به دو علت است:

علت اول: حجاب عاملی است که مانع تباهی زن در عرصه اجتماعی می‌شود. زنان بخش عظیمی از بدنه جامعه هستند که اگر در پرده حجاب و عفت قرار گیرند، دیگر ملعبه و بازیچه شهوت و امیال نفسانی انسان‌ها قرار نخواهند گرفت و به این ترتیب این نیروی عظیم به یک جریان جدی و کارآمد در عرصه جامعه تبدیل خواهند شد.

حجاب عاملی است که از تباهی این بخش عظیم بدنه جامعه جلوگیری می‌کند و دشمنی که در صدد براندازی جامعه دینی است سوژه خشونت فرهنگی را، حجاب قرار داده است.

علت دوم: در جامعه‌ای که زنان با عفت و با حجاب‌اند و اصالت و عزم حجاب، آنان را از هرگونه هتکی محفظ می‌دارد، پایگاه توسعه مفساد و شهوت‌رانی‌ها برچیده می‌شود.



در چنین جامعه‌ای جوان مقدس و مقاوم، به دنبال علف‌هرز جریان‌های استکباری به طرف قربانگاه نمی‌رود.

#### ۴. آزادی بدون دلیل

مساله حجاب یک مساله اصیل در جامعه است و هیچ‌کس حق ندارد نسبت به آن موضع گرفته، سعی در تباه ساختن آن نماید. هیچ زنی حق ندارد با عنوان آزادی، به خود اجازه دهد که آزادانه و بدون هیچ قید و بندی خود را در رهگذر شهوت‌رانی مردان قرار دهد و انتظار داشته باشد کسی از وی ممانعت به عمل نیاورد.

آزادی چیزی است که اسلام نیز به آن تصریح دارد و اصل آن را برای زن و مرد تشریح نموده اما آن آزادی از منظر اسلام پذیرفته است که با مبانی آن در تعارض نباشد و منافاتی با کرامت، عزت نفس، حرمت و شأن انسان نداشته باشد.

اینکه زن می‌خواهد آزادانه در رهگذر مطامع نفسانی مردان واقع شود یک طرف قضیه است و طرف دیگر آن است که آزادی بی‌حد و حصر زنان جامعه را به فساد می‌کشاند و باعث ترویج فحشا در جامعه می‌شود.

بر این اساس، باید تشکیلاتی که متولی تامین امنیت اجتماعی و اخلاقی و پیشگیری از جرم است مقابل این زنان بی‌حجاب قرار گیرد. تا با جلوگیری از آزادی‌های بی‌قید و بند آنان موجبات سعادت‌مندی و آرایش جامعه را فراهم کنند.

## ۵. جنگ نرم

یکی از عوامل و توطئه‌های دشمن برای گسترش بی‌عفتی و بی‌حجابی «جنگ نرم» است و اهمیت و حساسیت این مقوله بر همگان روشن است.

امروزه در رأس مطالبات رهبری مساله برخورد با ناهنجاری‌های فرهنگی است، چون مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) در بسیاری از فرمایشات خود و در هر مناسبتی مساله جنگ نرم را مطرح و تاکید بسیاری برای مقابله با آن می‌کنند.

ناهنجاری‌های فرهنگی از جمله بی‌حجابی، هم زمینه‌ساز ورود دشمن به داخل جامعه با جنگ نرم است و هم ابزار مقابله و مبارزه دشمن است؛ این ناهنجاری‌های فرهنگی، جامعه را از دین دور نموده، دشمن را در جنگ نرم پیروز می‌کند.

امروزه زنان جامعه بیشتر از پیش مورد هدف جنگ نرم قرار گرفته‌اند، چرا که مشاهده می‌ود وقتی دشمن به پیامبر و امیرالمومنین (ع) بی‌احترامی می‌کند در کنار آن به حجاب و پوشش بانوان نیز توهین می‌کند و این مساله جای تامل دارد که چرا دشمن سراغ دیگر ارزش‌های اسلامی مانند نماز، روزه و... نمی‌رود؟

حقیقت این است که چادر و پوشش اسلامی زن، صیغه رسول‌الله (ص) را در جامعه نهادینه می‌سازد و این نشانگر عظمت حجاب است.

یکی از زمینه‌های جنگ نرم استفاده سوء از فناوری‌های پیشرفته ارتباطی، مخابراتی و اطلاع‌رسانی مانند اینترنت، ماهواره و نیز بلوتوث‌های غیراخلاقی از طریق گوشی‌های

تلفن همراه است که ناموس جامعه را در معرض بی‌عفتی قرار می‌دهد و جوانان را فاسد و تباه می‌کند.

یکی از راه‌های نفوذ دشمن در میان جوانان ترویج نمادهای غیردینی و تبلیغ اندیشه‌های غربی و انحرافی است که این کار از طریق سایت‌های اینترنتی صورت می‌گیرد؛ با این سایت‌ها مبلغ کالاهای ضد ارزشی (شلوارهای جین و شال و روسری‌های تغییر ماهیت یافته) هستند و نیز بلوتوث‌های مفسده‌انگیز که بدون هیچ محدودیتی ترویج یافته‌اند و عواقب منفی آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم همه افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

## ۶. پیروی از شیطان

امام صادق(ع) می‌فرماید: «ما من مومن الا و لقلبه اذنان فی جوفه اذن ینفث فیها الوسواس الخناس و اذن ینفث فیها الملک فیوید الله المومن بالملک فذلک قوله و ایدهم بروح منه»<sup>۱</sup> هیچ مومنی نیست مگر اینکه برای قلب او دو گوش است، در یک گوش قلب او وسواس خناس یعنی شیطان و در گوش دیگر قلبش، فرشته می‌دمد و خداوند متعال مومن را با دم فرشته در گوش قلبش در مقابل شیطان کمک می‌کند.

امام صادق(ع) در این حدیث نمی‌فرماید: «ما من احد؛ هیچ کس نیست.» بلکه می‌فرماید: «ما من مومن؛ هیچ مومنی نیست.» مومنی که باید قلبش مخصوص خدا باشد و دلش خانه انحصاری حق، باید در کانون دل و قلب او همه خواسته‌ها، گرایش‌ها، امیال از آن خدا

---

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۷.

باشد تا اینکه توحید در او محقق شده و به شرک آلوده نشود؛ شیطان در گوش دل این مومن می‌دمد تا بخشی از فضای این خانه را تصرف کند.

پس وقتی معصیتی از انسان سر می‌زند این گناه، چیزی نیست که از اعضا و جوارح، دست و پا و چشم و گوش و... انسان عارض شده باشد بلکه این گناه از دل شروع می‌شود.

در حدیثی دیگر از امام صادق(ع) آمده است: «لا یسرق حین یسرق السارق و هو مومن»<sup>۱</sup> دزد در حالی که مومن است دزدی نمی‌کند.

این حدیث با حدیث اول قابل توجه است: وقتی شیطان در گوش دل انسان دمید در آنجا میل، خواسته و گرایش انسان به سمت گناه می‌رود و بخشی از دلش را شیطان تصرف می‌کند و در او خاطرخواهی گناه به وجود آمده، گناه می‌کند.

یکی از وساوس شیطان و دعوت او به گناه، بی‌حجابی و بی‌عفتی است که هر انسان مومنی باید به این موضوع توجه لازم را داشته باشد.

---

۱- همان.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای
۲. نهج البلاغه
۳. مفاتیح الجنان
۴. مصباح للكفعمی
۵. آمدی، عبوالواحدین محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه مصطفی درایتی، مشهد، ضریح آفتاب، ۱۳۸۱ش.
۶. ابن الکثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت درالمعرفه، ۱۳۸۸ق.
۷. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، علی شیری، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۸. ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، قم، کتابفروشی بوذرجمهری (مصطفوی)، ۱۳۸۱ق.
۹. ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. اعرافی، علیرضا، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات همای تربیت در سیره و کلام امام علی(ع))، به اهتمام علیرضا صادق‌زاده قمصری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، بی‌جا، چاپ اسلامی، ۱۳۳۷ش.
۱۲. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، بی‌جا، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۴ق.

۱۳. حر عاملی، محمدبن الحسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البيت(ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۴. الحمیری، ابی العباس عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، بیروت، موسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، طبعه الاولی، دمشق، دارالاقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رسولی محلاتی، سیدهاشم، زندگی حضرت زهرا(س) و دختران آن حضرت، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۸. زمخشری، محمدبن عمر، تفسیر الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه سیداحمد فهری زنجانی، تهران، انتشارات جهان.
۲۰. سیدبن طاووس، مجموعه ورام، مکتبه الفقیه، افسس از بیروت، دارالتعارف، ۱۳۷۴ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المثلثور فی تفسیر الماثور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، بی جا، موسسه انتشارات فراهانی، بی تا.

۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم، کتابفروشی بوذرجمهری مصطفوی و جاراللهی، ۱۴۱۵ق.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، امالی، قم، انتشارات دارالثقافه، بی تا.
۲۶. فلسفی، محمدتقی، الحدیث، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، بی جا، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۳ مهر ۱۳۹۰ش.
۲۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۲۹. قریب، محمد، تبیین اللغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغات قرآن، بی جا، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۶ش.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۳۲. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، ادب الدنیا و الدین، ترجمه عبدالعی صاحبی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، بی تا.
۳۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ق.
۳۵. محمدی‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.
۳۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۳۷. مطهری، مرتضی، حجاب و آزادی (مجموعه سخنرانی)، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری معاونت فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ش.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پنجم، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، زمستان ۱۳۶۷ش.
۳۹. منسوب به جعفر بن محمد (ع)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (رهنمودهای امام صادق «ع»)، ترجمه عباس عزیزی، چاپ سوم، قم، انتشارات صلوات، ۱۳۸۱ش.
۴۰. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.